

احکام

صندوق های قرض الحسنه

سید جعفر ربانی

احکام صندوق های قرض الحسنه

مشخصات کتاب

سرشناسه:ربانی، سیدجعفر، 1343 -

عنوان و نام پدیدآور:احکام صندوق های قرض الحسنه/ سیدجعفر ربانی؛ [برای] ستاد امر به معروف و نهی از منکر، پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر.

مشخصات نشر:قم: نشر معروف، 1395.

مشخصات ظاهری:240ص.؛ 19 ×5/19 س م.

فروست:فقه و زندگی؛ 54.

شابک:50000 ریال:978-600-6612-82-9

وضعیت فهرست نویسی:فاپا

یادداشت:کتابنامه:ص.[235] -240؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع:قرض الحسنه

موضوع:*Islamic loans

موضوع:قرض الحسنه (فقه)

موضوع:Islamic loans (Islamic law)*

موضوع:قرض الحسنه -- احادیث

موضوع:*Loans, Islamic -- Hadiths

موضوع:قرض الحسنه -- جنبه های قرآنی

موضوع:*Loans, Islamic -- Qurʾanic teaching

شناسه افزوده:ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر. پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

رده بندی کنگره:BP192/ر23الف3 1395

رده بندی دیویی:297/372

شماره کتابشناسی ملی:4597684

ص: 1

اشاره

فهرست مطالب

ص: 8

ص: 9

ص: 10

ص: 13

سخن پژوهشکده

فقه و زندگی و سبک زندگی اسلامی

اسلامی شدن زندگی اجتماعی در مرحله شناخت سه گام دارد؛

شناخت معروف و منکر در فعالیت های فردی و روابط انسان و خداوند عزّوجلّ.

شناخت معروف و منکر در حوزه روابط اجتماعی و معاملات اقتصادی.

شناخت معروف و منکر در روابط دولت و ملت.

در گام اول فعالیت های فقهی، اخلاقی پژوهش های اخلاق مدار فراوانی توسط عالمان و محققان پدید آمده و اصلاح و تقویت روابط عبادی، عقیدتی و معرفتی انسان با خداوند متعال را مورد توجه قرار داده است.

ص: 15

گام دوم ، یعنی شناخت معروف و منکر در روابط اجتماعی و معاملات اقتصادی، کاری است که با وجود برخی از آثار علمی و پژوهش های ارزشمند با نگاه تخصصی به هر صنف مورد توجه قرار نگرفته است. سلسله کتاب های «فقه و زندگی، به پژوهش و نگارش در حوزه اصناف خاص توجه دارد و بایدها و نبایدهای فقهی و اخلاقی و آداب اسلامی هراتحادیه صنفی و دست اندرکاران مشاغل مختلف تولیدی، توزیعی، و خدماتی را محور پژوهش و نگارش و اطلاع رسانی خویش می داند.

گام سوم در شناخت معروف و منکر به روابط مردم و حکومت ها اختصاص دارد، اسلامی شدن روابط دولت و ملت بالاترین گام به سوی رضای خداوند متعال محسوب می شود و در سایه پیروی از رهبری الاهی و تسلیم دولت و ملت در برابر قوانین قرآن و عترت امکان پذیر است.

در حدود سال های 1372 با آغاز فعالیت های ستاد امر به معروف و نهی از منکر طرح پژوهشی افقه و زندگی توسط جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد حسین فلاح زاده ، پی ریزی شد. هدف طرح،

تألیف و تدوین مجموعه کتاب هایی در زمینه آداب و احکام اسلامی برای اصناف و مشاغل گوناگون اقتصادی و بازاریان کشور بود. با هماهنگی این دو نهاد فرهنگی تألیف حدود بیست جلد از این مجموعه در سالهای آغاز کمک خوبی به بازاریان متدین در زمینه شناخت احکام شرعی و حلال و حرام مشاغل بشمار می رفت. اما مثل بسیاری دیگر از طرح ها این کار هم به دلایل مختلف ناتمام ماند و در زمینه احکام فقهی بسیاری اصناف اثری فراهم نیامد.

ضرورت اسلامی شدن بازار، علاقه بسیاری از کاسبان و بازاریان محترم در بخش های تولید و توزیع و خدمات و پیگیری دبیر محترم ستاد امر به معروف و نهی از منکر حجت الاسلام والمسلمین زرگر دام عزه العالی سبب احیای مجدد این طرح پژوهشی کاربردی در سال 1393 ش شد و تالیف و تدوین کتبی دیگر در زمینه فقه اصناف در دستور کار پژوهشکده امربه معروف و نهی از منکر قرار گرفت.

در سال های آغازین، این پژوهش ها با هدایت و حمایت ستاد و نظارت علمی و فقهی برادران گرامی

حجج اسلام محمد حسین فلاح زاده و محمود مهدی پور شکل گرفت و بیست و چند دفتر از آن فراهم آمد. اینک بار دیگر پس از حدود چهارده سال، این کار ناتمام و بر زمین مانده به توفیق الهی و نظارت جناب حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد تقی علوی و همکاری گروهی از فضلای حوزه علمیه قم در پژوهشکده امربه معروف پیگیری می شود.

همیشه اصناف محترم و صاحبان مشاغل در انجام وظیفه خود نیاز به احکام و قوانین الهی دارند و لازم است معروف و منکرات صنفی را بشناسند. تحولات صنفی و دگرگونی ها در حوزه کسب و کار سبب می شود که احکام براساس نیازهای روز مورد بازنگری فقهی و علمی قرار گیرد وتفقه واجتهاد جدید ضرورت یابد. از این رو بار دیگر با استفاده از فتاوی مراجع بزرگوار تقلید و قوانین مصوب شورای نگهبان موضوعات کار نشده در برنامه پژوهشی قرار گرفت و بیست اثر جدید تحقیق و تولید شد. عناوین پژوهش های سال 1393 ش بدین شرح است:

احکام صنف طلا و جواهر

احکام تلفن همراه

ص: 18

احکام بازی های رایانه ای

احکام صنف اتوبوس رانی

احکام صنف فرش و تابلو فرش

احکام صنف کیف و کفش (سراجان)

احکام صنف ماهی فروشان

احکام صنف ناشران

احکام صنف پوشاک

احکام صنف نانوایان

احکام صنف رایانه و اینترنت

احکام صنف پرندگان و پرنده فروشان

احکام صنف اغذیه فروشان

احکام صنف پارکها

احکام عمومی کسب و کار

احکام صنف قهوه خانه ها

احکام صنف الکتریکی

احکام صنف عطاری و دارو گیاهی

احکام صنف لوازم صوتی و تصویری

احکام بیمه ها

این دفتر از فقه و زندگی که با تلاش برادر گرامی

حجه الاسلام سید جعفر ربانی پدید آمده به احکام صندوق های قرض الحسنه اختصاص یافته است و امیدواریم محققان و دست اندرکاران محترم با ارائه تجارب و مسائل شرعی خویش ما را در تکمیل این اثر یاری کنند.

با درخواست توفیق از خداوند دانا و توانا ویاری محققان حوزوی و همراهی اصناف کشور، بسیج اصناف و مسؤولان ستادهای امربه معروف ، می توان به سوی اسلامی شدن بازار، آرامش روانی جامعه ، کاهش چرم و تخلفات اقتصادی و کسب رضای حضرت حق گام هایی بلندتر برداشت.

امیدواریم با شناخت احکام الهی در تمام بخش ها و اجرای آن در زندگی فردی و اجتماعی و در سایه فقه ناب اسلامی و با هدایت حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، توحید و عدالت در سراسر عالم حاکم گردد. ان شاء الله .

قم پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

خیابان سمیه کوچه 12 پلاک 355

finaroof.ir info@fmaroof.ir

ص: 20

اشاره

«مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً کَثیرَةً وَ اللَّهُ یَقْبِضُ وَ یَبْصُطُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ»؛ (1)کیست که به خدا قرض الحسنه دهد تا آن را برای او چندین برابر نماید و خداوند [روزی بندگان را] محدود یا گسترده می سازد و به سوی او باز می گردید.

«إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً یُضاعِفْهُ لَکُمْ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ وَ اللَّهُ شَکُورٌ حَلیمٌ»؛ (2) اگر به خدا قرض الحسنه دهید، آن را برای شما مضاعف می سازد و شما را می بخشد؛ و خداوند شکرکننده و بردبار است.

امام صادق(علیه السّلام) فرمودند:

1- بقره: 245.
2- تغابن: 17.

«مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّهِ الصَّدَقَهُ بِعَشَرَهٍ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِيَهَ عَشَرَ؛(1) بر درِ بهشت نوشته شده است: صدقه ده برابر ثواب دارد و قرض هجده برابر».

امام صادق(علیه السّلام) فرمودند:

«مَا مِنْ مُؤْمِنٍ أَقْرَضَ مُؤْمِناً یَلْتَمِسُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا حَسَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَهُ بِحِسَابِ الصَّدَقَهِ حَتَّی یَرْجِعَ إِلَیْهِ مَالُهُ؛(2) هیچ مؤمنی نیست که به مؤمنی برای خدا قرض دهد، مگر آن که برای قرض دهنده صدقه محسوب می شود تا مالش به او برگردد».

1- کافی، ج 4، ص 33؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 58 و التهذیب، ج 4، ص 106.
2- کافی، ج4، ص 34.

مقدمه

«قرض الحسنه» از سنّت های اسلامی و دیرینه ای است که قرآن مجید و روایات معصومین(علیهم السّلام) بر آن تأکید دارد.

به پیروی از سفارش ها و تأکیدهای دو منبع مزبور، دین مداران، پیوسته این روش پسندیده را ارج نهاده و در صدد استفاده از برکات دنیوی و ثواب اخروی آن برآمدند و بدین منظور «صندوق های قرض الحسنه» پدید آمد.

گرچه مدت زیادی از عمر صندوق های قرض الحسنه نمی گذرد؛ در همین زمان کم، شاهد برکات آنها برای قشرهای جامعه بوده ایم؛ چرا که در حقیقت، صندوق های قرض الحسنه را می توان «شجره طیّبه»ای دانست که جامعه از دستاوردهای آن به اذن پروردگار بهره مند

می شود. (1)

برخی از ویژگی های صندوق های قرض الحسنه که آنها را از بانک های دولتی و خصوصی جدا ساخته و انگیزه ایجاد آنها به شمار می رود؛ بدین ترتیب است:

الف) جمع آوری سپرده های اهل خیر به منظور قرض دادن به گروه های آسیب پذیر؛

ب) بهره مندی جامعه از وام بدون ربا؛

ج) دستیابی آسان سپرده گذاران به برخی از خدمات بانکی.

تجربه نشان می دهد در هر زمان و مکانی که فرهنگ دینی مردم در اوج خود قرار داشته وام بدون بهره نیز از کمّیّت و کیفیّت بالاتری برخوردار بوده این رابطه مستقیم می تواند به عنوان یکی از شاخص های جامعه اسلامی در طول تاریخ ادامه داشته باشد.

از سوی دیگر، یکی از نگرانی های عصر حاضر این

1- «أَلَمْتر كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ * تُؤْتی أُكُلَها كُلَّ حينٍ بِإِذْنِ رَبِّها وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»؛ آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» [و گفتار پاکیزه] را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرده که ریشه آن [در زمین] ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟ !» (ابراهیم: 24- 25)

است که مبادا به مرور زمان، شاهد اُفت یا افول این سلوک مقبول و این عرف پسندیده دینی و اجتماعی باشیم.

از این رو، بر همه فرهیختگان و دست اندار کاران فرهنگ عمومی لازم است از تقویت هرچه بیشتر فرهنگ «وام بدون بهره» غفلت نورزیده و پیوسته در صدد شاداب و سرسبز نگاه داشتن این سُنّت حسنه و احیای «اقتصاد اسلامی» باشند.

مجموعه حاضر، با همین رویکرد فراهم آمده و برآنیم در آن، احکام «صندوق های قرض الحسنه» را از دیدگاه قرآن، روایات و فتاوای فقها به کنکاش بنشینیم و آن را فرادید خوانندگان محترم قرار دهیم.

در این نوشتار، تلاش شده احکامی که مورد اتفاق یا مورد پذیرش بیشتر فقها می باشد، طرح گردد.

قبل از هرچیز، از پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر تشکر و از درگاه خداوند توفیقات بیشتر را برای مسئولان این مؤسسه فرهنگی آرزو می کنم.

سید جعفر ربانی

زمستان 1395شمسی

در سال 1346 شمسی که مرحوم آیت الله میرزا علی آقا فلسفی،(1) امام جماعت مسجد لرزاده (2) تهران بودند، هر وقت برای اقامه نماز جماعت به مسجد تشریف می بردند، تعدادی از گدایان را در اطراف مسجد مشاهده می کردند.

این منظره ناخوشایند، باعث شد، آن مرحوم، با کمک تعدادی از افراد نمازگزار نیکوکار و بازاری، مشکل این فقرا را به طور کلی با دادن تسهیلات قرض الحسنه حل و آنها را مشغول کار کنند. همین اقدامات اولیه به تشکیل

1- مرحوم آیت الله میرزا علی آقا فلسفی برادر خطیب معروف، مرحوم حجت الاسلام محمد تقی فلسفی است. آیت الله میرزا علی آقای فلسفی پس از اقامت در تهران به مشهد مهاجرت فرمود و در آن جا به تدریس دروس خارج حوزه و اقامه جماعت و سایر خدمات دینی پرداخت.
2- واقع در نزدیکی میدان خراسان.

صندوق قرض الحسنه منجر گردید.

این صندوق قرض الحسنه به نام چهارده معصوم(علیهم السّلام) ، با سرمایه اولیه چهارده هزار تومان آغاز به کار کرد.

به اذعان مرحوم آیت الله فلسفی: اگر نمازگزارانی که برای اقامه به مسجد می آیند، مقدار اندکی از پول خود را به صندوق بسپارند و بعد از چندی پس گیرند، باز هم برکت قرض الحسنه در صندوق باقی خواهد ماند.

از دیگر باورهای مرحوم آیت الله فلسفی در تشکیل صندوق قرض الحسنه مزبور این بود که اگر مشکل یک نفر هم به وسیله این صندوق حل شود، هدف صندوق تأمین شده است.

دیگر کسانی که در تشکیل صندوق قرض الحسنه مزبور دخالت داشتند عبارت بودند از آقایان: سیدتقی خاموشی، حسین عطایی و برخی دیگر از بازاریان و معتمدین محل.

بر این اساس، اولین صندوق قرض الحسنه در ایران با نام «صندوق قرض الحسنه ذخیره جاوید» تاسیس شد و امروز همان صندوق با تابلو نام و زمان تأسیس، در همان محل (مسجد لرزاده) به خدمات دهی به مردم ادامه

می دهد. (1)

1- http://way2pay.ir

ماهیت صندوق های قرض الحسنه

اشاره

برای شناخت ماهیت صندوق قرض الحسنه و تمییز آن از نمونه های مشابه، توجه به چند نکته لازم است:

تعریف و هدف

صندوق قرض الحسنه را می توان این گونه دانست: «از نظام پولی برخاسته از نیت خیرخواهانه مردم با هدف اعطای تسهیلات بدون بهره به منظور رفع نیازمندی های قشرهای جامعه».

جایگاه اداری

از آن جا که صندوق های قرض الحسنه، جوششی ملی است، از گردونه سلسله اداری خارج بوده و دارای جایگاه دولتی نیست. در عین حال، با توجه به اینکه لازم است

همه نهادهای پولی در مجموعه واحد قرار گیرند، «بانک مرکزی» عهده دار اشراف و نظارت بر صندوق ها است.

تفاوت صندوق قرض الحسنه و بانک

تفاوت صندوق قرض الحسنه و بانک از دو جهت است:

الف) هدف: هدف اصلی بانک، اداره امور اقتصادی و پشتیبانی از آن است؛ در حالی که غرض از تشکیل صندوق قرض الحسنه امری خیرخواهانه و کمک رسانی به افراد ضعیف می باشد.

ب) منابع: منابع بانکها در بیشتر موارد (به استثنای بانک های خصوصی) دولت و حمایت های حکومتی است؛ در حالی که منابع صندوق های قرض الحسنه، پول اشخاص حقیقی می باشد.

تفاوت صندوق قرض الحسنه و مؤسسه اعتباری

هدف از تشکیل مؤسسات اعتباری، سرمایه گذاری و «کار اقتصادی» است؛ گرچه درکنار آن، وام نیز پرداخت شود؛ در حالی که صندوق قرض الحسنه مؤسسه ای است خیریه و هدف اصلی آن، «پرداخت وام» به قشرهای جامعه می باشد.

ص: 30

تفاوت صندوق قرض الحسنه و سایر صندوق ها

همه صندوق ها دارای ورودی منابع و خروجی تسهیلات هستند، با این تفاوت که صندوق های قرض الحسنه بخشی از «نهادهای مالی سپرده پذیر» است؛ در حالی که سایر صندوق ها دارای چنین ویژگی نیستند.

توضیح اینکه نهادهای مالی سپرده پذیر؛ نظیر بانک ها، موسسات اعتباری غیربانکی و تعاونی های اعتبار، نسبت به دریافت سپرده از مردم اقدام می کنند؛ ولی سایر صندوق ها از منابع دیگری، به غیر از دریافت سپرده از مردم، جهت اعطای تسهیلات استفاده می کنند. (1)

تفاوت صندوق قرض الحسنه و صندوق خیریه

صندوق قرض الحسنه با رویکرد «قرض»دادن به افراد بنیانگذاری شده؛ در حالی که سمت و سوی صندوق خیریه، «صدقات» و کمک های بلاعوض می باشد.

شخصیت حقوقی غیر تجاری

صندوق های قرض الحسنه دارای شخصیت «حقوقی

1- http://asrebank.ir/news/19250.

غیر تجاری» می باشند. ماده یک آیین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجارتی مصوب سال 1337 در این زمینه مقرر می دارد:

مقصود از تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری مذکور در قانون تجارت(1) ، کلیه تشکیلات و مؤسساتی است که برای مقاصد غیرتجارتی، از قبیل امور علمی و ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می شود؛ اعم از آنکه مؤسسین و تشکیل دهندگان قصد انتفاع داشته، یا نداشته باشند. (2)

بدیهی است تعریف مزبور بر صندوق های قرض الحسنه منطبق می گردد.

1- ماده 584.
2- http://www.vanak.org/page.php?315

آمارصندوق های قرض الحسنه

اشاره

در مورد آمارهای صندوق های قرض الحسنه، شایسته است به چند نکته توجه شود:

تعداد صندوق ها

در زمینه تعداد صندوق های قرض الحسنه در گذشته و حال، آمارهای متعددی گزارش شده که در برخی از آنها آمده است:

طبق بررسی های انجام شده توسط مرکز پژوهش های مجلس، در سال 1359 در جمهوری اسلامی ایران، 640 صندوق قرض الحسنه در نقاط مختلف کشور وجود داشته که 141 صندوق آن در تهران، 134 صندوق در اصفهان و 365 صندوق در سایر مناطق کشور مستقر

بوده اند. (1)

بر اساس گزارشی دیگر :

مرکز آمار ایران، برای اولین بار در سال 1374 و سپس در سالهای 1376 و 1382 و آخرین بار در سال 1384 به منظور جمع آوری اطلاعات صندوق های قرض الحسنه طرحی را اجرا کرد.

نتایج اجرای طرح سال 1382 نشان می دهد که در سال 1376، 1226صندوق قرض الحسنه در سطح کشور در زمینه ارائه خدمات، فعالیت داشته که استان های اصفهان، تهران و مازندران به ترتیب با 30 و 15 و 14درصد بیشترین سهم را از لحاظ تعداد صندوق قرض الحسنه به خود اختصاص داده اند. (2)

میزان سپرده ها و تسهیلات

براساس آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران در سال 1379، از 1229 صندوق قرض الحسنه فعال در سطح کشور، ارزش سپرده های آنها 2هزار و 110میلیارد ریال و وام اعطایی آن ها معادل

1- http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/09/14/934324
2- http://bankemardom.ir/1394/09/14/9841

یک هزار و 573 میلیارد ریال برآورد شده است .(1)

بر اساس گزارشی دیگر : از مجموع 2112 میلیارد ریال سپرده، نزدیک به 1573 میلیارد ریال (74 درصد) به صورت وام به مشتریان صندوق اعطا شده است.

براساس بررسی مبتنی بر طرح مذکور، از مجموع کل وام اعطایی، نزدیک به 653 میلیارد ریال (60.6 درصد) مستهلک شده است. به این ترتیب، استان تهران با نزدیک به 573 میلیارد ریال (27 درصد) بیشترین مبلغ سپرده را به خود اختصاص داده و بعد از آن، استان های اصفهان با 571 میلیارد ریال، مازندران 314 میلیارد ریال، خراسان 157 میلیارد ریال و آذربایجان شرقی با112 میلیارد ریال. درحالی که از لحاظ وام اعطایی، استان اصفهان با 522 میلیارد ریال در ردیف اول قرار داشت و بعد از آن، استان تهران با 376 میلیارد ریال، استان خراسان با 167 میلیارد و استان مازندران با 162 میلیارد ریال قرار می گرفتند.

از لحاظ تشکیل سرمایه ثابت 6 میلیارد و 427 میلیون ریال در صندوق های قرض الحسنه سرمایه ثابت تشکیل شده که از این میان، بخش ساختمان با 3 میلیارد و 821 میلیون ریال به تنهایی بالغ بر 40.6 درصد

1- http://donya-e-eqtesad.com/news/504744

ارزش سرمایه ثابت را به خود اختصاص داده است.

برآوردهای گروه تحقیق نشان می دهد که میزان نقدینگی در اختیار صندوق های قرض الحسنه کمتر از 5 درصد کل حجم نقدینگی است.

همان گونه که در نمودار زیر مشاهده می شود، استان های اصفهان، خراسان، تهران، مازندران و کرمان بیشترین صندوق های قرض الحسنه کشور را در خود جای داده اند؛ به نحوی که از 4357 صندوق قرض الحسنه در کل کشور، 2863 صندوق، یعنی بیش از 62 درصد صندوق های قرض الحسنه در این 5 استان واقع شده است. این، درحالی است که استان اصفهان که مقام اول را از نظر تعداد صندوق های قرض الحسنه به خود اختصاص داده است معادل 18 استان دیگر کشور دارای صندوق قرض الحسنه است که از تمرکز این مؤسسات در این استان حکایت دارد.

ص: 36

نمو دار فراوانی صندوق های قرض الحسنه به تفکیک ده استان اول وسایر استان ها (18 استان دیگر) تصویر

ص: 37

دولت و صندوق های قرض الحسنه

اشاره

دو نکته در زمینه دولت و صندوق های قرض الحسنه می تواند مورد بررسی قرار گیرد: «حمایت» و «نظارت»:

حمایت

صندوق های قرض الحسنه می توانند بازوان دولت در کمک رسانی به قشرهای مختلف جامعه محسوب شده، دولتمردان را در این زمینه یاری کنند.

به گزارش روابط عمومی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی این مرکز با بیان این مطلب که وجود مؤسسات تامین مالی خرد، برای تامین نیازهای اعتباری خرد و ضروری قشرهای واقع در دهک های پایینی و میانی درآمدی بسیار لازم و ضروری

ص: 38

است؛ و در کشورهای پیشرفته دنیا این مؤسسات، خصوصا در چارچوب و ساختار تعاون به ارائه خدمات اعتباری خرد به قشرهای نیازمند جامعه می پردازند؛ افزود:

توسعه این مؤسسات و حمایت از آنها می تواند به افزایش رفاه اقتصادی و کاهش شکاف طبقاتی کمک شایانی کند. از این رو، حذف این مؤسسات با این دلیل که ممکن است محملی برای تخلفات و جرائم اقتصادی، مانند رباخواری، تحصیل مال نامشروع و یا پول شویی شود، نمی تواند مورد قبول باشد، بلکه باید با نظارت و هدایت، مسیر درست و سالم فعالیت اعتباری را فراروی آنها قرار داد .(1)

دولت می تواند با واریز یارانه به صندوق قرض الحسنه روستاها که زیر نظر روحانی مستقر یا شورا فعالیت می کند، سرمایه اولیه صندوق ها را ایجاد کند.

نظارت

دولت در قبال شئون مختلف جامعه مسئولیت های خطیری بر عهده دارد که بی شک یکی از آنها ایجاد «امنیت اقتصادی» است.

1- http://rc.majlis.ir/fa/news/show/949989.

نظارت دولت بر مجموعه های پولی می تواند شامل دو گونه «محسوس» و «نامحسوس» باشد.

امام علی(علیه السّلام) در فرازی از عهد نامه خود به مالک اشتر، چنین مرقوم می دارند:

سپس به جزئیات کارهای عُمّال خود رسیدگی کن. بازرسان مخفی، راستگو و وفادار، بر آنها بگمار که بازرسی محرمانه آنها را به امانت و درستی و ارفاق با رعیت وادار میکند، و از [شر] دستیاران مصون می دارد، و چنانچه [با همه این پیشگیری ها] بازرسان به اتفاق گزارش دادند که مدیری دست به خیانت گشوده، بدون احتیاج به هیچ گواه دیگر، باید او را عقوبت بدنی نموده، آن چه را اختلاس کرده و به ناحق ربوده از او بازستانی؛ ذلیل و خوارش گردانی؛ داغ خیانت بر پیشانیش نهی، و طوق ننگ بر گردنش آویزی. (1)

1- «ثُمَّ تَفَقَّدْ أَعْمَالَهُمْ وَ ابْعَثِ الْعُيُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَ الْوَفَاءِ فَإِنَّ تَعَهُّدَکَ فِی السِّرِّ أُمُورَهُمْ حَدْوَهٌ لَهُمْ عَلَی اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَهِ وَ الرِّفْقِ بِالرَّعِيَّهِ وَ تَحَفَّظْ مِنَ الْأَعْوَانِ فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَی خِيَانَهٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا أَخْبَارُ عُيُونِکَ اکْتَفَيْتَ بِذَلِکَ شَاهِداً فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَهَ فِي بَدَنِهِ وَ أَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّهِ فَوَسَمْتَهُ بِالْخِيَانَهِ وَ قَلَّدْتَهُ عَارَ التُّهَمَه» (تحف العقول، ص 137).

در این عبارت، امام علی(علیه السّلام) لزوم گماشتن جاسوس ها و عیون مورد اطمینان را سفارش می نمایند تا مخفیانه بر کار مدیران نظارت داشته، حرکات آنان را به حاکم گزارش دهند. آنگاه حضرتش تأکید می کنند در صورت گزارش خیانت، حاکم اسلامی باید مدیر متخلف را بر کنار کند و او را شدیدا مورد عقوبت قرار دهد.

بر این اساس، نظارت دولت، تنها در مورد صدور مجوز نیست، بلکه رصد دائمی ادامه کار او نیز لازم است تا سود جویان نتوانند از نیت خیرخواهانه مردم سوءاستفاده کنند.

شبکه یکپارچه

دغدغه ای که مدیران بانک مرکزی در مواجهه با صندوق های قرض الحسنه دارند؛ فراوانی و پراکندگی آنها و نیز ظرفیت های محدود نیروی انسانی است که این امر، مانعی برای شروع جدی ساماندهی این مؤسسات است.

آنچه تحت عنوان سامانه های هوشمند نظارتی در سالهای اخیر در بانک مرکزی مطرح شده است، می تواند ضمن اتصال کلیه صندوق های قرض الحسنه به یک

شبکه متمرکز بانکی و ثبت لحظه ای کلیه تراکنش ها، امکان نظارت و مانیتورینگ برخط فعالیت صندوق ها را برای بانک مرکزی فراهم آورد و استفاده از ابزار هوش تجاری؛ همه علائم هشدار در فعالیت های توأم با ریسک و حتی معاملات مشکوک در حوزه مبارزه با پول شویی را رصد کند.

لذا با توجه به اهمیت مسئله و سابقه عملیاتی این قبیل طرح ها، ضرورت دارد بانک مرکزی راه اندازی سامانه ای هوشمند را در دستور کار فوری خود قرار دهد تا نظام پولی و اعتباری کشور با نظم و ثبات مطلوب و رو به رشد به پیش رود .(1)

ص: 42

-1 http://www.khabaronline.ir/detail/485024/Economy/macroeconomics

اهمیت قرض الحسنه

اشاره

«قرض الحسنه» برکات اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و معنوی فراوان دارد که شامل وام بدون بهره بانک ها و قرض های فردی می گردد. اهم این فواید که دستاوردهای دنیوی و اخروی تلقی می گردند؛ عبارتند از:

وام به خداوند

قرض الحسنه قبل از اینکه وام به مردم تلقی شود، «قرض به خداوند» محسوب می گردد؛ زیرا قرآن می فرماید: «مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً ...»[1]. بر این اساس، وام گیرنده در مرحله اول، خداوند محسوب شده و جایی برای نگرانی وام دهندگان باقی نمی گذارد؛ زیرا خداوند به

ص: 43

1- بقره: 245.

عهد خود وفا می کند.

پاداش اخروی

ثواب بسیار زیادی که در منابع دینی برای قرض الحسنه ذکر شده، می تواند یکی از انگیزه های قوی برای این امر خیر باشد. پیمودن درجات تقرب الی الله و جمع آوری حسنات (که برای وام دهنده عنوان شده) برای کسی که در صدد تهیه زاد و توشه آخرت باشد، امتیاز اندکی نیست.

کسب اخلاق الاهی

علمای اخلاق اذعان می دارند دور کردن رذایل اخلاقی به وسیله «تمرین» و عمل میسّر می گردد و به طور یقین، قرض الحسنه می تواند وسیله مناسبی برای کسی باشد که مایل است از صفت «بخل» رهایی یابد و به صفت ارزشمند «سخاوت» متصف گردد.

ملکات فاضله ای که با قرض دادن تأمین می گردد، عبارت است از:

الف) دور کردن حرص بر مال دنیا؛

ب) ایجاد روح نوع دوستی؛

سعدی می گوید:

تو کز محنت دیگران بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

ج) پیدایش ملکه «مواسات»[(1)] و «سخاوت» و بهره مند ساختن دیگران از نعمت هایی که خداوند در اختیار انسان قرار داده است؛

د) سهیم شدن در موفقیت دیگران؛

ه-) اجتناب از حسد و خودمحوری؛

بدیهی است دستاورد قرض الحسنه به موارد مذکور خلاصه نمی شود، اما غرض آن است که این اقدام ارزشمند دستاوردهای متعددی برای صاحبش خواهد داشت.

برآورده ساختن نیاز مؤمن

از شاخص ترین آثار دنیوی قرض الحسنه، رفع نیاز افراد محتاج می باشد و این نکته، مورد تأکید عقل و شرع است.

چه بسا نیازمندانی که با دریافت وام بدون بهره،

1- درِ صلوات شعبانیه می خوانیم: «وَ ارزُقنی مُواساةَ مَن قَتّرتَ َ عَلَیه مِن رِزقِکَ بِما وَسّعتَ عَلیّ مِن فَضلِک. پروردگارا! به وسیله نعمت هایی که از فضلت عنایت فرموده ای، مرا توفیق همدردی با فقرا عنایت کن!» (اقبال الاعمال، ص 233).

مشکل آنان بر طرف شده، زندگی شان به حالت عادی بر می گردد.

امام صادق(علیه السّلام) فرمودند:

لَقَضَاءُ حَاجَهِ امْرِئٍ مُؤْمِنٍ أَحَبُّ إِلَی اللَّهِ مِنْ عِشْرِینَ حَجَّهً کُلُّ حَجَّهٍ یُنْفِقُ فِیهَا صَاحِبُهَا مِائَهَ أَلْفٍ؛(1) برآوردن نیاز مؤمن نزد خداوند محبوبتر است از بیست حج که در هر یک صد هزار انفاق شود.

خوشحال کردن مؤمن

قرض الحسنه یکی از مصادیق بارز «خوشحال کردن» مؤمن خواهد بود. روایت نقل شده از امام صادق(علیه السّلام)

«إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ»؛ بر قرض الحسنه منطبق گردیده است.(2)

پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم) فرمودند:

مَنْ سَرَّ مُؤْمِناً فَقَدْ سَرَّنِی وَ مَنْ سَرَّنِی فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ؛ (3)کسی که مؤمنی را خوشحال کند مرا خوشحال نموده و شخصی که مرا خوشنود نماید، خدا را خوشنود کرده است.

1- کافی، ج 2، ص 193.
2- همان، ج 4، ص 34.
3- همان، ج2، ص 189.

توجه به اندوه دیگران

بیشتر افرادی که تقاضای وام می کنند، در صدد رفع مشکلی هستند و اضطرابی در دل دارند. نقش وام دهنده این است که متقاضی وام و خود را عضوی از یک پیکره حساب نموده و با یاری کردن شخص گرفتار، او را از اضطراب برهاند. پیام این مطلب همان «همیاری» است که لازم است این صفت نیکو به فرهنگ عمومی تبدیل گردد.

فواید دنیوی قرض الحسنه

به کار گرفتن سرمایه

در چرخه اقتصادی جامعه، سرمایه های اندوخته شده ای را شاهد هستیم و در کنار آن، نیازمندانی را که احتیاج مبرم، آنان را به اضطرار کشانده است. عدالت اجتماعی اقتضا می کند فرهنگ «وام بدون بهره» از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی رایج گردد تا سرمایه های مزبور در چرخه اقتصاد قرار گرفته نیاز محتاجان نیز مرتفع شود.

باز گشت سرمایه

از امتیازات «قرض الحسنه» بر «صدقه» آن است که در قرض الحسنه، ضمن رفع مشکل وام گیرنده، سرمایه به

مالک بر می گردد. در حقیقت، قرض الحسنه حد وسطی بین صدقه و ربا است؛ به این بیان که در صدقه، مال به حسب ظاهر از دست صدقه دهنده می رود (1) و در ربا به عکس است؛ یعنی قرض دهنده علاوه بر مالی که قرض داده اضافه دریافت کند؛ اما در قرض الحسنه، سرمایه به مالک بر می گردد، بدون اینکه چیزی اضافه در یافت نماید.

قرآن مجید، به این مطلب اشاره کرده است :

«فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ» (2)؛ اگر دست از ربا بر نمی دارید، خدا و رسولش با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید سرمایه های شما از آنِ شماست؛ نه ستم می کنید، و نه بر شما ستم وارد می شود.

اجتناب از گدا پروری

تن پروری و راحت طلبی خصیصه برخی از صدقه بگیران می شود و آنان را به صورت افراد «عاطل و باطل»

1- گرچه در نزد خداوند باقی است.
2- بقره: 279.

درآورده که نفعی به حال جامعه ندارند؛ این حالت، بدان علت است که آنان بدون هیچ تلاشی وجهی را دریافت می کنند، بدون الزام با بازپرداخت؛ ولی این ویژگی در قرض الحسنه وجود ندارد؛ زیرا وام گیرنده خود را ناچار از تلاش می بیند امانتی را که دریافت کرده است، باز پس دهد.

فقها نیز با جمله «الإقراض أفضل من الصدقه»(1) برتری قرض بر صدقه را بیان فرموده اند. در روایات نیز به این خصیصه توجه شده که در جای خود به آن اشاره می شود.

انزوای فرهنگ ربا خواری

رباخواران با رباخواری، دست به اموال مردم زده، «زالو صفتانه» ثروت جامعه را غارت می کنند. قرآن مجید به حقیقت ذکر شده اشاره کرده تعبیر «أَضْعافاً مُضاعَفَةً» (چندین و چند برابر) را در این زمینه به کار برده است.

خدای متعال در این باره می فرماید:

1- منهاج الصالحین، ج 2، ص 169: «قرض از صدقه بهتر است». فقها اذعان بدین مطلب اذعان دارند؛ چرا که برگرفته شده از روایات معصومین(علیهم السّلام) است.

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا أَضْعافاً مُضاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»؛(1) ای کسانی که ایمان آورده اید! ربا را چند برابر نخورید و تقوای الاهی را پیشه کنید، تا رستگار شوید.

یکی از راه های رهایی جامعه از این معضل بزرگ و انزوای فرهنگ ربا خواری، احیای سنّت قرض الحسنه خواهد بود.

تعامل مثبت اجتماعی و اقتصادی

قرض الحسنه، نوعی تعامل مثبت اقتصادی و اجتماعی است که گامی به سوی تشکیل «امت واحده» است؛ بدون این که در تعاون مزبور، اجباری وجود داشته باشد.

تعبیر قرآن جالب توجه است که در بیش تر (2)موارد، تشویق به وام دادن را به صورت «پیشنهاد اجتماعی» ادا کرده است.

در فرهنگ و ادب فارسی نیز این صفت پسندیده

1- آل عمران: 130.
2- بقره: 245و حدید: 11؛ به استثنای سوره مزمل، آیه 20 که می فرماید: «وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً».

در پهنای همدردی و عضویت در یک پیکره مورد تأیید است:

بنی آدم اعضای یک پیکرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار (1)

1- سعدی.

قرآن و قرض الحسنه

اشاره

قرآن مجید به طور مستقیم به قرض الحسنه دستور داده؛ همگان را به این امر خیر برانگیخته است. در سه مورد، آیه مستقل در این زمینه نازل شده است:

آیه اول:«مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً کَثیرَهً وَ اللَّهُ یَقْبِضُ وَ یَبْصُطُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ»؛(1) کیست که به خدا قرض الحسنه دهد تا آن را برای او چندین برابر نماید و خداوند است [که روزی بندگان را] محدود یا گسترده می سازد و به سوی او باز می گردید [و پاداش خود را خواهید

ص: 52

1- بقره: 245.

گرفت].

آیه دوم :

«مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ کَریمٌ»؛ (1)کیست که به خدا وام نیکو دهد تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند و برای او پاداش پرارزشی است.

آیه سوم:

«إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً یُضاعِفْهُ لَکُمْ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ وَ اللَّهُ شَکُورٌ حَلیمٌ»؛ (2) اگر به خدا قرض الحسنه دهید، آن را برای شما مضاعف می سازد و شما را می بخشد؛ و خداوند شکرکننده و بردبار است.

نیز در دو آیه، ضمن دستورات دیگر، فرهنگ قرض الحسنه را تشویق کرده است:

آیه اول:

«إِنَّ الْمُصَّدِّقینَ وَ الْمُصَّدِّقاتِ وَ أَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً یُضاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ کَریمٌ»؛ (3) مردان

1- حدید: 11.
2- تغابن: 17.
3- حدید: 18.

و زنان انفاق کننده و آنها که به خدا قرض الحسنه دهند، برای آنان مضاعف می شود و پاداش پرارزشی دارند.

آیه دوم:

«...وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً وَ ما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْراً وَ أَعْظَمَ أَجْراً وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحيمٌ»؛(1) و به خدا قرض الحسنه دهید و [بدانید] آنچه را از کارهای نیک برای خود از پیش می فرستید نزد خدا به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت و از خدا آمرزش بطلبید که خداوند آمرزنده و مهربان است.

از مجموع آیات ذکر شده نکاتی استفاده می گردد؛ گرچه سخن ما بیشترین بر محور سه آیه اول خواهد بود که به قرض الحسنه دستور مستقل داده و مخاطب مستقیم در آن، مسلمانان می باشند. این نکات عبارتند از:

تقاضای وام از سوی خداوند

در متون دینی به این نکته اشاره شده که در

1- مزمل : 20.

قرض الحسنه، وام گیرنده «خداوند متعال» است. تحلیل این نکته آن است که عبودیت و بندگی پروردگار اقتضا می کند که برده و آنچه در اختیار اوست، ملک مولایش باشد؛ پس تمام دارایی و ثروت انسان، از آنِ خدای بزرگ است؛ ولی با تمام این ها خداوند از انسان تقاضای وام می کند:

«مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً» (1)

این ادبیات، حامل سه پیام است:

الف) عظمت قرض الحسنه به گونه ای است که خداوند بدان اصرار ورزیده، با لحن محبت آمیز از آن سخن می گوید؛ به گونه ای که خداوند -نعوذ بالله- خود را محتاج قرض تلقی می کند.

ب) احسان به مردم، عین خدمت به پروردگار می باشد؛ چرا که خداوند، قرض به مخلوق را قرض به خالق محسوب کرده است.

ج) خداوند نحوهای ملکیت برای دارایی انسان در نظر گرفته؛ سپس از او تقاضای وام می کند (در حالی که بنده و اموالش همه از آن خداست)؛ و گرنه با قطع نظر از این

1- بقره : 245.

جهت، تمنای قرض معنی ندارد؛ زیرا این به معنای وام گرفتن شخص از خودش می باشد.

استمرار

آیات مذکور، از فعل مضارع استفاده کرده اند: «یقرض الله» و براساس قواعد زبان عربی فعل مضارع بر «استمرار» دلالت می کند؛ لذا در مصداق مورد بحث، بدان معناست که لازم است «قرض دادن» در زندگی مؤمنین به عنوان نوعی «جریان» ادامه داشته و پیوسته روش و سیره آنان، پرداخت وام به دیگران باشد؛ نه اینکه به یک یا چند بار قرض دادن بسنده کنند و این البته مستلزم آن است که در زمینه قرض الحسنه «فرهنگ سازی» لازم صورت گیرد تا دوام و استمرار این عمل نیکو محقق شود.

رقابت

آیات ذکر شده، به نوعی فضای «رقابتی» را تداعی می کند؛ زیرا می فرماید:

«مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً»؛ چه کسی حاضر است به خداوند قرض دهد؟»

ارتکاز ذهنی در مورد این گونه سخن گفتن آن است

که خداوند درصدد قرار دادن آدمها در یک فضای رقابتی است تا در این فضا افراد در این امر خیر از رقیب خود جلو بزنند.

قرض خوب

از آیات مذکور استفاده می شود که قرض به دو شکل «خوب» و «بد» تقسیم می شود؛ زیرا خداوند می فرماید «قَرْضاً حَسَناً ». قَرْضاً موصوف و حَسَناً صفت آن است و می دانیم در بیشتر موارد، ذکر صفت برای احتراز و دوری جستن از ضد آن می باشد.

اما اینکه چه قرضی خوب است و چه قرضی بد؛ در بحث احکام قرض و سایر مباحث بدان خواهیم پرداخت. اجمالا به همین مقدار بسنده می کنیم که قرض «حَسَن» آن است که مطابق شریعت اسلام، از هرگونه اذیّت، امتیاز خواهی و مخالفت دستورات دین مقدس اسلام به دور باشد؛ و قرض غیر حسن، از چنین اوصافی تهی است.

تشویقات

در آیات ذکر شده از عوامل «تشویقی» در مسیر تحریک به قرض الحسنه استفاده شده است که شاید سبب این تشویقات، دشواری قرض الحسنه باشد؛ به خصوص در

فضایی که ربا خواری در آن رواج دارد.

برخی از نکات تشویقی که از آیه استفاده می شود، به این ترتیب است:

مُشوّق اول، وام به خدا: خداوند خود دریافت کننده قرض الحسنه می باشد:

«مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً».

جای تأمل و دقت در این آیه بسیار است؛ زیرا همان طور که عظمت خدا بیپایان است، وام دادن به او هم از عظمت بیانتها برخوردار خواهد بود. (1)

مُشوّق دوم، پاداش: بندگی کامل، زمانی تحقق می یابد که بندگی، به خاطر «دوست داشتن خداوند» باشد، نه طمع به بهشت یا ترس از عذاب؛ (2)لکن بیش تر

1- اهل تفسیر و ادبیات اذعان می دارند که مضاف از مضاف الیه کسب تعظیم و تحقیر می کند؛ مانند بیت الله، شهر الله، بیت الشیطان و عبد الشیطان.
2- امام صادق(علیه السّلام) فرمودند: «إِنَّ الْعُبَّادَ ثَلَاثَهٌ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَوْفاً فَتِلْکَ عِبَادَهُ الْعَبِیدِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی طَلَبَ الثَّوَابِ فَتِلْکَ عِبَادَهُ الْأُجَرَاءِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حُبّاً لَهُ فَتِلْکَ عِبَادَهُ الْأَحْرَارِ وَ هِیَ أَفْضَلُ الْعِبَادَه؛ مردم به سه دسته تقسیم می شوند: برخی خدای متعال را از ترس عبادت می کنند؛ این نحوه عبادت، برده گونه است و بعضی دیگر برای طمع در ثواب او را پرستش می کنند؛ این گونه عبادت، اجیر گونه است و برخی دیگر به خاطر دوست داشتن خداوند او را عبادت می نمایند؛ این عبادت آزادگان و بهترین نوع پرستش می باشد» (کافی، ج 2، ص 84).

مردم خدا را به علت «ترس از دوزخ» یا «طمع در ثواب» اطاعت می نمایند که البته مذموم نیست. از این رو، وعده پاداش، عامل مهمی در اجرای وظایف به شمار می رود؛ به خصوص با توجه به اینکه وعده احسان خداوند تخلف نا پذیر است. (1)

براساس آیات مذکور، خداوند، بلافاصله پس از جمله «مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً»؛ می فرماید:

«فَیُضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً کَثیرَهً».(2)

براساس این آیات، پاداش هایی چند برابر در انتظار قرض دهندگان است و این، نوعی ابزار تشویقی است.

در آیه انفاق، روش پاداش دادن را چنین معرفی می کند:

«مَثَلُ الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ فی کُلِ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ وَ اللَّهُ یُضاعِفُ لِمَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلیمٌ»؛(3) [عمل] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری است که هفت خوشه برویاند؛ که در

1- «إِنَ اللَّهَ لا یُخْلِفُ الْمیعادَ» (آل عمران: 9 و رعد: 31).
2- او را بسیار پاداش دهد.
3- بقره : 261.

هر خوشه، یکصد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد [و شایستگی داشته باشد]، دو یا چند برابر می کند و خدا [از نظر قدرت و رحمت] وسیع و [به همه چیز] داناست. (1)

مُشوّق سوم، بازگشت به خدا: قرآن مجید در مُشوّق سوم از روز واپسین سخن به میان آورده، و امور اخروی و بازگشت به سوی خداوند را مطرح فرموده است: «وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» شاید جمله مزبور، کنایه از پاداش فوق العاده ای باشد که در این دنیا قابل وصف نیست و ارزش آن، فقط با حضور در صحنه محشر معلوم خواهد گردید.

مُشوّق چهارم، مغفرت و تشکر خداوند: در سوره تغابن، علاوه بر وعده چند برابر شدن اموال، «مغفرت» و تشکر خداوند مطرح شده است. براین اساس، آشکار می شود که قرض الحسنه، یکی از اسباب مغفرت بخشش

1- ممکن است اشکال شود که خداوند در سوره انعام بیان داشته پاداش کار خیر را «ده» برابر می دهد: «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلا يُجْزى إِلاَّ مِثْلَها وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ»؛ پس چگونه است که در سوره بقره جزای کار خیر را «هفتصد برابر» قرار داده است؟ پاسخ این است که آن چه را خداوند در سوره انعام مشخص فرموده به عنوان «حد اقل» می باشد؛ و گرنه در سوره بقره می فرماید: احتمال افزایش از هفتصد برابر، برای هرکس که خدا بخواهد نیز وجود دارد: «وَ اللَّهُ يُضاعِفُ لِمَنْ يَشاءُ».

خداوند، خواهد بود. از سوی دیگر قرآن مجید نه تنها اقدام به اسباب مغفرت پروردگار را لازم می شمارد؛ بلکه «سرعت» ورزیدن در این زمینه را در اولویت قرار می دهد:

«وَ سارِعُوا إِلی مَغْفِرَهٍ مِنْ رَبِّکُمْ وَ جَنَّهٍ عَرْضُهَا السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقین»؛ (1) و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن، آسمان ها و زمین است. این بهشت برای پرهیزگاران آماده شده است.

بر این اساس، قرآن کریم، نسبت به سرعت در مغفرت الاهی و به عنوان یکی از مصادیق مغفرت، یعنی قرض الحسنه اهتمام ویژه مبذول و مؤمنان را بدان سفارش کرده است.

1- آل عمران : 133.

روایات معصومین(علیهم السّلام) در باب قرض، بسیار جالب توجه است. مرحوم کلینی[1] بابی را تحت عنوان «بابُ الْقَرْض» منعقد و احادیثی را در این زمینه نقل کرده است که به برخی از آنها اشاره می نماییم:

روایت اول، پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم) فرمودند:

مَنْ أَقْرَضَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ کَانَ لَهُ بِکُلِّ دِرْهَمٍ أَقْرَضَهُ وَزْنَ جَبَلِ أُحُدٍ مِنْ جِبَالِ رَضْوَی وَ طُورِ سَیْنَاءَ حَسَنَاتٌ؛ کسی که به برادر مسلمان خود قرض دهد، در مقابل هر دِرهمی که به وی قرض داده به اندازه دو کوه

1- محمد بن یعقوب، متوفای 329 ه-، ق. مؤلف کتاب حدیثی کافی.

«رَضْوَی» (1) و «سَیْنَاءَ »(2)حسنات و ثواب خواهد داشت؛ وَ إِنْ رَفَقَ بِهِ فِی طَلَبِهِ تَعَدَّی بِهِ عَلَی الصِّرَاطِ کَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ اللَّامِعِ بِغَیْرِ حِسَابٍ وَ لَا عَذَابٍ؛ و چنانچه قرض دهنده با بدهکار مدارا کند، بدون حساب و عذاب، مانند برقی درخشان از پُلِ صراط عبور خواهد کرد؛ وَ مَنْ شَکَا إِلَیْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فَلَمْ یُقْرِضْهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَیْهِ الْجَنَّةَ یَوْمَ یَجْزِی الْمُحْسِنِینَ؛ (3) و کسی که برادر مسلمانش نزد وی شکایت [=تقاضای قرض]

1- «رَضْوی» کوهی است در هفت منزلی مدینه. از این کوه در روایات سخن به میان آمده و از آنجا به عنوان جایگاه ارواح مؤمنان در عالم برزخ یاد شده است. در برخی دیگر از روایات، به عنوان محل زندگی حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران غیبت نام برده است. شیخ طوسی با ذکر سند از عبدالاعلی نقل کرده است: با امام صادق(علیه السّلام) خارج شدم تا اینکه به «روحا» رسیدیم. آن حضرت به آن کوه نگاه کرد و فرمود: «این کوه را که می بینی که «رضوی» نامیده می شود. از کوه های فارِس است که چون ما را دوست می داشت، خداوند آن را به ما منتقل کرد و در آن هرگونه درخت غذا و نعمت وجود دارد. همانا برای صاحب الامر در آن دو غیبت است که یکی کوتاه و دیگری طولانی» (غیبت شیخ طوسی، ص 163). در عباراتی از دعای ندبه نیز چنین می خوانیم: «ای کاش می دانستم در کجا استقرار داری و در کدام سرزمین تو را بجویم، آیا در کوه رضوی هستی، یا غیر آن؟ !»
2- کوهی در شبه جزیره «سیناء» که محل تلقی وحی حضرت موسی(علیه السّلام) بوده و قرآن نیز بدان اشاره کرده است: «وَ شَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَیْناءَ تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ وَ صِبْغٍ لِلْآکِلِینَ» (مؤمنون: 20).
3- ثواب الاعمال، ص 288 و وسائل الشیعه، ج 18، ص 331.

نماید؛ ولی به او قرض ندهد، خداوند بهشت را بر وی حرام خواهد کرد، در روزی که به نیکوکاران جزا می دهد.

روایت دوم، امام صادق(علیه السّلام) در تفسیر این آیه قرآن: «لا خَیْرَ فِی کَثِیرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إِلّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَهٍ أَوْ مَعْرُوفٍ»؛ (1) فرمودند:

«مقصود از «معروف»، قرض می باشد.» (2)

روایت سوم، امام صادق(علیه السّلام) فرمودند:

مَکْتُوبٌ عَلَی بَابِ الْجَنَّهِ الصَّدَقَهُ بِعَشَرَهٍ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِیَهَ عَشَرَ؛ (3) بر درِ بهشت نوشته شده صدقه ده برابر ثواب دارد و قرض هجده برابر.

ص: 64

1- نساء: 114: «لا خَیْرَ فی کَثیرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إِلاَّ مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَهٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلاحٍ بَیْنَ النَّاسِ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتیهِ أَجْراً عَظیماً»؛ در بسیاری از سخنانِ درگوشی [و جلسات محرمانه] آنها، خیر و سودی نیست؛ مگر کسی که [به این وسیله] به کمک به دیگران، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم امر کند؛ و هر کس برای خشنودی پروردگار چنین کند، پاداش بزرگی به او خواهیم داد.
2- کافی، ج 4، ص 34؛ من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 188 و وسائل الشیعه، ج 9، ص 459.
3- کافی، ج 4، ص 33؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 58؛ التهذیب، ج 4، ص 106 و وسائل الشیعه، ج 9، ص 247.

روایت چهارم، امام صادق(علیه السّلام) فرمودند:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ أَقْرَضَ مُؤْمِناً يَلْتَمِسُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا حَسَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَهُ بِحِسَابِ الصَّدَقَةِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْهِ مَالُهُ؛(1) هیچ مؤمنی نیست که به مؤمنی برای خدا قرض دهد، مگر آن که برای قرض دهنده صدقه محسوب می شود تا مالش به او برگردد.

روایت پنجم، عُقْبَةَ بْنِ خالِد می گوید:

من و مُعَلَّی و عُثْمانُ بْنُ عِمْران خدمت امام صادق(علیه السّلام) رسیدیم؛ پس از خوش آمدگویی و سخنان متعارف، عُثْمانُ بْنُ عِمْران به امام(علیه السّلام) عرض کرد: مردی نزد من می آید و در خواست کمک می کند و آن زمان، موقع پرداخت زکات من نیست [آیا می توانم مالی را به عنوان زکات به او بپردازم]؟ امام صادق(علیه السّلام) فرمودند: الْقَرْضُ عِنْدَنَا بِثَمَانِيَةَ عَشَرَ وَ الصَّدَقَةُ بِعَشَرَةٍ. [به او قرض بده] چرا که قرض در نزد ما هجده برابر و صدقه ده برابر محسوب می گردد، و قتی که زمان زکات رسید، آن را زکات حساب کن. ای عثمان! او را رد نکن؛ زیرا رد کردن وی نزد خدا امر بزرگی است. ای

ص: 65

1- کافی، ج4، ص 34 و وسائلالشیعه، ج 16، ص 318.

عثمان ! اگر جایگاه مؤمن را نزد خداوند بدانی در رفع نیاز او سهل انگاری نخواهی کرد و کسی که دیگری را خوشحال کند، پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم) را خوشحال کرده است و بر آوردن حاجت مؤمن، جذام، جنون و برص را از بین می برد. (1)

روایت ششم، امام صادق(علیه السّلام) فرمودند:

قَرْضُ الْمُؤْمِنِ غَنِيمَهٌ وَ تَعْجِيلُ خَيْرٍ إِنْ أَيْسَرَ أَدَّاهُ وَ إِنْ مَاتَ احْتُسِبَ مِنَ الزَّكَاهِ؛(2) قرض دادن فرصت و خیر شتابان است. چنانچه وام گیرنده توانایی داشت، می پردازد و اگر بمیرد، برای وام دهنده زکات محسوب می گردد.

1- کافی، ج4، ص 34 و وسائل الشیعه، ج 9، ص 300.
2- کافی، ج 4، ص 34؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 58 و وسائل الشیعه، ج 9، ص 300.

صندوق های قرض الحسنه در کلام بزرگان

اشاره

سخنان بزرگان، در زمینه صندوق های قرض الحسنه، مشوّق، راهگشا و ابهام زدا خواهد بود. به برخی از آنها اشاره می کنیم:

امام خمینی

امام خمینی در پاسخ به نامه مسئولان صندوق های قرض الحسنه می نویسند:

باید سعی کرد که این سنّت حسنه در بین مسلمانان جایگاه اصلی خود را پیدا کند؛ و تمام تلاش را نمود تا «قرض الحسنه» به عنوان یکی از ستون های اقتصاد اسلامی، حتی در خانواده ها، به صورت کامل جریان یابد. امیدوارم نظام جمهوری اسلامی و تمامی

صندوق ها، تعاونی ها و سازمان ها، و مؤسساتی که در این امر مبارک زحمت می کشند، موفقیت بیشتری کسب نمایند. من به تمام مسئولان و آنهایی که به اسلام خدمت می کنند؛ دعا می نمایم. (1)

نیز در موردی دیگر می فرمایند:

در اعمالی که ما انجام می دهیم و شما آقایان هم یک مصداق خوبش را دارید انجام می دهید و آن تکفل صندوق های قرض الحسنه [است]. گاهی عمل، خوب عملی است؛ نماز، دیگر از اعمال بسیار بزرگ است، لکن نمازگزار بد است، نماز خوب است، نمازگزار این را به ریا انجام می دهد، جهنم می رود؛ با نمازش جهنم می رود. صندوق قرض الحسنه خوب است، صندوق دار خیلی کارش مشکل است، جدیت کنید که صندوقدار امینی باشید و صندوق داری باشید که برای ملت خودتان، برای مستمندان خودتان با فایده باشید و قصد اینکه به آنها یک مثلاً چیزی هم بفروشید، نداشته باشید.

برای خدا کار کنید و امانت را حفظ. این پول هایی که

1- صحیفه امام، ج 20، ص 399.

مردم به صندوق قرض الحسنه می دهند، این ها یک امانتهایی است دست صندوق دارها...

شماها هم می دانید که در این امانت آیا چه می کنید؛ آیا به آن طوری که رضای خداست، عمل می کنید؟ و ان شاء اللّه امیدوارم عمل بکنید. و اگر خدای نخواسته قصوری در این امر دارید، جبران کنید. کار، بسیار کار خوبی است، مسئولیتش هم بسیار زیاد است. کار هر چه بزرگتر باشد، مسئولیت هم به حجم آن بزرگ است. قرض الحسنه از اعمال بسیار خوب است و بهتر از همین طور پول دادن است و نکته اش هم، شاید یکی از هم این باشد که در قرض الحسنه، فعالیت دنبالش هست، در مجانی، شاید گدا درست کردن باشد، از این جهت، این یک فعالیتی ایجاد می کند. آن کسی که قرض می کند و موظف است که بدهد این به فعالیت می افتد که در وقت خودش بتواند قرضش را ادا کند و بعد هم ما زادی که پیدا کرده است، ادامه بدهد به کار خودش؛ لکن آن کسی که نشسته کنار کوچه و از مردم می خواهد، آن هیچ وقت در فکر این نیست که یک کاری بکند؛

ص: 69

برای این که دیگر مطالبی ندارد، کسی نمی آید از او مطالبه کند که این که گرفتی بده. قرض بسیار اهمیت دارد و قرض الحسنه بسیار اهمیت دارد و در کمتر گناهانی است که به اندازه ربا در قرآن و سنت به او اهمیت داده شده باشد و او را مطرود کرده باشد، و نکته اش هم این است که اگر ربا رواج بگیرد، فعالیت کم می شود. یکی از نکاتش [این است که] در مقابل کار نیست. این سودی که می برد، آن توی خانه اش نشسته یا عیاشی می کند و پولش دارد می زاید. یک همچو چیزی را که بخواهد ربا بگیرد آدم و تحمیل بکند به مسلمین، این از یک طرف یک ظلمی است به حسب آیه شریفه که تعبیر به ظلم کرده است، و از یک طرف دیگر بیکاری درست می کند. این پول باید راه بیفتد وکار انجام بگیرد از آن و رزق پیدا بکند. اینها پول را همین طور می گذارندش آنجا دست یک کسی و می خواهند این پول بزاید برای خودشان بدون کار و این در جامعه فساد بزرگی است و این را ظلم گفته است قرآن شریف: «لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ». آن طور تشبیه کرده است: «فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ»،

ص: 70

این اهمیت زیاد دارد و به همان اندازه ای که قرض به ربا محکوم است به همان اندازه قرض به حسنه و بدون ربا و همین طور قرض دادن به همان اندازه مطلوب است؛ و شما تکفل به یک امر بسیار بزرگی کردید و ان شاء اللَّه با اعمال شما و امثال شما ربا از مملکت اسلامی کوچ می کند. لکن توجه به خودتان باید داشته باشید... شما از خودتان هر شب بازرسی کنید و ببینید با این صندوق چه عمل کردید. آیا این بیچاره ای که آمده قرض بگیرد با تلخی با او روبه شدید؟ خیلی این اهمیت دارد. ممکن است که یک نفر آدم هم قرض بدهد، مجانی هم بدهد؛ قرض الحسنه بدهد؛ لکن ترش رویی کند؛ یعنی، قلب این قرض گیرنده را آزرده کند و این قلب محل تجلی خداست. قرض که می دهید با خوشرویی، زود عملش را انجام بدهید، مثل ادارات دولتی نباشد؛ زود کار را انجام بدهید با خوشرویی، با بشاشت، با احترام.آنکه آمده است قرض می کند، خوب یک نقیصه ای در خودش می بیند؛ به واسطه این نقیصه شاید یک خجالتی برای خودش خیال بکند

و حال آن که نه فقر خجالت دارد و نه قرض خجالت دارد؛ لکن خوب، یک احساس حقارتی ممکن است بکند. شما با اعمالتان رفع کنید این را. شمایی که متکفل قرض الحسنه دادن هستید، با خوش رویی و عمل خوب این نقیصه ای که آن آدم در خودش مثلاً می بیند و حقارتی که شاید در خودش می بیند، شما او را رفع کنید، آن از قرض الحسنه دادن بالاتر است؛ حسنه او از قرض الحسنه دادن بالاتر [است]. دلجویی از مستمندان و از ضعفا و از مستضعفان از اعمال دیگر محتمل است بسیار بزرگتر باشد و شما در حالی که آن عبادت را انجام می دهید که متکفل شدید برای یک عبادتی که قرض الحسنه بدهید و صندوق را باز کنید به روی اشخاص احتیاجدار؛ این مطلب، این عبادت بزرگ را هم انجام بدهید. این عبادت بزرگ که دلجویی از یک نفر انسان، از یک نفری که ممکن است از خود شما شریفتر باشد و شما نمی دانید. ممکن است از خود شما ایمانش به خدا بالاتر باشد و شما مطلع نیستید؛ دلجویی از این، از آن کارِ دیگرتان، بالاتر است و اگر کسی صدقه

بدهد و منت بگزارد، مطرود است؛ پیش خدا مطرود است این صدقه؛ اصلاً مطرود است. باید انسان در فکر این باشد که خودش را مهذب کند، تهذیب کند خودش را و من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که همه ما، همه ملت ما متوجه به اسلام باشند و همه منزه باشند از صفات بد .(1)

مقام معظم رهبری

اگر این صندوق های قرض الحسنه نباشند، بدانید که این نیازهای مردم را به هیچ وجه شما و ما قادر به انجامش نیستیم.

این نهاد [=صندوق های قرض الحسنه] که اسلامی است و نهاد مفیدی است. برای مردم بماند، کارخودش را بکند و به مردم خیرخودش را برساند. یک شجره طیب های است. بحمدالله رشد هم کرده، خوب شده نه دیگران کار شکنی کنند و نه اسباب زحمت درست کنند. (2)

1- صحیفه امام، ج 12، ص 426.

2- http://spg-ali.com/about.jsp.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی

صندوق های قرض الحسنه که به عنوان یک نهاد خود جوش مردمی فعالیت خود را آغاز کرده است و باید به همین صورت نیز باقی بماند؛ این صندوق ها علاوه بر کمک به افراد نیازمند جامعه سنت ارزشمند قرض الحسنه در اسلام را احیا می کنند.

وجود صندوق های قرض الحسنه در کنار مساجد نشان می دهد که مسجد تنها برای نماز خواندن نیست، بلکه پایگاهی برای حمایت از افراد نیازمند است و این امر تبلیغ مستقیم دین می شود.(1)

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

قرض الحسنه از سنت های بزرگ مسلمانان است؛ یعنی هر مسلمان که به بندگان خدا قرض الحسنه، بدهد ثواب آن از صدقه دادن هم بیش تر است. قرض الحسنه یک مسئله خدایی است. کسانی که در این زمینه خدمت میکنند، باید قصدشان خدا باشد تا به ثواب برسند.

1- http://spg-ali.com/about.jsp

کسی نمی تواند قرض الحسنه را به خود اختصاص دهد، بلکه هر کس می تواند پولش را در راه خیر به کسان دیگر قرض حسن بدهد. در کار قرض الحسنه باید خلوص نیت باشد و اشخاص سوء استفاده نکنند. مسایل تجاری و سوء استفاده شخصی در کار نباشد و برای خدا خالص باشد. (1)

آیت اله العظمی وحید خراسانی

شیخ انصاری(رحمه الله) در مقابل این آیه [=قرض الحسنه] محو می شود واین بالاترین تعبیر قرآن بعد از جهاد است که در مورد قرض الحسنه گفته شده، خداوند خودش را طرف قرض دهنده قرار داده. ظاهرا فرد نیکوکار به فرد گرفتار قرض الحسنه می دهد؛ ولی در واقع به خداوند قرض داده است. حکمت آن، این است که وقتی پول را مفت بدهی گردن گیرنده تا زنده است در مقابل شما خم می شود و خداوند ذلت بندگانش را نمی پسندد؛ اما درقرض عزت مومن حفظ می شود؛ چون دنیا دار ابتلا است؛ امروز او گرفتاراست؛ فردا رفع می شود و بازپرداخت می کند.

1- http://spg-ali.com/about.jsp

مدیران صندوق های قرض الحسنه قدر خود را بدانند؛ زیرا وقتی پول را می شمرند که به نیازمند پرداخت شود خداوند درمقابل آنها قرار دارد. این مقامی بهت آور است. بنابراین، به هیچ قیمتی این سعادت را ازدست ندهید و هیچ کس حق ندارد این کار را از شما بگیرد.

آنهایی که خدمت کرده و خیانتی نکرده اند نص قرآن است که «ما علی المحسنین من سبیل»؛ یعنی هیچکس حق حکومت و سلطنت بر محسن ندارد. طرفش خداست.«هل جزاء الاحسان الا الاحسان»؛ «آیا جزای احسان به غیر از احسان است»؛ یعنی خداوند جزای آدم نیکوکار است. اما کسی که خیانت در اموال مردم کرد، باید به اشد مجازات برسد. قرض الحسنه همچون اکسیری است که فلز را به طلای احمر تبدیل می کند. قرض دو گونه است: قرض به شرط سود که نامشروع است؛ ولی قرض الحسنه مانند دانهای است که تبدیل به 700 دانه می شود. (1)

1- http://spg-ali.com/about.jsp.

احکام صندوق های قرض الحسنه

اشاره

صندوق های قرض الحسنه دارای احکام خاصی است که توجه به آنها برای متصدیان سایر مردم مناسب است. قبل از بیان این احکام، به این نکته اشاره می شود که اقدام نسبت به ایجاد این صندوق در واقع اقدامی خداپسندانه و از زمره ذخایر قیامت محسوب می شود.

باقیات الصالحات

تشکیل صندوق های قرض الحسنه از سنت های نیکو به شمار می رود که پیوسته ثواب آن به بنیانگذاران و نیز سپرده گذاران خواهد رسید.

پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم) فرمودند:

إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا عَنْ ثَلَاثٍ وَلَدٍ صَالِحٍ

ص: 77

يَدْعُو لَهُ وَ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ بَعْدَهُ وَ صَدَقَهٍ جَارِيَه؛ هرگاه انسان بمیرد، پرونده اعمال وی بسته می شود؛ مگر در سه مورد: فرزندی صالح که برای او دعا کند و علمی که از آن استفاده شود و صدقه جاری های که از وی باقی ماند. (1)

بی شک می توان یکی از مصادیق «صدقه جاریه» را پول های موجود در صندوق های قرض الحسنه دانست که پیوسته به نیازمندان قرض داده می شود.

امام باقر(علیه السّلام) نیز فرمودند:

مَنْ سَنَ سُنَّهَ عَدْلٍ فَاتُّبِعَ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَیْ ءٌ...؛ (2) کسی که روش پسندیده ای را بنیان نهد و دیگران از آن تبعیت نمایند؛ پیوسته پاداشی به مؤسس می رسد؛ بدون اینکه از اجر عمل کنندگان، چیزی کم شود و شخصی که روش معصیتی را، پی ریزی کند و دیگران از آن اطاعت کنند، پیوسته گناهی به مؤسس می رسد، بدون اینکه از گناه عمل کنندگان چیزی کم شود.

1- جامع الاخبار، ص 105.
2- مفید، امالی، ص 191.

مهم ترین احکام صندوق های قرض الحسنه به شرح ذیل است:

رعایت احکام شرعی

لازم است مسئولان صندوق های قرض الحسنه، احکام الاهی را سر لوحه کار قرار داده، برنامه های خود را مطابق شرع تنظیم کنند.

بدیهی است در زمان غیبت امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) وظیفه بیان احکام الاهی به عهده مجتهدان جامع الشرایط گذارده شده است. بر این اساس، غفلت از فتاوای فقها در این زمینه و همه عرصه های عملی جایز نیست.

ایجاد فضای دینی

از آن جا که تشکیل صندوق های قرض الحسنه، انگیزه های معنوی است؛ شایسته است در دفتر و ساختمان صندوق های قرض الحسنه فضا سازی دینی صورت گیرد.

بدین منظور لازم است به نکاتی توجه شود:

الف) آیات و روایاتی در زمینه قرض الحسنه بر در و دیوار دفتر و محل کار مسئول و مراجعان نصب تا فضای ساختمان با کلام نور، عطر آگین شود.

ص: 79

ب) کار دفتر قرض الحسنه، هنگام نماز به مدت یک ربع یا کمتر و بیشتر تعطیل شود و مدیر و کارمندان در یکی از مساجد نزدیک یا در محل صندوق قرض الحسنه به اقامه نماز جماعت بپردازند. این اقدام، در ایجاد فضای معنوی برای صندوق قرض الحسنه و نیز احیای امر اقامه نماز گام مثبتی تلقی می گردد.

ج) امر به معروف و نهی از منکر همیشه واجب است؛ به خصوص در اماکنی مانند صندوق های قرض الحسنه که کارمندان و مراجعه کنندگان از پذیرش بالاتری برخوردارند.

رعایت نوبت

لازم است صندوق های قرض الحسنه برای حفظ نوبت مشتریان محترم تدبیری اندیشیده، مراجعه مردم را تسهیل نمایند. سیستم های اتوماتیکی نوبت دهنده، یکی از بهترین ابزار در این جهت محسوب می شود.

لزوم رعایت نوبت در صندوق های قرض الحسنه، بر چند امر مبتنی است:

الف) حفظ حرمت اشخاص؛

ب) رعایت وقت مردم؛

ج) مراعات حق الناس؛

د) ضرورت تساوی بین مراجعه کنندگان.

تزاحم نا محرمان

در برخی از ایام سال که مراجعات بیش تری به این صندوق ها وجود دارد و ازدحام در ساختمان صندوق قرض الحسنه مشاهده می شود؛ بایسته است مسئولان صندوق های قرض الحسنه تدبیری اندیشیده، مانع تزاحم زن و مرد و اختلاط آنان با یکدیگر یا نگاه های حرام شوند تا بدین ترتیب از تبدیل شدن ساختمان صندوق قرض الحسنه به محل گناه جلوگیری شود.

خداوند می فرماید:

«وَ لَوْ أَنَ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لکِنْ کَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ»؛(1) و اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم ولی[آنها حق را] تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

1- اعراف : 96.

پول یافت شده

یکی از نکاتی که در صندوق های قرض الحسنه یا بانک ها زیاد اتفاق می افتد، «پول های یافت شده» است؛ چرا که هنگام جابه جایی یا شمارش، چه بسا پول از دست شمارنده می افتد یا این که شخصی، پول خود را جا می گذارد.

حکم شرعی این مسئله آن است که اگر مالکِ پول را می شناسند، لازم است پول را به او برگردانند و اگر صاحبش را نمی شناسند، لازم است پول را نگهداری نموده، به هر وسیله، اطلاع رسانی کنند و بعد از گذشت یکسال چنانچه صاحبش پیدا نشد، می توانند از طرف صاحبش صدقه دهند. (1)

حفظ اموال مردم

سپرده های مردم در صندوق های قرض الحسنه، «امانت» محسوب می شود. بنابراین، مدیر و مسئولانِ صندوق های قرض الحسنه موظفند در حفظ امانات کوشا بوده، مسائل محافظتی را مورد توجه قرار دهند. برخی از نکات امنیتی که لازم است در این سو رعایت

1- تحریر الوسیله، ج 2، ص 230.

شود، بدین ترتیب است:

الف) استحکام: به دلیل حساسیت صندوق قرض الحسنه و احتمال سرقت؛ استحکام ساختمان صندوق های قرض الحسنه، امری اجتناب ناپذیر و ضروری می نماید. امام صادق(علیه السّلام) از قول پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم) چنین فرمودند:

«إِذَا عَمِلَ أَحَدُکُمْ عَمَلاً فَلْیُتْقِنْ(1) ... هر گاه یکی از شما کاری انجام دهد، آن را مُتقَن و محکم سازد».

ب) روش های ایمنی: طراحی و اجرای سیستم های محافظتی، مانند دوربین های مدار بسته و اتصال آن به مراکز نیروی انتظامی امری است لازم؛ تا اموال مردم از هرگونه سرقت و دستبرد مصون بماند.

ج) وثیقه: از متقاضیان وام، وثیقه های اطمینان آور،(2) دریافت شود تا برگشت سپرده مشترکین تضمین یابد و سپرده پیوسته در گردش باشد و مردم به هدف مورد نظر خود که وام دهی به مستمندان است، برسند.

د) تفحص از متقاضیان وام: تفحص اطمینان بخش از

ص: 83

1- کافی، ج 3، ص 262.
2- مانند چک، سفته، ضامن و رهن.

سابقه متقاضیان وام امری لازم است تا اگر برخی از آنان دارای سابقه سوء یا بد حسابی هستند، برای وام دهندگان واضح شود و از قرض دادن به افراد دارای سابقه سوء خودداری گردد؛ یا گزینه ها و تصمیمات لازم مورد نظر قرارگیرد.

حبس سرمایه

نباید سپرده های مردم در صندوق های قرض الحسنه محبوس بماند و از گردونه چرخش خارج گردد؛ بلکه لازم است پیوسته در «جریان» باشد و دست به دست گردد تا عموم مردم از عواید آن بهره مند شوند.

مقصود از جریان سرمایه در صندوق های قرض الحسنه، وام دادن به افراد بی بضاعت است که هدف اصلی سپرده گذاران می باشد و صندوق های قرض الحسنه بدین منظور تشکیل شده اند.

برداشت از صندوق

مشتریان، دارای حق برداشت از صندوق بوده و در هر زمان مقرر (ساعات اداری کار دفتر) می توانند پول خود را دریافت کنند. بنابراین، مدیر، صندوق دار یا هر شخص دیگر نمی تواند مانع دریافت سپرده گذار گردد؛ چرا که

سپرده گذاری، عنوان «قرض مدت دار» را نداشته؛ بلکه به صورت «امانت» در صندوق های قرض الحسنه نگهداری می شود و صاحب امانت در هر زمان دلخواه می تواند برای دریافت امانت خود مراجعه کند.

حتی در صورتی که سپرده گذار، پول خود را به عنوان «قرض» در صندوق قرض الحسنه گذاشته باشد؛ از آن جا که قرض وی مدت دار نیست، در هر زمان که بخواهد، می تواند پول خود را دریافت کند.

اهدای جوایز

سؤال: برخی از صندوق های قرض الحسنه، جوایزی (تحت عنوان قرعه کشی یا بدون آن) به مشتریان خود می پردازند؛ حکم این کار چیست؟

جواب: چنانچه شرط جایزه نشود؛ بلکه خود صندوق قرض الحسنه به جوایز به مشتریان خود اقدام نماید، هیچ اشکالی وجود ندارد؛ اما اگر مشتریان به شرط دریافت جوایز سپرده گذاری نمایند؛ جایز نخواهد بود.

وام های صندوق قرض الحسنه

یکی از فعالیت های جاری بانک ها و صندوق های قرض الحسنه، «پرداخت وام» است.

می دانیم وام بیش تر بانک ها و صندوق های قرض الحسنه همراه سود است؛ بدین معنی که هنگام تقاضای وام از جانب مشتریان، در صدی را اضافه نموده و مشتریان خود را به بازپرداخت اصل قرض و مقدار اضافه تعیین شده ملزم مینماید؛ در حالی که این، «ربا» است و حرمت آن از بدیهیات فقه به شمار میرود. برخی از مردم گمان می کنند که اگر سود بانکی 4% به بالا باشد حرام و چنانچه پایینتر از این مقدار باشد، حلال است! این گمانی بی اساس و منشأ آن، دور بودن از فقه و مسائل شرعی می باشد.

باید توجه داشت که شرط اضافه بر مقدار قرض مطلقا حرام است، اعم از اینکه از شخص قرض شود یا از بانک؛ بانک اسلامی باشد یا غیر اسلامی؛ مقدار اضافه کم باشد یا زیاد؛ مقدار اضافه از جنس پول باشد یا غیر آن؛ مقدار اضافه را بنویسند یا بر زبان جاری سازند یا بنای بر آن را داشته باشند. (1)

البته گرفتن کار مزد و هزینه های معمول محل کار و لوازم اداری آن، طبق نظر برخی از فقها فاقد اشکال است.

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 395.

راه تصحیح

برای تصحیح سود وام بانکی و قرض الحسنه، ممکن است راه هایی ارائه شود که لازم است هریک را مطرح و بررسی کنیم:

راه اوّل، وکالت در خرید: این طریق، مختص است به مواردی که اقدام مشتری برای وام، به منظور خریدن جنس خاصی باشد؛ بدین صورت که بانک، مشتری را وکیل میکند در خریدن جنس خاص و آنگاه همان جنس را گرانتر و به اقساط از بانک یا صندوق قرض الحسنه خریداری می کند.

مثال مطلب مذکور این است که شخصی به صندوق قرض الحسنه برای دریافت وام خودرو مراجعه می کند. صندوق در ابتدای امر به او وکالت می دهد که ماشینی را برای وی بخرد و پس از این، صندوق همان ماشین را به آن شخص گرانتر و به اقساط می فروشد.

بررسی: این گزینه در صورتی صحیح است که حقیقتاً این دو معامله صورت گیرد: یکی خرید ماشین همراه با وکالت برای صندوق قرض الحسنه و دیگری خریداری کردن مشتری خودرو را از صندوق قرض الحسنه به

طورگران تر و به اقساط. اما اگر دو معامله مزبور، فقط در قالب لفظ بوده و به طور صوری و شکلی چیزی بر روی کاغذ نوشته شود یا بر زبان جاری گردد، فایده ای ندارد و اشکال شرعی را مرتفع نمی سازد.

راه دوم، کار مزد : برخی از بانک ها و صندوق های قرض الحسنه برای تصحیح دریافت اضافه بر مقدار وام، گزینه «کارمزد» را انتخاب نموده اند؛ بدین معنی که در مقام پرداخت وام، شرط می کنند وام گیرنده هنگام پرداخت، مقداری را اضافه پرداخت نماید تا صَرف مخارج دفتری شود.

بررسی : این گزینه مورد اتفاق فقها نیست و لازم است در مورد آن به رساله مراجع تقلید مراجعه شود و در واقع مشتری باید نظر مرجع تقلید خود را در مورد حلّیت یا حرمت این کار بداند.

راه سوم، فروش دفتر چه : برخی دیگر از بانک ها یا صندوق های قرض الحسنه از قدیم و شاید هم اکنون، برای تصحیح دریافت اضافه بر مقدار وام، «فروش دفترچه» را مطرح می نمایند؛ بدین معنی که مقداری را که اضافه از مشتری دریافت می کنند در مقابل دفترچه پرداخت

ص: 88

اقساط قرار می دهند. مثلا چنانچه بانک یا صندوق قرض الحسنه بخواهد یک میلیون تومان وام دهد و یک میلیون و صد هزار تومان باز پس گیرد، قید می کند که صد هزار تومان اضافه در قبال دفترچه و امثال آن(1) می باشد.

بررسی : این راه علاوه بر اینکه جزء «حِیَل شرعیه» است و مورد اختلاف فقها می باشد؛ «بیع سفهی» خواهد بود؛ زیرا بیع سفهی عبارت است از فروش چیز اندک به قیمت زیاد و چنین معامله ای محل اشکال و نیازمند مراجعه به فتاوای مراجع تقلید است.

راه چهارم، مشارکت : چهارمین راه برای تصحیح وام هایی که از سوی بانک یا صندوق قرض الحسنه به مشتریان پرداخت می شود، «مشارکت» است؛ بدین صورت که صندوق قرض الحسنه، پول و سرمایه را در اختیار مشتری می گذارد و با او قرار داد می بندد که این پول را در تجارت و کارهای اقتصادی صَرف و سود حاصل شده را طبق توافق بین خود (صندوق و مشتری) تقسیم کند.

بررسی : این راه در صورتی شرعی است که مشتری

1- مانند قلم یا هر شیء کم ارزش دیگر.

بر روی سرمایه ای که از بانک یا صندوق قرض الحسنه دریافت می دارد در واقع و به صورت عینی «کار اقتصادی» انجام داده باشد. اما اگر پول را کنار گذاشته و به اصطلاح بازار، آن را «خوابانده» است، یا اینکه در امر غیر تجاری و تولیدی (مثل مخارج ازدواج یا پرداخت دیون) از آن استفاده کرده است، پرداخت اضافه ربا و حرام خواهد بود.

بر اساس آن چه ذکر شد، مؤسسان صندوق های قرض الحسنه لازم است در زمینه مزبور (دریافت سود برای پرداخت وام) به رساله عملیه مرجع تقلید خویش مراجعه و کسب تکلیف کنند و چنانچه بخواهند هزینه های مخارج صندوق را تأمین و در عین حال، احتیاط کامل را رعایت کرده باشند، لازم است صندوقی را نصب کنند و به متقاضیان وام اطلاع دهند که اگر مایل هستند وجهی را در صندوق (به عنوان کمک به صندوق) قرار دهند؛ بدون اینکه در اصل پرداخت و مقدار آن اجباری وجود داشته باشد.

جریمه تأخیر

نکته دیگر در زمینه مسائل مربوط به صندوق های

قرض الحسنه، «جریمه دیر کرد» می باشد.

سؤال: آیا صندوق های قرض الحسنه در صورت تأخیر وام گیرندگان در پرداخت اقساط خود، می توانند مبلغی را به عنوان «جریمه» از آنان در یافت کنند؟

جواب: بعضی از فقها مطلقا دیر کرد را جایز نمی دانند؛ ولی برخی فقها در دو صورت، دریافت جریمه را جایز میدانند:

الف) در عقد جداگانه ای (مثل عقد بیع) شرط شود که چنانچه در پرداخت اقساط فلان وام، تأخیر شود، مقدارمشخصی به عنوان جریمه پرداخت گردد. (1)

ب) در یافت جریمه، از سوی حاکم شرع و به عنوان تعزیرات حکومتی مقرر شود.

در غیر این دو صورت، جریمه دیر کرد ممنوع و حرام می باشد.

معاوضه پول نو و کهنه

یکی از امور رایج در آستانه فرارسیدن اعیادی مانند عید غدیر، نوروز و امثال این دو، خرید و فروش پول نو می باشد؛ مثلا شخصی صد هزار تومان پول نو را به صد

1- جامع الاحکام، ج 2، ص 306.

و بیست هزار تومان یا کم تر و بیش تر می خرد. حکم این معامله چیست؟

پاسخ این است که معاوضه مزبور صحیح است و اشکالی بر آن مترتب نیست؛ مشروط به اینکه معاوضه نقد به نقد صورت پذیرفته و نسیه یا پیش فروش در بین نباشد. (1)

علت این امر آن است که در معاوضه مزبور، «ربا» محقق نمیشود؛ نه ربای قرضی و نه ربای معاوضی.

اما این که ربای قرضی نیست؛ زیرا فرض بر این است که قرضی صورت نگرفته و مبادله به طور نقد به نقد انجام شده است.

اما اینکه ربای معاوضی نیست؛ زیرا ربای معاوضی در همه موارد حرام نیست، بلکه در چیزهای وزن کردنی و پیمانه ای حرام می باشد. بنابراین، در چیزهای شمارشی مانند پول و امثال آن، کم یا زیاد بودن یک طرف اشکال ندارد. (2)

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 277.
2- همان، ص 840.

سرمایه گذاری

سؤال: برخی از مسئولان صندوق های قرض الحسنه، سپرده های مردم را به کار گرفته و به وسیله آن تجارت می کنند؛ آیا چنین کاری جایز است؟

جواب: به کار گرفتن سرمایه ها، بدون اطلاع رسانی به سپرده گذاران در ابتدای امر، یا اجازه از آنان پس از اقدام، جایز نمی باشد؛ زیرا کسانی که در صندوق های قرض الحسنه سپرده گذاری می کنند، مهم ترین غرض آنان، وام دهی و پرداخت قرض الحسنه به دیگران است.

بر این اساس، سرمایه گذاری مسئولان صندوق های قرض الحسنه با اموال سپرده گذاران، به دو دسته تقسیم می گردد: «با مجوز» و «بدون مجوز».

سرمایه گذاری با مجوز

در صورتی که مسئولان قرض الحسنه از سوی سپرده گذاران، مجوزی برای سرمایه گذاری داشته باشند، رعایت نکاتی برای آنها الزامی است:

الف) مسئولان قرض الحسنه، «عامل» یا «وکیل» سپرده گذاران محسوب می شوند و باید طبق موازین «مضاربه» یا «وکالت» عمل کنند.

ب) سود به دست آمده از تجارت، از آنِ سپرده گذاران و مسئولان یا صندوق قرض الحسنه است.

البته در اینکه چند در صد از سود به دست آمده مال چه کسی باشد، به توافق و قرار داد بین سپرده گذاران و سپرده پذیران بستگی دارد.

بنابراین، مسئولان صندوق های قرض الحسنه نمی توانند سود به دست آمده را فقط برای خود بردارند یا برای مخارج صندوق قرض الحسنه صرف کنند؛ مگر این که در ابتدای سپرده گذاری قرارهایی در این زمینه با سپرده گذاران منعقد کنند.

ج) مدیران صندوق های قرض الحسنه فقط می توانند به تجارت حلال اقدام کنند؛ نه اینکه پول بهره و ربا از متقاضیان وام دریافت کرده و سود عاید از آن را بین مشتریان تقسیم کنند.

نکته مزبور، حایز اهمیت و در خور توجه می باشد؛ زیرا مشاهده می شود برخی از صندوق های قرض الحسنه یا مؤسسات مالی و اعتباری، پول سرمایه گذاران را انباشته نموده از متقاضیان وام، بهره دریافت می کنند و سپس سود به دست آمده را تحت عنوان «سود تجارت» به

ص: 94

سپرده گذاران می پردازند.

د) متصدیان امور صندوق های قرض الحسنه، بر فرض اجازه سپرده گذاران، در نوع سرمایه گذاری مختار می باشند؛ لکن موظفند دقت نموده موردی را انتخاب کنند که از ریسک، و احتمال ضرر باشد و امکان خطر بر حسب آن چه متعارف است، وجود نداشته باشد و اموال مردم محفوظ بماند.

ه-) چنانچه سرمایه گذاری متولیان صندوق های قرض الحسنه با اجازه سپرده گذاران بوده و نیز دقت کافی را در انتخاب نوع سرمایه گذاری به کار برده باشند؛ در عین حال، به ضرر منجر گردد؛ سپرده گذاران، حق اعتراض ندارند؛ چرا که مسئولان صندوق را «امین» شمرده اند و امین مورد ضمان قرار نمی گیرد؛ مگر آن که کوتاهی کرده باشد. (1)

سرمایه گذاری بدون مجوز

اگر مسئولان صندوق های قرض الحسنه، بدون اجازه سپرده گذاران، به سرمایه گذاری اقدام نمایند، احکامی به این امر مترتب می گردد:

الف) این تصرف، عدوانی است و لازم است قرار داد

1- قاعده «الامین لا یضمن الا بالتفریط » از قواعد معروف فقهی است.

را برهم زنند یا اینکه از سپردهگذاران، مجوز دریافت کنند.

ب) تمام سود به دست آمده مال سپرده گذاران خواهد بود و مسئولان یا صندوق، هیچ حقی در آن سود نخواهند داشت، حتی به مقدار اجره المثل.

ج) چنانچه سرمایه گذاری، به ضرر منجر گردد، لازم است مسئولان، تمام ضرر وارد شده بر سپرده های مردم را جبران کنند و اموال مردم را به جای خود برگردانند؛ گرچه هنگام سرمایه گذاری، دقت فراوان کرده باشند.

شفاف سازی نوع قرار داد

به عنوان مقدمه یاد آور می شویم که «سود پول» حرام است و این سود جایگاهی در فقه اسلامی ندارد. آنچه می تواند مصحِح سرمایه گذاری ها برای بانک یا صندوق قرض الحسنه باشد، یکی از این دو عقد شرعی است: «وکالت» و «مضاربه».

چنانچه سپرده گذاران اجازه دهند که پول آنان سرمایه گذاری شود، صندوق قرض الحسنه موظف است قراردادی شفاف تحت عنوان «مضاربه» یا «وکالت» منعقد و آن قرارداد را به سپرده گذاران تفهیم کند.

قابل ذکر است که برخی سپرده گذاران بی سواد یا کم

ص: 96

سواد هستند؛ بنابراین، گذاشتن یک برگه در پیش روی آنان به ضمیمه مُهر و امضا، مسئله را حلّ نمی کند؛ بلکه لازم است قرارداد منعقد شده لفظاً و به گونه ای که آنها مُطّلع شوند، به ایشان تفهیم شود.

همچنین لازم است در قول نامه مزبور، سهم هریک از طرفین (صندوق قرض الحسنه و سپرده گذار) از سود مشخص گردد.

وکالت

«وکالت»، یکی از عقود اسلامی است که فقها در مورد آن بحث، حدود و ضوابط آن را با توجه به ادله معتبر مشخص کرده اند. دایره وکالت به کارهای اقتصادی منحصر نیست، بلکه هرکاری که مباشرت در آن لزومی ندارد، می تواند مورد وکالت قرار گیرد.

نکته مربوط به بحث ما این است که کسی که در صندوق قرض الحسنه سرمایه گذاری می کند، صندوق را وکیل می کند که با پول و سرمایه او به تجارت اقدام و سپس سود به دست آمده از آن تجارت را بر حسب توافق، ما بین خود (مشتری و صندوق) تقسیم نمایند. با این موازین هیچ اشکالی بر سرمایه گذاری ها مترتب نمی شود.

ص: 97

به این استفتا که از محضر امام خمینی(رحمه الله علیه) صورت گرفته است، توجه نمایید: ربای قرضی چیست؟ آیا درصدی که سپرده گذاران به عنوان سود از بانکها دریافت می کنند، ربا محسوب می شود؟

جواب: ربای قرضی آن مقدار اضافه بر مبلغ قرض است که قرض گیرنده به خاطر قرضی که می گیرد، به قرض دهنده می دهد و امّا سود حاصل از کار کرد پولی که به عنوان سپرده به بانک داده شده تا به وکالت از طرف صاحب آن، در یکی از عقود صحیح شرعی به کار گرفته شود؛ ربا نیست و اشکال ندارد. (1)

مضاربه

«مضاربه» یکی دیگر از عقود اسلامی است و صحت آن مورد اتفاق فقها می باشد. در عقد مضاربه، سرمایه از شخصی است که به او «مالک» گفته می شود و کار از شخص دیگری است که به وی «عامل» اطلاق می گردد.

بنابراین، چنانچه سرمایه گذاری ها، تحت عنوان «مضاربه» صورت پذیرد، هم سرمایه گذاری صحیح است و هم پرداخت و دریافت شود.

ص: 98

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 281.

احکام قرض

اشاره

«قرض دادن» دارای احکامی است. در این احکام تفاوتی نیست بین این که قرض توسط صندوق های قرض الحسنه باشد یا افراد.

تفاوت دَین و قرض

ممکن است سؤال شود تفاوت «دین» و «قرض» چیست؟

پاسخ این است که دایره شمول دَین وسیع تر است و در واقع دین اعم از قرض است؛ زیرا در موارد ذیل دَین وجود دارد، در حالی که قرضی محقق نشده است:

الف) چنانچه شخصی جنس نسیه ای خریده و پول آن را پرداخت نکرده است. این شخص مدیون به شمار

ص: 99

می رود، نه قرض گیرنده.

ب) کسی که به دیگری خسارت زده، مقدار خسارت را مدیون است؛ در حالی که قرضی صورت نگرفته است.

ج) فروشنده در بیع «سَلَم»(1) ، جنس فروخته شده را مدیون مشتری است؛ در حالی که قرض نکرده است.

د) چنانچه مهریه زن، «امر کلی» باشد (مانند چهارده سکه بهار آزادی) دَین هست؛ در حالی که قرض محسوب نمی شود.

عدم نیاز به لفظ

دیگر از احکام قرض این است که هنگام قرض دادن لازم نیست جمله خاصی بر زبان جاری گردد؛ بلکه «پرداخت عملی» قرض کافی است و احکام قرض بر آن مترتب می شود.

همه مراجع تقلید فرموده اند: در قرض لازم نیست صیغه بخوانند، بلکه اگر چیزی را به نیت قرض به کسی بدهد و او هم به همین قصد بگیرد، صحیح است.(2)

1- «بیع سلم» همان پیش فروش است که مشتری فعلا پول را می پردازد و در مدت مقرر، کالا را دریافت می کند (پیش خرید و سلف هم گفته می شود).
2- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 390 و منهاج الصالحین، ج 2، ص 169.

تعیین مقدار

«شفاف بودن» در تمام «داد و ستد»ها ضروری و مانع بسیاری از اختلافات بعدی است. از این رو، لازم است در اینگونه موارد از «اجمال» خودداری و «اندازه» را تعیین کنند.

یکی از موارد مزبور، قرض می باشد. بدین سبب، بر قرض گیرنده و قرض دهنده لازم است مقدار قرض را مشخص کنند. فقها فرموده اند: لازم است «مقدار» قرض کاملا مشخص گردد. (1)

تنظیم اسناد

شایسته است در قرض بلکه در مطلق دَین، اسناد تنظیم است:

تنظیم اسناد، دارای دو فایده مهم می باشد:

الف) در صورت بروز اختلاف، سندی برای حل نزاع وجود دارد؛

ب) برای قرض دادن و طلبکاری استحکام صورت گرفته؛ که اینکار بقای این تعاون و همکاری اجتماعی ر ا به دنبال خواهد داشت.

1- توضیح المسائل امام خمینی، ص 476.

مدارک لازم برای تنظیم سند طبق دستور قرآن کریم عبارت است از: شاهد و نوشتن و در صورت نوشته نشدن، گرفتن گرو از بدهکار. (1)

اقباض

قرار دادها به دو دسته تقسیم می شود:

الف) قرار داده ایی که صِرف خواندن عقد در آنها کفایت می کند و به نقل و انتقال فیزیکی و تحویل دادن شیئ مورد معامله نیاز نیست؛ مانند خرید و فروش، اجاره و جُعاله؛

ب) قراردادهایی که صِرف خواندن عقد در آنها کفایت نکرده و به نقل و انتقال فیزیکی و تحویل دادن

1- «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا تَدايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ لْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَ لا يَأْبَ كاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَما عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَ لْيُمْلِلِ الَّذى عَلَيْهِ الْحَقُّ وَ لْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئاً فَإِنْ كانَ الَّذى عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفيهاً أَوْ ضَعيفاً أَوْ لا يَسْتَطيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَ اسْتَشْهِدُوا شَهيدَيْنِ مِنْ رِجالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَداءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْداهُما فَتُذَكِّرَ إِحْداهُمَا الْأُخْرى وَ لا يَأْبَ الشُّهَداءُ إِذا ما دُعُوا وَ لا تَسْئَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغيراً أَوْ كَبيراً إِلى أَجَلِهِ ذلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَقْوَمُ لِلشَّهادَةِ وَ أَدْنى أَلاَّ تَرْتابُوا إِلاَّ أَنْ تَكُونَ تِجارَةً حاضِرَةً تُديرُونَها بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُناحٌ أَلاَّ تَكْتُبُوها وَ أَشْهِدُوا إِذا تَبايَعْتُمْ وَ لا يُضَارَّ كاتِبٌ وَ لا شَهيدٌ وَ إِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَليمٌ» (بقره: 282).

شیئ مورد معامله نیاز هست؛ مانند بخشش، وقف و صدقه.

سؤال این است که «قرض» از کدام دسته است؟

پاسخ این است که قرض از دسته دوم است؛ یعنی صرف خواندن عقد در آن کفایت نمی کند و به نقل و انتقال فیزیکی و تحویل شیء نیاز است.

بر این اساس، بعد از اینکه قرار شد شخصی پولی را به عنوان قرض به دیگری تحویل دهد، تا وقتی که در عالَم خارج و واقعیّت، آن پول تحویل نشده است قرض محقق نمی شود.

مسئله: شرط تحقق قرض، قبض و دریافت از سوی قرض گیرنده است؛ پس مستقرض(1) مالک مال نمی شود، مگر پس از دریافت آن. (2)

عدم نیاز به قصد قربت

در پرداخت و دریافت قرض، نیازی به قصد «تقرب الی الله» نیست؛ پس اگر شخصی نه برای خدا، بلکه برای اینکه نزد مردم محبوبیت پیدا کند یا مالش حفظ

1- قرض گیرنده.
2- منهاج الصالحین، ج 2، ص 169 و تحریر الوسیله، ج 1، ص 653.

شود، آن را قرض دهد، اشکال ندارد. بدیهی است پاداش اخروی به طور کامل زمانی به وام دهنده تعلق می گیرد که این کار به انگیزه رضایت خدا صورت گیرد.

نیز چنانچه قرض گیرنده، هنگام پرداخت، برای اثبات خوش حساب بودنش آن را به موقع باز پس گرداند، دَین خود را ادا نموده است. (1)

عینیّت در هنگام قرض گرفتن

یکی از شرایط صحت قرض آن است که در مقام دریافت قرض، «مال خاصی» را از قرض دهنده دریافت کند. بر این اساس، مثلا اگر شخصی به دیگری خسارت زده و یک میلیون تومان (کلی) به او مدیون شده است، صاحب دین نمی تواند آن یک میلیون تومان را به عنوان قرض بر ذمه مدیون لحاظ و آثار قرض را برآن مترتب کند.

مسئله: شرط مال قرض گرفته شده (در هنگام قرض) این است که «عین» باشد؛ پس اگر عینیت نداشته، بلکه «کلی» باشد، قرض صحیح نیست. (2)

1- به این گونه امور، در عُرف فقها «توصلیات» گفته می شود.
2- المسائل المنتخبه، ص 353.

کلّیت بعد از قرض گرفتن

یکی از شرایط تحقق قرض، «کُلّی» بودن آن پس از قرض گرفتن می باشد؛ یعنی بعد از تحویل مال قرض شده به قرض گیرنده، آن چه بر ذمه قرض گیرنده است، امر کُلّی خواهد بود، نه چیز خاصی را که از قرض دهنده دریافت نموده است. مثلاً شخصی صد هزار تومان _ در قالب اسکناس- از دیگری قرض می گیرید. چنین شخصی صد هزار تومان مدیون است؛ نه الزاماً همان اسکناس هایی که گرفته است.

اما اگر شخصی از دیگری تقاضا کند «چیز خاصی» را در اختیار وی قرار دهد تا از آن استفاده کرده، سپس همان چیز خاص را برگرداند؛ در اصطلاح فقهی قرض نبوده و به آن، «عاریه» گفته می شود؛ مانند اینکه شخصی از دیگری درخواست کند اتومبیلش را در اختیار وی قرار دهد تا استفاده کرده و بعد برگرداند.

صحت تملک شرعی

فقها بر این دیدگاهند که شرط صحت قرض این است که مال قرض شده شرعاً قابل تملک باشد؛ پس قرض

دادن شراب و خوک، صحیح نیست. (1)

رشد نداشتن مال قرضی

گفته شد که مال قرضشده پس از دریافت از سوی قرض گیرنده، به «کُلّی» تبدیل می شود. نتیجه مطلب مزبور، این است که «مقدار» قرض داده شده در هنگام پرداخت و دریافت، یکی خواهد بود و اضافه گرفتن قرض دهنده ممنوع است. علت مطلب آن است که چیزی که کلی در ذمه است، رشد نمی کند، بلکه این اشیا و اعیان خارجی هستند که قابل رشد می باشند.

از این جا تفاوت قرض و غصب روشن می شود؛ مثلا چنانچه شخصی گوسفند دیگری را غصب کرده، سپس علوفه ای به آن حیوان بدهد تا چاق شود و بعد سپس آن را تلف یا ذبح کند؛ بر غاصب واجب است علاوه بر ردّ

پول گوسفند، اضافه قیمتی را که از چاقی حاصل شده است، به مالک بپردازد.(2) همچنین اگر شخصی اتومبیل یا خانه دیگری را غصب کند، موظف است علاوه بر ردّ

1- منهاج الصالحین، ج 2، ص211.
2- این، بدان علت است که ضمان غاصب بر «عین» گوسفند تعلق گرفته است نه بر کلی آن.

اصل اتومبیل و خانه، اجره المثل [(1)](#) ایّام غصب را به مالک بپردازد؛ اعم از اینکه غاصب از آن ماشین و خانه استفاده کرده یا نه؛ و نیز اعم از اینکه در ایّام غصب به دیگری اجاره داده یا نه.

تمام آن چه ذکر شد به این علت است که «ضمان» غاصب بر «عین» تعلق گرفته است، نه بر «کلی».

کم ارزش شدن

یکی از مسائل مورد ابتلا در باب قرض و دیون این است که فرض کنیم شخصی به دیگری ده میلیون تومان قرض داده و زمان بازپرداخت آن دو سال بعد باشد. بدیهی است امکان تغییر ارزش پول وجود دارد؛ در این صورت تکلیف چیست؟

پاسخ این است که بهترین راه شرعی ممکن در این زمینه «مصالحه» است؛ بدین معنی که طرفین (قرض دهنده و قرض گیرنده) با یکدیگر توافق نموده، مسئله را فیصله دهند؛ در غیر این صورت، لازم است از مرجع تقلید خود کسب تکلیف نمایند. [(2)](#)

1- اجرتی که در بازار برای چیزی در نظر گرفته می شود.

2- البته اگر نظام پولی کشورهای اسلامی بر پایه طلا و نقره باشد (نه بر پایه اسکناس و پول اعتباری) این مشکل اتفاق نمی افتد.

پول و جنس

لازم نیست آن چه به عنوان قرض پرداخت و بازپرداخت می شود، «پول» باشد؛ بلکه می توان «جنس» را به عنوان قرض تلقی کرده؛ اعم از این که «مثلی» باشد یا «قیمی». مثلاً قرض این موارد اشکال ندارد: سکه بهار آزادی، حبوبات، آرد، روغن و برنج.

البته آنچه ذکر شد مشروط به «منضبط» بودن است؛ بدین معنی که بتوان تعریف خاصی از چیز قرض گرفته شده و اوصاف آن ارائه کرد تا بعداً سبب نزاع و اختلاف نشود.

صندوق خانوادگی

برخی خانواده ها، کارمندان، گروه ها و دوستان، صندوقی بر قرار ساخته و هر یک از اعضا، مقداری از پول خود را در آن صندوق قرار می دهند و در فواصل معین، طبق قرعه هرکس می تواند درخواست قرض کند و به هر یک از اعضا قرض داده می شود؛ حکم مسئله مزبور چیست؟

جواب: هیچ اشکال شرعی بر این مورد مترتب نیست؛ علت مطلب این است که آنچه سبب اشکال می شود

وجود دو امر باهم است :

الف) قرض دادن: در حالی که برخی از کسانی که پول خود را در آن صندوق قرار می دهند، قرض نمی دهند؛ بلکه به طور «امانت» در صندوق می گذارند.

ب) شَرط: در حالی که افرادی که پول خود را در صندوق می گذارند، قرار دادن پول را به چیزی مشروط نمی کنند؛ بلکه آن را نوعی تعاون و همکاری در کار خیر تلقی می کنند.

به عبارت دیگر، چیزی که سبب حرمت قرض می شود، قرض دادن همراه شرط است؛ گرچه آن شرط، قرض دادن طرف مقابل باشد.

از آن چه ذکر شد، حکم مسئله دیگر روشن می شود و آن این که اگر فرد یا افرادی پول خود را به دیگری قرض دهند، «مشروط» به این که پس از مدتی او به همان مقدار یا بیشتر و کمتر قرض دهد؛ باطل و حرام خواهد بود.

استفتا از آیت الله بهجت

سوال: آیا قرض به شرط قرض، جایز است؟

جواب: خیر، جایز نیست. (1)

1- استفتائات آیت الله بهجت، ج 3، ص 280.

احکام قرض دهنده

اشاره

قبل از بیان احکام قرض دهنده به دو نکته باید توجه کرد:

الف) عمل صالح: شکی نیست که قرض الحسنه، یک «عمل صالح» است که واجد خیر و برکاتی است و آنچه در بحث «اهمیت قرض الحسنه» گذشت، ثابت کننده مدعای ما است. بر این اساس، چنانچه قرض دهنده هدف خود را خالص برای خدا بگرداند، مصداق «وَ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ أَصْحابُ الْجَنَّهِ هُمْ فیها خالِدُونَ»(1) خواهد بود.

ب) استحباب: استحباب قرض دادن مورد اتفاق فقها

ص: 110

1- بقره: 82: «و آنها که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده اند، آنان اهل بهشتند؛ و همیشه در آن خواهند ماند».

می باشد. مراجع تقلید فرموده اند:

قرض دادن از کارهای «مستحبی» است که در آیات قرآن و اخبار راجع به آن زیاد سفارش شده است. از پیغمبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم) روایت شده است:

هر کس به برادر مسلمان خود قرض بدهد، مال او زیاد می شود و ملائکه بر او رحمت می فرستند. اگر با بدهکار خود مدارا کند، بدون حساب و به سرعت از صراط می گذرد. کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و ندهد، بهشت بر او حرام می شود. (1)

یادآوری این نکته مناسب است که چه بسا قرض دادن واجب شود؛ مانند اینکه حفظ جان مسلمانی، متوقف بر قرض دادن باشد.

شرایط قرض دهنده

اشاره

لازم است قرض دهنده دارای شش شرط باشد :

بلوغ، عقل، قصد، اختیار، رشد و عدم افلاس. (2)

اینک به بررسی هر کدام می پردازیم:

1- توضیح المسائل امام خمینی، ص 476.
2- المسائل المنتخبه، ص 353.

الف) بلوغ

«بلوغ»، شرعاً دارای تعریف خاصی است و آن عبارت است از:

اول. رسیدن به پانزده سالگی قمری (یا احتلام، گرچه قبل از پانزده سالگی قمری اتفاق افتد) در مورد پسر.

دوم. رسیدن به نُه سالگی قمری در مورد دختر.

علت اینکه قرض دهنده باید «بالغ» باشد؛ این است که غیر بالغ، با اینکه مالک اموال خود است؛ اما «محجور التصرف» بوده، شرعاً نمی تواند اموال خود را مدیریت کند.

ب) عقل

«عقل» بر خلاف بلوغ، دارای تعریف شرعی نیست، بلکه هرکسی به حسب قضاوت عرفی «دیوانه» باشد، احکام جنون بر او مترتب می گردد. [1]

یکی از احکام جنون آن است که مجنون مالک اموالش [2] هست؛ ولی نمی تواند در آنها تصرف نماید؛

1- البته این مطلب را نیز نباید از ذهن دور داشت که «الجنون فنون»؛ یعنی دیوانگی دارای مراتبی است و هر مرتبه ای از آن که محقق شود، آثار شرعی جنون نیز مترتب می گردد.
2- چه اموالی که زمان عاقل بودنش تهیه کرده و چه بعد از آن، مثل اینکه مالی به وی بخشیده شود.

بلکه مدیریت اموال مجنون با ولیّ او خواهد بود.

ج) قصد

از اصول مسلّم و بدیهی نزد فقها آن است که قراردادها پیرو قصد است و در واقع قراردادها زمانی صحیح است که در آنها «عزم قرارداد» وجود داشته باشد.(1)

قرار داد قرض یکی از مصادیق قانون مزبور است و لازم است قرض دهنده مالی را به عنوان «قرض» به متقاضی وام بپردازد؛ نه به عنوان رهن یا هدیه یا عناوین دیگر.

براین اساس، چنانچه به عنوان شوخی، در عالَم خواب، نقش بازی کردن یا به اشتباه بگوید قرض دادم، عمل او قرض محسوب نمی شود.

د) اختیار

همه قرار دادها و از جمله قرض، زمانی صحیح هستند که از روی «رضایت» و «اختیار» انجام شود. بر این اساس؛ معامله ای که از روی «اکراه» و «اجبار» واقع شده باطل می باشد؛ مگر اینکه رضایت بعدی به دنبال آن باشد.

1- مطلب مزبور را فقها در این عبارت بیان فرموده اند: «العقود تابعه للقصود».

ه-) رشد

«رُشد»، یکی دیگر از شرایط مدیریت اموال است. مقصود از رشد این است که شخص، «سفیه» نبوده، بلکه دارای فکر اقتصادی باشد تا افراد سود جو، به راحتی نتوانند اموال او را از ملکیت او خارج کنند. قرآن به نکته مزبور تصریح کرده، اجازه نداده است اموال، در اختیار «سُفهاء» قرار گیرد.(1) علاوه بر این، قرآن مجید اذعان می دارد کسانی که اموال ایتام صغار در اختیار آنان است، پس از این که ایتام به حد بلوغ رسیدند، نمی توانند بلافاصله آن اموال را در اختیارشان قرار دهند، بلکه اول باید ایشان را «امتحان» کنند؛ چنانچه به رشد آنها اطمینان پیدا کردند، اموال آنها را در اختیارشان قرار دهند.(2)

بر این اساس، فُقَها شرط تسلّط افراد بر دارایی های

1- . نساء: 5: «وَ لا تُؤْتُوا السُّفَهاءَ أَمْوالَكُمُ الَّتی جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِياماً وَ ارْزُقُوهُمْ فیها وَ اكْسُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلاً مَعْرُوفاً»؛ اموال خود را، که خداوند آنها را وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید و از آن، به آنها روزی دهید و لباس بر آنان بپوشانید و با آن آنها سخن شایسته بگویید

2- نساء: 6: «وَ ابْتَلُوا الْيَتامی حَتَّی إِذا بَلَغُوا النِّكاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْداً فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوالَهُمْ»؛ وقتی یتیمان به بلوغ برسند، آنها را بیازمایید؛ اگر در آنها رشد یافتید، اموالشان را به آنها بدهید.

خود را مقوله رشد و عدم سفاهت می دانند.

نتیجه مطالب مزبور این خواهد بود که قرض دهنده باید دور از سفاهت و دارای رشد باشد.

و) عدم افلاس

در مبحث افلاس به معنی و بیان احکام آن خواهیم پرداخت؛ اما در اینجا به طور اجمال اشاره می کنیم که یکی از شرایط قرض دهنده این است که «مُفَلّس» نباشد.

مقصود از مُفَلّس کسی است که افلاس وی نزد حاکم شرع ثابت شده و حاکم شرع، به افلاس وی حکم کرده باشد.

قرض ولیّ

سؤال: آیا «ولیّ» (پدر، و در صورت فقدان وی، جد پدری) می تواند اموال افراد مُوَلّی علیه (کودک، مجنون و سفیه) را به شخص ثالث قرض دهد؟

جواب: شارع مقدس، که پدر و جد پدری را به عنوان «ولی» افراد مزبور معرفی نموده، به علت این است که آنها از مصلحت مُوَلّی علیه مُطّلع می باشند.(1) بر این اساس، تصرفات «ولی» دایر مدار «مصلحت» افراد ذکر شده خواهد بود، نه به طور مطلق؛ یعنی چنانچه برداشتن اموال

1- نه به علت احترام.

مُوَلّی علیه و قرض دادن به شخص ثالث، به نفع مُوَلّی علیه باشد،(1) «ولی» می تواند از اموال آنان قرض دهد؛ در غیر این صورت، حق ندارد.(2)

عدم اشتراط اسلام

لازم نیست قرض دهنده مسلمان باشد، بلکه کافر نیز می تواند قرض دهد؛ اعم از اینکه قرض گیرنده مسلمان باشد یا کافر.

البته اگر قرض دهنده کافر و قرض گیرنده مسلمان است، نباید قرض به گونه ای باشد که سبب تسلط کافر و ذلت مسلمان گردد؛ بلکه لازم است قرار داد وام، برمبنای «احترام متقابل» صورت گیرد؛ قرآن مجید می فرماید:

«وَ لَنْ یَجْعَلَ اللَّهُ لِلْکافِرینَ عَلَی الْمُؤْمِنینَ سَبیلاً»؛(3) خداوند هرگز برای تسلط کافران بر مؤمنان راهی قرار نداده است.

1- مانند اینکه با قرض دادن به دیگری، اموال مُوَلّی علیه محفوظ یا محفوظ تر می ماند؛ و امثال آن.
2- موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، ج 2، ص 210.
3- نساء: 141.

عدم مِنّت گزاری

قرض دادن آنگاه ارزشمند و دارای ثواب است که با «مِنّت» همراه نباشد؛ در غیر این صورت، بهره ای از ثواب در آن نخواهد بود.

قرآن مجید، عمل همراه منّت را مانند «عمل ریایی»(1) و «عمل کافران» شمرده، می فرماید:

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تُبْطِلُوا صَدَقاتِکُمْ بِالْمَنِ وَ الْأَذی کَالَّذی یُنْفِقُ مالَهُ رِئاءَ النَّاسِ وَ لا یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ کَمَثَلِ صَفْوانٍ عَلَیْهِ تُرابٌ فَأَصابَهُ وابِلٌ فَتَرَکَهُ صَلْداً لا یَقْدِرُونَ عَلی شَیْ ءٍ مِمَّا کَسَبُوا وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرینَ»(2)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! بخشش های خود را با منّت و آزار، باطل نسازید. همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می کند؛ و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی آورد؛ [کار او] همچون قطعه سنگی است که بر آن، [قشر نازکی از] خاک باشد؛ [و بذرهایی در آن افشانده شود؛] و رگبار باران به

1- کار برای غیر خدا و به رُخ دیگران کشیدن.

2- بقره: 264.

آن برسد، [و همه خاک ها و بذرها را بشوید،] و آن را صاف[و خالی از خاک و بذر] رها کند. آنها از کاری که انجام داده اند، چیزی به دست نمی آورند؛ و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی کند.

رهن و ضامن

قرض دهنده می تواند از قرض گیرنده تقاضای «ضامن» و «رهن» کند؛ که اگر بدهکار، وام خود را نپرداخت، بتواند از گرو یا ضامن در جهت دریافت طلب خود استفاده کند.

در فصل «ضامن» و «رهن» در این زمینه بیش تر سخن خواهیم گفت.

قرض حرام

قرض دادن به خودی خود مستحب است؛ اما در برخی موارد حرام می شود:

الف) قرض دادن به کسی که به طور یقین، آن را در حرام مصرف می کند: علت حرمت، آن است که چنین قرض دادنی همکاری بر ارتکاب گناه محسوب می شود. قرآن می فرماید:

«وَ لا تَعاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ

ص: 118

اللَّهَ شَدیدُ الْعِقابِ»؛[1] در راه گناه و تعدّی همکاری ننمایید و از خدا بپرهیزید؛ [چرا که] مجازات خدا شدید است!

ب) قرض دادن بعد از حصول استطاعت: چنانچه مالی نصیب شخص شده (به وسیله در آمد یا غیر آن) که بتواند با آن حج رود، حق ندارد آن پول را قرض دهد یا صرف کار دیگر کند بلکه موظف است برای رفتن به حج اقدام کند.

ج) قرض دادن در صورتی که به آن پول برای خرجی واجب النفقه نیاز است: زیرا خرجی واجب النفقه در اولویت قرار دارد، بر وام دادن به دیگران مقدم می باشد. به عبارت دیگر، انجام دادن واجب بر انجام دادن مستحب مقدم است.

د) قرض دادن چیزهای حرام که شرعاً قابل تملک نبوده و قرض دادن آنها سبب ترویج فساد و منکری گردد: مانند قرض دادن شراب و مواد مخدر و هر چیزی که از این قبیل باشد.

ه-) قرض دادن از مال دیگری که صاحبش به تصرف

1- مائده: 2.

در آن راضی نیست.

و) قرض دادنی که همراه ربا و شرط اضافه باشد.

قرض دادن در مرض منجر به فوت

تصرفات مریض در مرض منجر به فوت به دو دسته تقسیم می شود:

الف) داد و ستدی صورت می گیرد که چیزی از ملک مریض خارج شده و چیز دیگر به همان مقدار یا بیشتر بر می گردد؛ اینگونه تصرفات فاقد اشکال است؛

ب) داد و ستد به گونه ای نیست که چیزی از ملک مریض خارج شده و چیز دیگر به همان مقدار یا بیش تر بر گردد؛ مانند فروختن مال به کمتر از سرمایه، نذرکردن اموال، صدقه دادن و بخشش.

این گونه تصرفات در مرض منجر به فوت، مورد اختلاف فتاوا است. بعضی از فقها، اینگونه تصرفات را جایز ندانسته و اجازه ورثه را لازم می دانند.

بر این اساس، در مورد تصرفاتی از این قبیل، لازم است احتیاط و از این اقدام ها خودداری گردد یا اینکه هر شخص به رساله مرجع تقلید خود مراجعه و کسب تکلیف کند.

سؤال: در مرض منجر به فوت، قرض دادن جایز است؟

جواب: چنانچه قرض دهنده به قرض گیرنده مطمئن است، می تواند قرض دهد؛ در غیر این صورت، باید احتیاط کرده از قرض دادن خودداری نماید یا به رساله مرجع تقلیدش مراجعه کند. (1)

مال حلال

قرض در صورتی صحیح است که از «مال حلال» باشد نه مال دیگران. بنابراین، قرض دادن از مال مردم، رشوه، اختلاس، دزدی، غصب و... نه تنها کار خیر نبوده و ثوابی در آن نیست، بلکه گناه آن بیشتر می شود.

می توان این گونه امور را تشبیه کرد به «وضو گرفتن با شراب»، یا مانند اینکه کسی با لجن بر دیوار بنویسد «نظافت را رعایت کنید»! (2)

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 680 و سؤال و جواب، سید یزدی، ص 396.

2- در این ما جرا که امام صادق(علیه السّلام) نقل می فرمایند دقت کنید: «شنیدم مردم مدح و ثنای شخصی را بازگو می کنند؛ در صدد برآمدم بدون اینکه آن شخص مرابشناسد احوال او را جست وجو کنم. صورت خود را پوشانده و در پی او برآمدم. دیدم نزد نانوا رفته، مخفیانه از مغازه او دو عدد نان دزدید! تعجب نموده، با خود گفتم شاید معامله ای در بین بوده است؛ آنگاه دیدم، نزد شخص دیگری آمده از او دو انار دزدید! تعجب نموده، باز پنداشتم شاید معامله ای دربین بوده است؛ ولی با خود گفتم اگر معامله بوده به دزدی نیاز نیست. پی او را گرفتم تا اینکه دیدم به مریضی برخورد کرد و نان و انار را نزد او گذاشت. در تعقیب وی برآمدم تا این که در بیابانی مستقر شد؛ نزد او رفته، به وی گفتم من توصیف تو را شنیده بودم؛ لکن کاری از تو دیدم که فکر مرا مشغول ساخته است. پاسخ داد: خداوند هر گناهی را فقط یک برابر محسوب می کند؛ اما کار خیر را ده برابر پاداش می دهد؛ پس من چهار گناه کردم؛ و لی چهل کار خیر انجام دادم! بنابراین، عدد چهار را که از چهل کم کنیم، سی و شش باقی می ماند؛ پس من سی و شش کار خیر انجام دادم! امام صادق(علیه السّلام) می فرمایند: به او گفتم: مادرت به عزایت بنشیند! مگر نشنیده ای که

خداوند می فرماید: « إِنَّما یَتَقَبَّلُ اللّهُ مِنَ الْمُتَّقِینَ»؛ خداوند از پرهیزکاران قبول می نماید؛! تو با دزدی هایت چهار گناه کردی، آنگاه آنگاه مال مردم را به دیگری بخشیدی و چهار گناه دیگر مرتکب شدی» (معانی الاخبار، ص 33 و احتجاج، ج 2، ص 368).

لازم است قرض دهنده توجه داشته باشد که آنچه را قرض داده، با چهار شرط متعلَق «خمس» می گردد:

الف) یک سال از مالک بودن بر آن مال بگذرد؛

ب) قرض قابل وصول بوده، امکان بازپرداخت وجود داشته باشد؛

ج) مال قرض داده شده از چیزهایی باشد که خمس به آن تعلق می گیرد؛ مثل اینکه از راه درآمد به دست آمده باشد؛ (1)

1- این شرط، مورد اتفاق فقها نیست؛ بلکه برخی از فقیهان در هر آن چه عاید انسان شود و از سر سال خمسی زیاد بیاید، خمس را واجب می دانند.

د) قبلا خمس آن پرداخت نشده باشد.

استفتا از مرحوم امام خمینی : شخصی پولی از دولت طلب دارد و دولت می خواهد پول را یکجا به ایشان بپردازد؛ اگر شخص بخواهد پول را در کارهای خیر، مثل تعمیر مساجد یا قبرستان یا جبهه خرج کند، آیا باید خمس آن را بپردازد یا خیر؟

جواب : اگر از در آمد کسب و حقوق است، باید خمس آن را بپردازد؛ مگر آن که در بین سال صرف خیرات شود. (1)

علت وجوب خمس در مورد طلب، آن است که طلبی که شخص از دیگری دارد، یکی از املاک وی محسوب می شود.

استطاعت و طلب

قرض دهنده باید طلب را «استطاعت » بداند؛ بدین معنی که فرض کنیم کسی پولی را به دیگری قرض داد و در آن وقت، «استطاعت بدنی(2) یا طریقی»(3) برای رفتن به حج برای قرض دهنده وجود نداشت یا با آن پول استطاعت حاصل نمی شد؛ ولی پس از زمانی استطاعت

1- استفتائات امام خمینی، ج 1، ص 351
2- مثلا مریض نباشد.
3- راه حج مسدود نباشد.

بدنی یا طریقی حاصل شد یا اینکه پول دیگری نصیب قرض دهنده شد که به ضمیمه قرضی که داده، توانایی رفتن به حج مُیَسّر شود؛ در این صورت آن طلب جزء مایملک وی به شمار می رود. پس، در اینجا سه حالت متصور است:

الف) قرضی که داده بدون زمان بوده است؛ در این صورت، طلبکار موظف است طلب خود را از قرض گیرنده دریافت کند و حج برود؛ مشروط بر اینکه قرض گیرنده بتواند پرداخت کند.

ب) قرضی که داده دارای زمان بوده و زمان آن فرا رسیده است؛ در این صورت نیز طلبکار موظف است طلب خود را از قرض گیرنده دریافت کند و حج برود؛ مشروط بر اینکه قرض گیرنده بتواند پرداخت کند.

ج) قرضی که داده دارای زمان بوده و هنوز زمان آن فرا نرسیده است؛ در این صورت، طلبکار موظف است تا زمان موعد صبر کند و پس از این که موعد وصول فرا رسید طلب خود را دریافت کند و حج برود.

سؤال : آیا در صورتی که بدهکار از پرداخت، امتناع می نماید و از سوی دیگر، طلب به قدر استطاعت حج

ص: 124

باشد، بر طلبکار لازم است برای وصول خود به دادگاه یا مراجع ذی صلاح مراجعه کند؟

پاسخ : اگر مراجعه به دادگاه، سبب عسر و حرج نمی شود، لازم است اقدام نماید. (1)

ارث و طلب

کسی که از دیگری طلبکار است و از دنیا رفته، طلب وی بخشی از دارایی های او به شمار می رود و به ارث می رسد. بنابراین، پس از موت طلبکار، ورّاث وی، طلبکار محسوب شده و مدیون باید مقدار بدهی را به آنان پرداخت کند.

سؤال : آیا حقوق باز نشستگی پس از فوت کارمند، به همه وارث می رسد، یا مال شخص خاصی مثل همسر است؟

پاسخ : آن چه در زمان باز نشستگی پرداخت می شود، به دو صورت تقسیم می گردد:

الف) از حقوق زمان کارمندی کم شده و در زمان باز نشستگی پرداخت شود؛ در این صورت، طلب محسوب شده و به همه ورّاث می رسد.

1- مناسک محشی، ص 38.

ب) حقوقی است که خود دولت، شرکت یا مؤسسه، بعد از فوت بازنشسته، تصمیم می گیرد به باز نشسته پرداخت کند؛ در این صورت، مختص همان شخص است و شامل بقیه نمی شود. (1)

تذکر مهم:

نکته قابل ذکر، اینکه «شرکت های بیمه» حق دخالت در قانون «ارث» شرعی را ندارند و نمی توانند آنچه را مال میت بوده و «ارث» محسوب می شود، به برخی از وراث بپردازند و از پرداخت آن به دیگر ورّاث خودداری کنند.

بی نیازی و طلب

کسی که از دیگری طلب قابل وصول دارد و مقدار طلب، او را از مخارج زندگی بی نیاز می کند، بی نیاز محسوب شده و احکام «غنی» بر وی مترتب می گردد. بر این اساس، او :

نمی تواند زکات را به دلیل فقر بگیرد؛ (2)

چنانچه سید است، نمی تواند سهم سادات دریافت

1- علت حکم مزبور این است که مبلغ پرداخت شده، اعطای جدید محسوب گشته و دایر مدار تصمیم عطاکننده است.
2- ولی پرداخت زکات از جهات دیگر اشکال ندارد؛ مثل این که جزء «عاملین» یا «مؤلفه قلوبهم» باشد.

کند؛

خرجی او بر پدر و مادر و فرزندش واجب نیست؛

زکات فطره بر او واجب است.

البته آنچه گفته شد، به این نکته مشروط است که قرض بدون مدت بوده یا مدت داشته و موعد آن فرا رسیده باشد؛ ولی اگر قرض مدت دار باشد و موعد آن هنوز فرا نرسیده و از طرفی قرض دهنده محتاج ضروریات زندگی باشد؛ فقیر محسوب می شود. (1)

تهیه مدارک

شایسته نیست قرض دهنده از تهیه مدارک غفلت ورزد.

امام صادق(علیه السّلام) فرمودند: چند گروه دعایشان مستجاب نیست:

یکی از آن ها کسی است که بدون گرفتن شاهد مال خود را قرض دهد، چنین شخصی اگر مالش مورد انکار قرار گیرد و دعا کند، دعایش مستجاب نمی شود؛ زیرا خطاب می شود مگر ما دستور ندادیم

1- آنچه آوردیم از تعریف «فقیر» در کلام فقها مشخص می گردد.

به گرفتن شاهد. (1)

سخن امام صادق(علیه السّلام) به برخی آیات قرآن(2) مشعر است که برگرفتن شاهد، هنگام قرض دادن سفارش و تأکید می کند.

تقاص

کسی که به دیگری قرض داده، چنانچه مدارک لازم را تهیه نکرده باشد و از سویی بدهکار، منکر بدهی خود باشد؛ در این صورت، می تواند به مقدار طلب خود از اموال بدهکار بردارد؛ مشروط بر اینکه به بقای طلب خود یقین داشته باشد و تقاص وی سبب فتنه نگردد.

البته در این که آیا جواز تقاص، به اذن حاکم شرع مشروط است یا نه؛ لازم است به رساله فقها مراجعه شود.

انتظار و عدم آن

همه مراجع تقلید فرموده اند: اگر در صیغه قرض برای پرداخت آن «مدت» قرار دهند، طلبکار قبل از تمام شدن آن مدت نمی تواند طلب خود را مطالبه کند؛ ولی اگر قرض، مدّت نداشته باشد، طلبکار هر وقت بخواهد،

1- کافی، ج 2، ص 511.
2- بقره: 282: «... وَ اسْتَشْهِدُوا شَهیدَیْنِ مِنْ رِجالِکُمْ ...».

می تواند طلب خود را مطالبه کند. (1)

دریافت زودتر از موعد

اگر بدهکار زودتر از موعد، بدهی خود را حاضر کرد؛ آیا قبول کردن آن بر طلبکار لازم است؟

مرحوم امام خمینی و برخی دیگر از مراجع تقلید این مورد را به دو قسم تقسیم نموده، چنین پاسخ می دهند:

اگر در قرض، شرط کنند که آنرا در وقت معیّن بپردازند، لازم نیست طلبکار، طلب خود را قبل از رسیدن آن وقت قبول کند؛ ولی اگر تعیین وقت فقط برای همراهی با بدهکار باشد، چنانچه پیش از آن وقت هم قرض را بدهند، باید قبول نماید. (2)

دیرکرد

لازم است طلبکاران توجه داشته باشند که در شرع، چیزی به نام «دیرکرد» وجود ندارد و طلبکار نمی تواند مبلغی را بهعنوان دیر کرد از بدهکار بگیرد؛ و اگر گرفت، مال خودش نمی شود. در این حکم بین بانک، مؤسسات و اشخاص حقیقی تفاوتی وجود ندارد؛ مگر این که عنوانی مانند

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 391.
2- همان.

آنچه در بحث جریمه تأخیر ذکر نمودیم منطبق گردد که در این زمینه نیز مراجعه به رساله توضیح المسائل لازم است.

شکایت به حاکم شرع

اگر مقروض یا مدیون، مالی دارد و از پرداخت بدهی خودداری می کند و زمان ادای دین هم رسیده یا اینکه وام بدون مدت بوده است؛ طلبکار می تواند به حاکم شرع یا نماینده وی (مثل دادگاهِ تحت نظارت حاکم شرع) مراجعه و وصول طلب خود را تقاضا کند.

در صورت مزبور، حاکم شرع یا نماینده وی موظف است در اموال مدیون تفحص کند؛ چنانچه ملکی اضافه بر ضروریات زندگی دارد، مدیون را به فروش و ادای دین مجبور کند و چنانچه نپذیرفت، خود حاکم شرع یا دادگاه منتسب به وی به فروختن مال و پرداخت طلب طلبکار اقدام کند.

مستثنیات دین

اگر بدهکار، توانایی پرداخت نداشته و غیر از لوازم اولیه زندگی چیز دیگری ندارد، طلبکار و دادگاه نمی تواند آنها را بفروشد و طلب خود را دریافت کند.

از این گونه امور در فقه به «مستثنیات دین» تعبیر

ص: 130

می شود. البته این که چه چیزهایی جزء ضروریات زندگی شمرده می شود، برحسب زمان، مکان، و افراد، متغیر است. ممکن است چیزی در زمان یا مکان یا برای فردی ضروری باشد؛ ولی در زمان یا مکان یا برای فرد دیگر ضروری محسوب نشود.

محاسبه زکات

چنانچه مستحق زکات (هر یک از اصناف هشتگانه آن)[(1)] از کسی قرض کند، طلبکار می تواند به او قرض بدهد و زمانی که زکات بر وی واجب شد، آن چه را به مستحق داده است، بابت زکات حساب کند. [(2)]

با توجه مطلب مذکور، سه حالت متصور است:

الف) مقدار زکات و قرض یکی باشد؛ در این صورت، نه طلبکار طلب خود را مطالبه می کند و نه لازم است زکات بپردازد.

ب) مقدار قرض بیش از مقدار زکات باشد؛ در این صورت، فقط مقدار اضافه بر زکات از بدهکار دریافت می شود.

1- آنها عبارتند از: 1. فقیر، 2. مسکین، 3. عامل زکات، 4. بدهکاران، 5. برخی از کفار، 6. آزاد کردن برده، 7. در راه خدا، 8. در راه مانده.
2- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 145.

ج) مقدار زکات بیش از مقدار قرض باشد؛ در این صورت، طلبکار قبلی فقط مقدار باقی مانده را به عنوان زکات پرداخت می کند.

تذکر: محاسبه زکات به این نکته مشروط است که مستحق زکات بر صفت استحقاقی خود باقی باشد؛ مثلا چنانچه فقیری از کسی قرض گرفته، محاسبه بدهی بهعنوان زکات در صورتی جایز است که هنوز آن شخص، فقیر و مستحق اخذ زکات باشد.

محاسبه خمس

شخصی که از فقیر سید طلب دارد می تواند طلب خود را بابت سهم سادات حساب کند؛ ولی لازم است در این زمینه از مرجع تقلید خود اجازه داشته باشد.

خمس مشتمل بر دو قسمت است: «سهم امام(علیه السّلام)» و «سهم سادات».

سهم امام(علیه السّلام) باید به ولیّ فقیه یا مرجع تقلید تحویل گردد تا در مصارف دینی به کار رود. سهم سادات مختص سادات فقیر، یتیم و در راه مانده است که پرداخت آن به این مصادیق اجازه از مرجع تقلید را لازم دارد.

امام خمینی می نویسند:

کسی که از مستحقّ طلبکار است و می خواهد طلب خود را بابت خمس حساب کند؛ بنابر احتیاط واجب باید خمس را به او بدهد و پس از آن، شخص مستحق، آنرا بابت بدهی خود به او برگرداند؛ ولی اگر با اذن حاکم شرع باشد، این احتیاط لازم نیست. (1)

مهلت دادن به بدهکار

یکی از مسائل مورد ابتلای باب قرض و دین، ناتوانی بدهکاران و تأخیرهایی است که به این سبب صورت می گیرد.

امروزه زندانیان فراوانی به علت اصرار طلبکاران، به زندان افتاده و از خانواده و جامعه جدا شده اند.

سفارش اسلام و فقه شیعه این است که مستحب است طلبکار در صورتی که بدهکار از ادای دین خود ناتوان است، به وی «مهلت» دهد.

خداوند برای گرفتن «مهلت»، از طلبکاران درخواست کرده در صورت عجز بدهکار، بر دریافت طلب خود اصرار نکنند و حتی بدهکار را ببخشند و برای همیشه از خیر طلب خود بگذرند:

1- توضیح المسائل امام خمینی، ص 381.

«وَ إِنْ کانَ ذُو عُسْرَهٍ فَنَظِرَهٌ إِلی مَیْسَرَهٍ وَ أَنْ تَصَدَّقُوا خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛(1) چنانچه [بدهکار] قدرت پرداخت نداشته باشد، او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید! و اگر به او ببخشید بهتر است؛ اگر[منافع این کار را] بدانید!

در روایات معصومین(علیهم السّلام) نیز پاداش بسیار زیادی برای مهلت دادن از سوی طلبکار بیان شده است.(2)

به مورد ذیل توجه کنید:

امام صادق(علیه السّلام) سه مرتبه فرمودند : مَن أَرَادَ أَنْ یُظِلَّهُ اللَّهُ یَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ قَالَهَا ثَلَاثاً فَهَابَهُ النَّاسُ أَنْ یَسْأَلُوهُ فَقَالَ فَلْیُنْظِرْ مُعْسِراً أَوْ لِیَدَعْ لَهُ مِنْ حَقِّهِ؟ کیست که بخواهد در روزی [=قیامت] که سایهای نیست، در سایه خدا قرار گیرد؟

مردم از عظمت مطلب یا شدت تعجب نتوانستند پاسخ دهند. آن گاه خود حضرت پاسخ دادند: به ناتوان مهلت دهد یا از حق خود بگذرد. (3)

ص: 134

1- بقره: 280.
2- در کتاب شریف «کافی» باب مستقلی تحت عنوان «بابُ إِنْظَارِ الْمُعْسِرِ» (باب مهلت دادن به ناتوان) منعقد شده است.
3- کافی، ج 4، ص 35؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 59 و وسائل الشیعه، ج 16، ص 31.

در روایت دیگری فرمودند:

قَالَ خَلُّوا سَبِيلَ الْمُعْسِرِ كَمَا خَلَّاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛(1) راه فقیر را واگذارید (و بر او فشار نیاورید) همان گونه که خدای عزّ و جلّ راه او را باز گذاشته (و از او مطالبه زکات فطره ننموده است).

امام صادق(علیه السّلام) چنین نقل می کنند:

روزی پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم) برمنبر رفته حمد و ثنای خدا را به جا آوردند؛ سپس فرمودند: ای مردم! حاضران به غایبان اطلاع دهند! توجه داشته باشید کسی که به ناتوان مهلت دهد، حق اوست که خدای عز وجل در هر روزی به مثل مالش برای وی صدقه حساب کند تا وقتی که طلبش را دریافت نماید.

سپس امام صادق(علیه السّلام) با اقتباس از «آیه إمهال»(2)

1- کافی، ج 4، ص 35؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 59 و وسائل الشیعه، ج 16، ص 320.

2- «وَ إِنْ كانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلی مَيْسَرَةٍ وَ أَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» و اگر (بدهکار،) قدرت پرداخت نداشته باشد، او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید! [و در صورتی که براستی قدرت پرداخت را ندارد] برای خدا به او ببخشید، بهتر است؛ اگر [منافع این کار را] بدانید. (بقره: 280)

فرمودند:

اگر [بدهکار] توانایی نداشت به او مهلت دهید تا وضع مالی وی خوب شود و صدقه دادن برای شما بهتر است؛ اگر می دانید توانایی پرداخت ندارد. پس، مالتان را صدقه دهید؛ این برای شما بهتر است. (1)

ص: 136

1- عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ(علیه السّلام) قَالَ: «صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ(صلّی الله علیه و آله وسلّم) الْمِنْبَرَ ذَاتَ یَوْمٍ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَی عَلَیْهِ وَ صَلَّی عَلَی أَنْبِیَائِهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمْ ثُمَّ قَالَ: أَیُّهَا النَّاسُ لِیُبَلِّغِ الشَّاهِدُ مِنْکُمُ الْغَائِبَ أَلَا وَ مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِراً کَانَ لَهُ عَلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِی کُلِّ یَوْمٍ صَدَقَهٌ بِمِثْلِ مَالِهِ حَتَّی یَسْتَوْفِیَهُ ثُمَّ قَالَ أَبُوعَبْدِاللَّهِ(علیه السّلام): «وَ إِنْ کانَ ذُو عُسْرَهٍ فَنَظِرَهٌ إِلی مَیْسَرَهٍ وَ أَنْ تَصَدَّقُوا خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُعْسِرٌ فَتَصَدَّقُوا عَلَیْهِ بِمَالِکُمْ فَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ» (کافی، ج 4، ص35 و وسائلالشیعه، ج 16، ص 320).

احکام قرض گیرنده

اشاره

«قرض» همانند سایر مؤلفه های رایج در تعاملات اجتماعی، دارای احکام ویژه است؛ اما قبل از آن نکته ای در خصوص اصل این مؤلفه بیان و سپس احکام آن مطرح می شود.

قرض گرفتن، دارای احکامی است:

جواز قرض

برخی موارد، چاره ای جز «قرض گرفتن» وجود ندارد. در این صورت، نه تنها اشکالی در تقاضای وام وجود ندارد، بلکه ممکن است مستحب یا واجب شود. به این حدیث توجه کنید:

ص: 137

مُعَاوِیَهَ بْنِ وَهْبٍ[1] می گوید:

به امام صادق(علیه السّلام) عرض کردم: برای ما نقل شده که مردی از یاران پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم) از دنیا رفت، در حالی که دو دینار مدیون بود؛ به همین سبب حضرت بر او نماز میت نخواندند، بلکه به یارانشان دستور دادند بر او نماز بخوانند؛ وقتی که یکی از یاران آن حضرت، ادای دین او را برعهده گرفت، حضرتش بر جنازه وی نماز خواندند. [آیا این نقل صحیح است؟].

امام صادق(علیه السّلام) فرمودند : این داستان صحیح است. آنگاه ادامه دادند : إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِکَ لِیَتَّعِظُوا وَ لِیَرُدَّ بَعْضُهُمْ عَلَی بَعْضٍ وَ لِئَلَّا یَسْتَخِفُّوا بِالدَّیْنِ. پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم) این کار را انجام دادند تا دیگران پند گرفته، بدهی را برگردانند و قرض را سبُک نشمارند [چگونه ممکن است قرض گرفتن، امر بدی باشد، در حالی که خود] پیامبر(صلّی الله علیه و آله وسلّم) از دنیا رفتند و مدیون بودند؛ امیرالمؤمنین(علیه السّلام) به شهادت رسیدند، در حالی مدیون بودند؛ امام حسن مجتبی(علیه السّلام) از دنیا رفتند، در حالی که مدیون بودند؛ امام حسین(علیه السّلام) به شهادت رسیدند در حالی

1- از اصحاب امام صادق(علیه السّلام).

که مدیون بودند! (1) [پس اصل قرض و مدیون بودن مذموم نیست، بلکه ناپسند جایی است که شیوه پرداخت دین معلوم نباشد و کسی پرداخت آن را برعهده نگرفته باشد و مدیون، از دنیا برود].

کراهت در صورت عدم نیاز

این نکته مورد اتفاق فقها است که «یکره الدین مع القدره» (2)؛ انسانی که می تواند بدون قرض گرفتن، امور خود را بگذراند، مکروه است که قرض بگیرد.

فتوای مزبور، برگرفته شده از روایات معصومین(علیهم السّلام) است؛ یک مورد را ملاحظه کنید:

امام علی(علیه السّلام) فرمودند:

از قرض گرفتن پرهیز کنید؛ زیرا آن، ذلت روز، اندوه

1- رُوِیَ عَنْ مُعَاوِیَهَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ(علیه السّلام): إِنَّهُ ذُکِرَ لَنَا أَنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ مَاتَ وَ عَلَیْهِ دِینَارَانِ دَیْناً فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیْهِ النَّبِیُّ(صلّی الله علیه و آله وسلّم) وَ قَالَ صَلُّوا عَلَی أَخِیکُمْ حَتَّی ضَمِنَهُمَا عَنْهُ بَعْضُ قَرَابَاتِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ(علیه السّلام): «ذَاکَ الْحَقُّ ثُمَّ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ(صلّی الله علیه و آله وسلّم) إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِکَ لِیَتَّعِظُوا وَ لِیَرُدَّ بَعْضُهُمْ عَلَی بَعْضٍ وَ لِئَلَّا یَسْتَخِفُّوا بِالدَّیْنِ وَ قَدْ مَاتَ رَسُولُ اللَّهِ(صلّی الله علیه و آله وسلّم) وَ عَلَیْهِ دَیْنٌ وَ قُتِلَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ(علیه السّلام) وَ عَلَیْهِ دَیْنٌ وَ مَاتَ الْحَسَنُ(علیه السّلام) وَ عَلَیْهِ دَیْنٌ وَ قُتِلَ الْحُسَیْنُ(علیه السّلام) وَ عَلَیْهِ دَیْنٌ» (کافی ج 5، ص 93؛ و من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 182؛ تهذیب، ج6، ص 183 و وسائل الشیعه، ج 18، ص 319).
2- منهاج الصالحین محشی، آیت الله حکیم، ج 2، ص 185

شب، پرداختی در دنیا و پرداختی در آخرت به دنبال دارد. [(1)]

در خواست وام غیر ضروری، دارای چند پیامد منفی است:

الف) قرض گیرنده بدون هیچ ضرورتی، خود را تحت تسلط دیگری قرار می دهد.

ب) چنانچه قرض دهنده مطلع شود که قرض گیرنده بدون آن که احتیاج داشته باشد، تقاضای وام کرده است، نسبت به دیگران نیز بی اعتماد شده؛ چه بسا از آن پس، از دادن وام به افراد محتاج نیز خودداری کند.

ج) اصولا قرض گرفتن، مستلزم در خواست و نوعی ذلّت است که جز در شرایط ضروری نباید زیر بار آن رفت؛ گرچه برای قرض دهنده پاداش بسیار دارد. از منظر امام صادق(علیه السّلام) مؤمن مجاز نیست عزت خود را خدشه دار سازد؛ و روشن است که قرض گرفتن خواسته و ناخواسته تاحدودی خدشه دار کردن عزت را به دنبال دارد.

د) از آن جا که منابع مالی اشخاص حقیقی و حقوقی محدود می باشد؛ در صورت دریافت وام های غیرضروری،

1- قَالَ عَلِیٌّ(علیه السّلام): «إِیَّاکُمْ وَ الدَّیْنَ فَإِنَّهُ مَذَلَّهٌ بِالنَّهَارِ وَ مَهَمَّهٌ بِاللَّیْلِ وَ قَضَاءٌ فِی الدُّنْیَا وَ قَضَاءٌ فِی الْآخِرَهِ» (من لایحضره الفقیه، ج 3، ص182).

سرمایه ها به پایان رسیده و افراد نیازمند از دریافت وام محروم می گردند.

سؤال: آیا بین دو حکم «استحباب قرض دادن» و «کراهت قرض گرفتن» تنافی وجود دارد؟

جواب: اولا، کراهت قرض گرفتن، به طور مطلق نیست، بلکه مختص است به صورتی که وام گرفتن بدون ضرورت باشد و ثانیا، منافاتی نیست بین اینکه چیزی برای شخصی مستحب و برای شخص دیگر مکروه باشد؛ بدین معنی که قرض گرفتن بدون عذر برای قرض گیرنده کراهت دارد؛ ولی وقتی کسی تقاضای وام کرد، مستحب است طرف مقابل، درخواست او را اجابت کند و به وی قرض دهد.

در فقه نمونه هایی از این قبیل وجود دارد؛ مثلا گدایی کردن کراهت شدید دارد؛ در حالی که صدقه و پاسخ مثبت دادن به کسی که در خواست کمک مالی می کند، مستحب می باشد. (1)

1- قرآن نیز می فرماید: «وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلا تَنْهَرْ»؛ سؤال کننده را از خود مران (ضحی: 10).

بررسی شرایط قرض گیرنده

در احکام قرض دهنده، شش نکته (بلوغ، عقل، رشد، قصد، اختیار و عدم افلاس) شرط بود؛ آیا همین موارد در قرضگیرنده شرط است یا نه؟

پاسخ این است که همه آن موارد در قرض گیرنده نیز شرط است، به استثنای «مفلّس نبودن»؛ یعنی شخصی که از جانب حاکم شرع، به افلاس او حکم شده است، نمی تواند قرض دهد؛ اما می تواند قرض بگیرد.(1)

تصمیم پرداخت و یاری خداوند

از روایات استفاده می شود بدهکاری که هنگام تقاضای وام، مُصَمّم به ادای آن است، خداوند با واسطه ملائکه او را برای بازپرداخت قرضش کمک می کند:

امام صادق(علیه السّلام) فرمودند:

مَنْ كَانَ عَلَيْهِ دَيْنٌ يَنْوِى قَضَاءَهُ كَانَ مَعَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَافِظَانِ يُعِينَانِهِ عَلَى الْأَدَاءِ عَنْ أَمَانَتِهِ فَإِنْ قَصَرَتْ نِيَّتُهُ عَنِ الْأَدَاءِ قَصَرَا عَنْهُ مِنَ الْمَعُونَةِ بِقَدْرِ مَا قَصَرَ مِنْ نِيَّتِهِ؛(2) کسی که بر او دَینی هست و تصمیم دارد آن را

1- المسائل المنتخبه، ص 353.
2- کافی، ج 5، 95؛ من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 183؛ تهذیب، ج 6، ص 185 و وسائل الشیعه، ج 18، ص 328.

بپردازد دو [مَلَک] محافظ او را کمک می کنند بر ادای امانت و دینش. به هر میزانی که از عزم بر پرداختش کم شود به همان میزان کمک آن دو ملک هم کم خواهد شد.

قرض یا دزدی

بر قرض گیرنده لازم است هنگام تقاضای وام، تصمیم داشته باشد دین را پرداخته، ذمه خود را «بری» سازد؛ در غیر این صورت، با «دزد» تفاوتی نخواهد داشت:

امام صادق(علیه السّلام) فرمودند:

أَیُّمَا رَجُلٍ أَتَی رَجُلاً فَاسْتَقْرَضَ مِنْهُ مَالاً وَ فِی نِیَّتِهِ أَلَّا یُؤَدِّیَهُ فَذَلِکَ اللِّصُّ الْعَادِی؛(1) شخصی که نزد دیگری آمده، تقاضای وام کند؛ ولی تصمیم داشته باشد آن را نپردازد، او همان دزد تجاوزگر است.

اول ادای دین بعد نماز

با آن که ادای نماز در اول وقت، بسیار فضیلت دارد؛ اما فقها فرموده اند:

اگر وقت نماز وسعت دارد و طلبکار هم طلب خود

1- من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 183 و وسائل الشیعه، ج 18، ص 329.

را مطالبه می کند، در صورتی که ممکن است، باید اوّل قرض خود را بدهد، بعد نماز بخواند؛(1) و چنانچه اول نماز بخواند، معصیت کرده؛ ولی نماز او صحیح است.(2)

برهم زدن نماز برای ادای دین

از نظر فقه، برهم زدن نماز واجب، حرام است؛ اما در چند صورت اشکال ندارد؛ یکی از آن موارد این است که بدهکار مشغول نماز باشد و طلبکار طلب خود را مطالبه کند.(3)

مسئله: اگر در وسعت وقت مشغول نماز باشد و طلبکار طلب خود را مطالبه کند، چنانچه بتواند در بین نماز طلب او را بدهد، باید در همان حال بپردازد و اگر بدون شکستن نماز، دادن طلب او ممکن نیست، باید نماز را بشکند و طلب او را بدهد و بعد نمازش را بخواند. (4)

1- هم چنین است اگر کار واجب دیگری که باید فوراً آن را به جا آورد پیش آمد کند؛ مثلاً ببیند مسجد نجس است که باید اول مسجد را تطهیر کند، بعد نماز بخواند.
2- توضیح المسائل محشی، ج 1، ص 420.
3- موارد دیگر مجوز بر هم زدن نماز واجب عبارت است از: حفظ جان، حفظ مال، بلکه هر غرض مهم دینی یا دنیوی (بنا بر نظریه برخی از مراجع تقلید).
4- توضیح المسائل محشی، ج 1، ص 632.

حقوق به دو دسته تقسیم می گردد: «حقّ الله» و «حقّ الناس». قرض، جزء حقوق الناس است و به لحاظ برخی جهات، دارای حساسیت بیش تری است. یکی از آن جهات اینکه تا زمانی که پرداخت نشود، از عهده انسان ساقط نمی گردد و هیچ جایگزینی ندارد:

امام باقر(علیه السّلام) می فرمایند:

أَوَّلُ قَطْرَهٍ مِنْ دَمِ الشَّهِیدِ کَفَّارَهٌ لِذُنُوبِهِ إِلَّا الدَّیْنَ فَإِنَّ کَفَّارَتَهُ قَضَاؤُهُ؛(1) اولین قطره خون شهید که می ریزد، کفاره همه گناهان اوست؛ به جز دین [بدهکاری]؛ چرا که کفاره بدهی، ادای آن می باشد.

همچنین امام باقر(علیه السّلام) فرمودند:

مَنْ حَبَسَ حَقَّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ وَ هُوَ یَقْدِرُ عَلَی أَنْ یُعْطِیَهُ إِیَّاهُ مَخَافَهَ مِنْ أَنَّهُ إِنْ خَرَجَ ذَلِکَ الْحَقُّ مِنْ یَدِهِ أَنْ یَفْتَقِرَ کَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَقْدَرَ عَلَی أَنْ یُفْقِرَهُ مِنْهُ عَلَی أَنْ یُغْنِیَ نَفْسَهُ بِحَبْسِهِ ذَلِکَ الْحَقَّ؛(2) کسی که حق مسلمانی را نزد خود نگه دارد از ترس اینکه مبادا در صورت

1- من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 183 و وسائل الشیعه، ج 18، ص 326.
2- من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 184.

پرداخت، فقیر شود؛ در حالی به پرداخت قادر است [باید توجه داشته باشد] که خداوند می تواند او را از طریق همان مال حبس شده فقیر کند.

اضافه بدون شرط

مستحب است قرض گیرنده هنگام بازپرداخت قرض، مقداری بیشتر بپردازد؛ بدون اینکه در هنگام قرض گرفتن شرط و قراری گذاشته باشند؛ (1) قرآن کریم می فرماید :

«هَلْ جَزاءُ الْإِحْسانِ إِلاَّ الْإِحْسانُ». (2)

پیام این آیه آن است که در صورت نیکی دیدن، نیکی کردن منطقی است و روشن است که قرض دادن عمل نیکی است که پرداخت قدری بیشتر، نیکی و احسان متقابل است.

بدیهی است اگر قرار اضافه بگذارند، ربا و حرام خواهد بود.

قرض و حج

سؤال: آیا با پول و مال قرضی استطاعت محقق می شود؟

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 395.
2- الرحمن: 60.

دیدگاه برخی از فقها آن است که اگر قرض قابل پرداخت است، شخص مستطیع محسوب شده، باید برای رفتن به حج اقدام کند. در این زمینه لازم است به کتاب های مناسک حج مراجعه شود. (1)

قرض گرفتن کافر

قرض گرفتن کافر صحیح است؛ اعم از این که از مسلمان قرض بگیرد یا از کافر؛ زیرا در عقود و معاملات، کفر و اسلام دو طرف معامله تفاوتی ندارد؛ به استثنای بعضی موارد.

مسئله: ربا گرفتن مسلمان از کافر حربی(2) جایز است.

ربا دادن

ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است.(3) بنابراین، قرض گیرنده باید از قبول قرض ربایی خودداری کند و ربا نپردازد.

البته در این که اصل قرض صحیح است و می توان در آن تصرّف نمود یا نه، لازم است به رساله مراجع تقلید

1- ر، ک: منتخب مناسک، ص 25.
2- کافری که در پناه اسلام نیست.
3- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 395.

مراجعه شود.

فرار و سفر معصیت

فقها «سفر معصیت» را تعریف و برای آن، احکامی ذکر کرده اند.(1) یکی از مصادیق سفر حرام که در رساله های

ص: 148

1- سفر حرام، دارای نکاتی است: 1. سفر حرام به سفری گفته می شود که غرض مسافر از سفر، انجام دادن کار حرام باشد، یا اینکه سفر وی مستلزم حرام باشد (بنا بر احتیاط)؛ 2. چنانچه غرض از سفر، ارتکاب معصیت نباشد، اصطلاحاً «سفر معصیت» به شمار نرفته و احکام سفر معصیت بر آن مترتب نمی گردد؛ گرچه شخص احیانا در آن سفر مرتکب معصیت شود. تذکر لازم اینکه ارتکاب گناه در هر حالی (سفر و غیر سفر) حرام است؛ 3. ملاک در تمییز سفر حرام از غیر حرام، مرجع تقلید شخص مسافر است (در صورتی که مقلد بوده و توانایی استنباط احکام شرعی را ندارد)؛ 4. ملاک در تشخیص اینکه «غرض» مسافر از سفر، «فعل حرام » است یا نه؛ خود او است، نه شخص دیگر؛ زیرا قرآن مجید می فرماید: «بَلِ الْإِنْسانُ عَلی نَفْسِهِ بَصیرَهٌ» (قیامه: 14)؛ 5. نمازهای چهار رکعتی در سفر حرام، چهار رکعت است و قصر نمی شود، اعم از اینکه مسافر بخواهد ده روز در محلی بماند یا نه؛ 6. چنانچه ماه رمضان باشد روزه گرفتن واجب است، اعم از اینکه مسافر بخواهد ده روز در محلی بماند یا نه؛ 7. کسی که به سفر حرام می رود، باید «خُمس » مخارج سفرش را بپردازد؛ مثلا اگر دو میلیون تومان خرج سفرش شده، لازم است چهار صد هزار تومان آن را به عنوان «خُمس » به مرجع تقلید خود بپردازد؛ زیرا سفر حرام، جزء «مئونه » و خرج زندگی به شمار نمی رود؛ 8. کسی که در سفر معصیت، خرج سفر خود را تمام کرده، چنانچه «سیّد » باشد، نمی توان از «سهم سادات » به وی پرداخت نمود؛ 9. کسی که در سفر معصیت، خرج سفر خود را تمام کرده چنانچه «غیر سیّد» باشد، نمی توان از «زکات» به وی پرداخت نمود؛ 10. توبه «واجب فوری» است و شخصی که اقدام به سفر معصیت نموده باید هرچه زودتر «توبه» کرده و دست از این سفر یا از معصیت بکشد؛ 11. در هر جای سفر که شخص توبه کند احکام «سفر مباح » مترتب می گردد. بر این اساس، مثلا چنانچه از محل توبه تا مقصد هشت فرسخ باقی مانده است، موظف است نمازهای چهار

رکعتی را دو رکعت بخواند؛ 12. از آن جا که «غسل توبه» پس از انجام هر گناهی وارد شده است، شایسته می باشد پس از توبه، غسل توبه نیز صورت پذیرد.

عملیه مراجع تقلید معرفی شده، عبارت است از این که بدهکار با این که توانایی پرداخت بدهی را دارد، برای فرار از طلبکار به سفر رود.

چنین سفری معصیت محسوب می شود و لازم است مسافر در آن، نمازهای چهار رکعتی را کامل بخواند و چنانچه ماه رمضان است، روزه هم بگیرد.

مسئله : اگر مخصوصاً برای آن که کار واجبی را ترک کند، مسافرت نماید، نمازش تمام است. پس کسی که بدهکار است، اگر بتواند بدهی خود را بدهد و طلبکار هم مطالبه کند، چنانچه در سفر نتواند بدهی خود را بدهد و مخصوصاً برای فرار از دادن قرض مسافرت نماید؛ باید نماز را تمام بخواند. (1)

وجوب فوری

وجوب بازپرداخت بدهی برای کسی که توانایی

1- توضیح المسائل محشی، ج 1، ص 696.

پرداخت دارد؛ و موعد پرداخت نیز فرارسیده یا برای ادای دین، زمان خاصی مشخص نکرده بودند و طلبکار، طلب خود مطالبه می کند؛ از واجبات «فوری» به شمار می رود.

توضیح مطلب این است که واجبات به دو دسته تقسیم می شوند: «فوری» و «غیر فوری».

برخی از واجبات فوری عبارتند از:

1. جواب سلام؛

2. تطهیر قرآن و مسجد و حرم ائمه(علیهم السّلام) و کلمات مقدس (در صورت متنجس شدن)؛

3. امر به معروف و نهی از منکر؛

4. پرداخت بدهی.

قابل ذکر است که «فوریت» پرداخت بدهی، در یکی از این دو صورت می باشد:

الف) زمان خاصی برای بازپرداخت بدهی مشخص نشده و به اصطلاح، «عند المطالبه» باشد و طلبکار هم طلب خود را مطالبه کند.

ب) برای بازپرداخت بدهی، زمانی خاص مشخص شده و مدت آن فرا رسیده و طلبکار هم مال خود را مطالبه کند. اما اگر برای پرداخت، زمان خاصی مشخص شده؛

ولی هنوز موعد فرا نرسیده است، ادای این واجب فوریت ندارد.

وجوب درآمد

چنانچه بدهکار، چیزی ندارد تا بدهی خود را پرداخت کند، لازم است به دنبال کسب و درآمد برود و طلب مردم را بپردازد.اصولا کسب در آمد در دو مورد «واجب» است:

الف) برای معاش خود انسان و اشخاصی که واجب النفقه(1) او می باشند؛

ب) برای ادای دین.

مسئله: چنانچه کسب در آمد متوقف بر پذیرش معامله باشد، بر او واجب است قبول نماید؛ مانند خرید و فروش، هبه (بخشش) و هر نوع تجارت. (2)

فروش ملک اضافه

چنانچه مدیون، غیر از منزل مسکونی، ملک دیگری دارد و به آن نیازی ندارد و پرداخت طلب طلبکاران به فروش آن بستگی دارد، موظف است آن ملک را بفروشد و

1- اشخاص واجب النفقه عبارتند از: 1. فرزند، 2. پدر،3. مادر، 4. اجداد پدری در صورت فقر، 5. همسر(زن) اعم از اینکه فقیر باشد یا نه.
2- التعلیقه الاستدلالیه علی تحریر الوسیله، ص 283.

طلب مردم را بپردازد و اگر طلبکار به حاکم شرع شکایت نماید، حاکم شرع می تواند بدهکار را به فروش مجبور کند و در صورت نپذیرفتن بدهکار، حاکم شرع می تواند منزل او را فروخته و پولش را به طلبکاران پرداخت نماید. (1)

قرض و خمس

آن چه به عنوان قرض دریافت شده، خمس ندارد؛ گرچه سال های متمادی بماند؛ مثلا چنانچه شخصی ده میلیون تومان وام دریافت کند، هرچند سال بر آن بگذرد، متعلق خمس نمی گردد. البته این، در صورتی است که هیچ یک از اقساط آن را نپرداخته باشد؛ اما اگر شروع به ادای دین کرد، در این صورت، هر قسط ادا شده، خمس بر آن تعلق می گیرد، مشروط به این که از سال خمسی زیاد

1- المسائل المنتخبه، ص 355. اصولا غیر از آن چه ذکر شد، در مواردی فروختن ملک واجب می شود: 1. از آن جا که به فتوای بیشتر فقها، زن از خود غیر منقول (مثل ساختمان و درخت) ارث نمی برد و فقط از قیمت آن ارث می برد؛ چنانچه زن میت، متقاضی سهم الارث باشد، ورثه باید آن ملک را بفروشند تا زن به سهم الارث خود برسد (توضیح المسائل محشی، ج2، ص741)؛ 2. پدری که از دنیا رفته و اموال او به طور مشاع به فرزندان ارث رسیده، اگر فرزندان متقاضی سهم الارث خود هستند و رسیدن به سهم الارث متوقف بر فروش ملک است، باید آن ملک را بفروشند تا هر کس به سهم خود برسد؛ 3. کسی که دارای دو منزل است و به یکی از آنها نیاز ندارد، موظف است یک منزل را بفروشد و برای رفتن به حج اقدام کند.

بیاید و هزینه زندگی نشود. (1)

استحقاق زکات

یکی از مصارف هشتگانه زکات، عبارت است از کمک به بدهکاری که توانایی پرداخت بدهی خود را ندارد.

از منظر قرآن مجید صدقات واجب (زکات) مخصوص است به : 1. فقرا؛

2. مساکین؛(2)

3. کارکنانی که برای جمع آوری زکات زحمت می کشند؛

4. کسانی که برای جلب محبتشان اقدام شود؛

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 10.
2- در مورد فقیر و مسکین فرموده اند هرگاه یکی از این دو کلمه به کار رود، به یک معنی هستند و هرگاه در کنار یکدیگر به کار روند، مانند آیه زکات معنای آن دو تفاوت داشته، مقصود از مسکین کسی است که حالش از فقیر بدتر باشد و از شدت ناتوانی خانه نشین شده باشد. امام صادق(علیه السّلام) فرمودند: «اَلْفَقِیرُ الَّذِی لَا یَسْأَلُ النَّاسَ وَ الْمِسْکِینُ أَجْهَدُ مِنْهُ وَ الْبَائِسُ أَجْهَدُهُمْ فَکُلُّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَیْکَ فَإِعْلَانُهُ أَفْضَلُ مِنْ إِسْرَارِهِ وَ کُلُّ مَا کَانَ تَطَوُّعاً فَإِسْرَارُهُ أَفْضَلُ مِنْ إِعْلَانِهِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا یَحْمِلُ زَکَاةَ مَالِهِ عَلَی عَاتِقِهِ فَقَسَمَهَا عَلَانِیَةً کَانَ ذَلِکَ حَسَناً جَمِیلًا» (کافی، ج 3، ص 501؛ تهذیب، ج 4، ص 104 و وسائلالشیعه، ج 9، ص 210)

5. (آزادی) بردگان؛

6. (ادای دین) بدهکاران؛

7. در راه خدا؛

8. در راه ماندگان. از منظر قرآن، آنچه بیان شد فریضه خدا است. (1)

دو نکته در این زمینه قابل ذکر است:

الف) در صورتی می توان قرض مدیون را از زکات پرداخت کرد که قرض را برای امور حلال زندگی صرف کرده باشد، نه حرام. (2)

ب) می توان زکات را به خود مدیون داد تا دینش را ادا کند و می توان به طلب کار او پرداخت کرد.(3)

قرض و ارث

چنانچه شخصی از دنیا برود، قبل از این که ارث او تقسیم شود، باید دو نکته مورد توجه قرار گیرد:

1- .« إِنَّمَا الصَّدَقاتُ لِلْفُقَراءِ وَ الْمَساکینِ وَ الْعامِلینَ عَلَیْها وَ الْمُؤَلَّفَهِ قُلُوبُهُمْ وَ فِی الرِّقابِ وَ الْغارِمینَ وَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبیلِ فَریضَهً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلیمٌ حَکیمٌ» (توبه: 60).
2- حتی در روایتی از امام رضا(علیه السّلام) آمده است: «چنانچه معلوم نیست آنچه را قرض کرده در حلال به کار برده یا در حرام نمی توان از مال زکات به او داد» (الروضه البهیه، ج 2، ص 47).
3- جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج 15، ص 364.

الف) به وصیت او تا سقف ثلث عمل شود؛ مثلا اگر دارایی او نود میلیون تومان، است شخص می تواند تا سی میلیون تومان هر گونه و برای هر امری که بخواهد، وصیت کند.

ب) تمام بدهی های او، اعم از این که به صورت قرض بوده یا غیر قرض، ادا شود.

بنابراین، با مردن شخص، نمی توان اموال او را به عنوان ارث تقسیم کرد؛ بلکه اول باید ملاحظه شود دین و وصیت به مقدار ثلث دارد یا نه؛ اگر مدیون است و یا در مورد ثلث مال خود وصیتی کرده است؛ ابتدا باید تکلیف این دو مورد مشخص شود و سپس اموالش تقسیم گردد.

سؤال: اگر بدهی های میت به قدری زیاد باشد که چیزی برای ارث باقی نماند، تکلیف چیست؟

جواب : در این صورت، ارثی وجود نخواهد داشت و لازم است تمام دیون میت پرداخت گردد. البته مخارج کفن و دفن او در اولویت (قبل از پرداخت دیون و عمل به وصیت) قرار دارد. (1)

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 394.

تبدیل مؤجّل به معجّل

چنانچه شخصی قرض مدت دار بگیرد و از دنیا برود، مدت نیز از بین رفته و دین «مؤجل» (مدت دار)، به «مُعَجّل» (حال و فعلی) تبدیل می گردد و لازم است سریعاً دین او را پرداخت کنند. (1)

مثلا: شخصی یک میلیون تومان قرض کرده و قرار گذاشته یک سال بعد آن را بپردازد؛ اگر این شخص از دنیا برود بر ورثه واجب است فوراً طلب طلبکار را بپردازند و ورثه نمی توانند به فرصت یکساله استناد کنند، زیرا با مردن مدیون، این مدت و فرصت از بین می رود و ورثه باید قبل از تقسیم ارث، دین میت را بپردازند.

مثلیات

چنانچه مال قرض گرفته شده، «مثلی» باشد، مانند گندم، جو، طلا و نقره؛ در این صورت، آن چه بر عهده بدهکار تعلق می گیرد، «مثل» آن چیزی است که قرض گرفته؛ اعم از اینکه قیمت آن نسبت به وقت قرض، ترقی کرده باشد یا تنزل. بر این اساس، طلبکار نمی تواند مطالبه

1- «یحل الدین المؤجل بموت المدیون قبل حلول أجله لا موت الدائن» (تحریر الوسیله، ج 1، ص 649).

قیمت کند.

بدیهی است اگر طرفین راضی باشند، پرداخت قیمت اشکال ندارد؛ ولی معیار، قیمت هنگام بازپرداخت خواهد بود. (1)

قیمیّات

قرض دادن چیزهای «قیمی» (آنچه مثلش یافت نمی شود و فقط به قیمت در می آید) مانند حیوانات، از قبیل گوسفند و گاو نیز اشکال ندارد؛ ولی در این که مبلغ دین برای پرداخت، مبلغ قیمت هنگام قرض (دریافت) است یا بازپرداخت، لازم است به رساله فقها مراجعه شود، یا اینکه احتیاط نموده در مقدار تفاوت، «مصالحه» کنند. (2)

مطالبه عین

اگر «عین» مالی را که قرض کرده است، از بین نرفته باشد و صاحب مال همان را مطالبه کند، قرض گیرنده می تواند آن را نپرداخته و مثل آن را بپردازد. البته احتیاط

1- منهاج الصالحین، ج 2، ص 169.
2- تحریر الوسیله، ج 1، ص 653.

مستحب آن است که بدهکار، همان مال را به او بدهد. (1)

پایان بدهکاری

پایان بدهکاری قرض گیرنده با یکی از این دو امر محقق می گردد:

الف) بخشش: چنانچه طلبکار، بدهکار را عفو و ذمه او را از پرداخت بری کند؛ در این صورت، چیزی برعهده بدهکار نمی باشد.

ب) باز پرداخت: بدیهی است که بازپرداخت قرض، ساقط کننده آن است؛ به هر صورتی که باشد؛ اعم از این که پول را به دست طلبکار برساند یا به حساب وی واریز نماید.

دو تذکر:

1. برای «ابرا»، هر لفظ، بلکه هر چیزی که بر عفو دلالت کند، کافی است؛ مشروط بر این که به طور قطعی بر بخشش طلبکار دلالت داشته باشد؛

2. چنانچه طلبکار، بدهکار را از بازپرداخت عفو کند، بعداً نمی تواند پشیمان شده دو مرتبه مال خود را مطالبه کند؛ زیرا آن چه بر عهده بدهکار بود، ساقط

1- توضیح المسائل امام خمینی، ص 477.

شده است و دوباره بر نمی گردد.

اثبات

آنچه بدان اشاره شد، یعنی این که در حقیقت، پایان دهنده بدهکاری، بخشش است یا بازپرداخت؛ به عالم «واقع» مربوط است؛ اما اگر طلب کار، ابرا، یا بازپرداخت را منکر شد و به دادگاه شکایت کرد، بدهکاری که به قرض و ادعای ابرا، یا بازپرداخت معترف است، احتیاج دارد یکی از این دو مطلب (ابرا، یا بازپرداخت) را در دادگاه «اثبات» نماید؛ و این امر نیازمند آوردن دو شاهد عادل یا ارائه مدارک یقین آور است؛ بر این اساس، بر بدهکار شایسته، بلکه لازم است(1) که از جمع آوری مدارک کافی غفلت نورزد تا بعدا راهی برای انکار طلبکار باقی نماند و در واقع مدرکی دال بر پرداخت بدهی به قرض دهنده و یا بخشش قرض دهنده تدارک ببینند. (2)

1- لازم از این جهت است که چنانچه بدهکار فوت کند و مدارک داله بر ابرا یا بازپرداخت را تهیه نکند. ممکن است طلبکار، تقاضای باز پرداخت نماید، در حالی که فرض بر این است که او در واقع بدهی خود را پرداخت کرده و از سوی دیگر، اموال به جا مانده از بدهکار، مال ورثه است؛ بر این اساس، به قول معروف «ضرر بر وارث وارد می شود» و حق آنان ضایع می گردد.
2- انکار ابرا یا بازپرداخت، ممکن است به علل مختلف صورت پذیرد؛ مانند: 1. طمع ورز بودن؛ 2. فراموش کار بودن؛ 3. مردن طلبکار و عدم اطلاع ورثه از بخشش یا باز پرداخت.

ادای دین به عنوان هدیه

پرداخت بدهی به عنوان هدیه اشکال ندارد؛ مشروط به اینکه همراه با قصد ادای دین باشد. (1)

نشناختن طلبکار

چنانچه انسان نداند مال را از چه کسی قرض کرده است و امیدی به یادآوری ندارد؛ لازم است مقدار قرض شده را به مرجع تقلید خود یا هر مجتهد جامع الشرایط به عنوان «رد مظالم» بپردازد، یا با اجازه او از طرف صاحب مال صدقه دهد و اگر بعدا طلبکار پیدا و مشخص شد، لازم است به همان مقدار بدهی به وی پرداخت کند؛ مگر این که او از حق خود بگذرد. (2)

عدم دسترسی به طلبکار

کسی که به طلبکار خود دسترسی ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که او را پیدا می کند؛ لازم است مقدار قرض شده را با اجازه حاکم شرع، به فقیر صدقه دهد.

تذکر: احتیاط این است که این صدقه را غیر سید به

ص: 160

1- جامع المسائل، ج 2، ص 320 و استفتائات آیت الله بهجت، ج 3، ص 361.
2- زیرا مال مجهول المالک باید از طرف صاحبش صدقه داده شود.

سید نپردازد؛ یا اینکه در این زمینه به رساله مرجع تقلید مراجعه شود. (1)

لزوم وصیت

چنانچه شخصی نشانه های مرگ را در خود مشاهده کند، لازم است در مورد حقوق الله و حقوق الناس وصیت کند و مقروض به خدا و مردم از دنیا نرود.

همه مراجع تقلید نوشته اند وقتی نشانه های مرگ برای شخصی ظاهر می شود، چند امر بر او واجب است:

الف) امانت هایی که نزد او است، به صاحبانش برگرداند؛

ب) حقوق خدا را ادا نماید؛ مثلا نماز، روزه، کفارات و غیر اینها را به جا آورد؛

ج) حقوق مردم را ادا کند؛ مثلا قرض هایی که موعد آن فرارسیده و برایش مقدور است، پرداخت کند؛

د) چنانچه ممکن نیست خودش امور مزبور را انجام دهد، وصیت کند که برای او انجام دهند و علاوه بر آن، دو شاهد عادل را حاضر نموده، نزد آنان بر دیون و حقوق مذکور اعتراف نماید تا بعداً ورثه نتوانند منکر شوند؛ به خصوص

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 393.

در مورد حقوق الناس، مانند قرض ها، خسارت هایی که بر دیگران وارد نموده و خمس و زکاتی که بر اموال او تعلق گرفته است.

ه-) در مورد واجبات بدنی، از قبیل نماز و روزه، وصیت کند شخصی را اجیر نمایند تا از طرف او این امور را به جا آورد، البته این حکم در صورتی است که پسر بزرگتری ندارد تا از طرفش انجام دهد یا پسر بزرگتر دارد؛ ولی به انجام دادنش اطمینان ندارد، یا عمل او را باطل می داند.(1)

1- این عبارت با اندک تفاوتی در همه کتابهای فقها وجود دارد: «إذا ظهرت للإنسان أمارات الموت یجب علیه إیصال ما عنده من أموال الناس من الودائع و البضائع و نحوها إلی أربابها، و کذا أداء ما علیه خالقیا کقضاء الصلوات و الصیام و الکفارات و غیرها، أو خلقیا إلا الدیون المؤجله، و لو لم یتمکن من الإیصال و الإتیان بنفسه یجب علیه أن یوصی بإیصال ما عنده من أموال الناس إلیهم، و الاشهاد علیها خصوصا إذا خفیت علی الورثه، و کذا بأداء ما علیه من الحقوق المالیه خلقیا کالدیون و الضمانات و الدیات و أروش الجنایات أو خالقیا کالخمس و الزکاه و الکفارات و نحوها، بل یجب علیه أن یوصی بأن یستأجر عنه ما علیه من الواجبات البدنیه مما یصح فیها الاستیناب و الاستئجار کقضاء الصلاه و الصوم ان لم یکن له ولی یقضیها عنه، بل و لو کان له ولی لا یصح منه العملأو کان ممّن لا یوثق بإتیانه أو یری عدم صحه عمله».

وظایف مدیران

اشاره

مدیران صندوق های قرض الحسنه؛ اعم از هیأت أُمنا، هیأت مدیره، رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل، دارای وظایفی می باشند و لازم است به نکاتی توجه نمایند:

الگوی رفتاری

صندوق های قرض الحسنه، برگرفته شده از فرهنگ قرآن و نوعی «نهاد دینی» محسوب می شود. براین اساس، مدیران صندوق های قرض الحسنه تصدی یک نهاد الاهی و مقدس را عهده دار بوده و دارای مسئولیت خطیر هستند.

به طور ملموس مشاهده می شود که نگاه مردم به مدیران صندوق قرض الحسنه به عنوان فرد متدین، آگاه

به حلال و حرام، و متخصص در جداسازی صحیح و فاسد می باشد.

از این رو، بر مدیران صندوق های قرض الحسنه فرض است که شأن خود را حفظ نموده، از آن چه خلاف شأن مدیر لایق می باشد، اجتناب کنند و همواره، الگوی مناسبی در سلوک صحیح برای دیگران باشند تا بر نهادینه ساختن معارف مذهبی و دینی مؤثر واقع شوند.

گزینش

یکی از سر فصل های مهم مدیریت، مبحث «گزینش» نیرو می باشد. در این خصوص، لازم است به دو نکته توجه شود :

الف) معیار گزینش: معیار واقعی و اصیل گزینش مدیر عامل یا کارمندان صندوق قرض الحسنه، دو اصل «تعهد» و «تخصص» و به عبارت دیگر، «تقوا» و «آگاهی» است.

قرآن مجید، از یوسف پیامبر(علیه السّلام) نقل می کند که او به عزیز مصر گفت :

«اجْعَلْنی عَلی خَزائِنِ الْأَرْضِ إِنِّی حَفیظٌ عَلیمٌ»؛ (1) مرا به وزارت خزانه داری برگزین؛ چرا که من حفظ کننده

1- یوسف: 55.

[=متعهد] و علیم [=بسیار متخصص] هستم.

آن چه گفته شد، در همه گزینش ها و به طریق اولی در مورد هیأت رئیسه و مدیرعامل صندوق قرض الحسنه ساری و جاری است.

ب) دقت در انتخاب اعضا: اعضای صندوق های قرض الحسنه، علاوه بر این که بر سپرده های مردم مسلط هستند، بازوان اجرایی مدیران محسوب می گردند؛ لذا دقت صندوق های قرض الحسنه در انتخاب اعضا، حائز اهمیت خواهد بود؛ چرا که عملکرد هر یک از اشخاص، گویای گرایش مدیر می باشد.

نظارت نامحسوس

پس از انتخاب اعضا، مدیران نباید کارمندان را به حال خود رها کنند؛ بلکه مراقبت مستمر بر عملکرد آنان لازم است تا چگونگی عمل به قانون و اجرای آن از سوی هر یک از شاغلین در صندوق های قرض الحسنه، مورد توجه قرار گیرد.

عهد نامه حضرت علی(علیه السّلام) به مالک اشتر که قبلا عباراتی از آن را بیان نمودیم، در این مورد هشداردهنده است.

کارمندان

لازم است مدیران محترم صندوق های قرض الحسنه در مورد استخدام کارمندان به چند نکته توجه کنند:

الف) کارمندان، «اجیر» محسوب شده، با آنان «پیمان» و «قراردادی» تحت عنوان «اجاره» منعقد می گردد. بر این اساس، بر کارمندان و مدیریت واجب است طبق قرار داد عمل کنند.

ب) در قرارداد لازم است ساعات زمان کار، تاریخ انقضای قرار داد، حقوق هر یک از کار مندان و نیز شروط ضمنی به طور ضابطه مند مشخص گردد. در غیر این صورت، لازم است به کارمندان، «اجرهالمثل» پرداخت شود.

ج) به کارمندان، آموزش های لازم داده شود تا هم از حرام و حلال خداوند مطلع گردند و هم در برخورد با اربابرجوع رفتاری مناسب داشته باشند.

د) رعایت شئون اسلامی و حدود الاهی در فضای کار، الزامی است و وسوسه های نفسانی و شیاطین «انسانی» و «جنّی» نباید سدّ راه گردد.

ص: 166

استخدام زنان

در صورت ناگزیر بودن از استخدام کارمندان زن، لازم است به چند نکته توجه شود :

الف) به آنان اطلاع داده شود که از آرایش کردن خودداری نمایند؛

ب) به آنان اطلاع داده شود که زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند، بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده؛ ولی خوب و بد را می فهمد بپوشاند. (1)

سؤال: آیا پوشش و آرایش کردن طبق مد روز اشکال دارد؟

جواب : اگر ترویج کفرِ کافر نباشد؛ اشکال ندارد؛ لکن در مقابل نامحرم باید مراعات کنند. (2)

وظائف صندوق دار

اشاره

«صندوق داری»، در دفتر کار صندوق های قرض الحسنه، در حکم «روابط عمومی» صندوق های قرض الحسنه است و احکام خاصی بر آن مترتب می گردد:

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 488.
2- استفتائات آیت الله بهجت، ج 4، ص 180.

اشتباه پرداخت کننده

چنانچه صندوقدار، مشاهده کند مشتری اشتباه کرد و بیش از مقدار مقرر، پول پرداخت نمود، موظف است مقدار اضافه را به وی برگرداند؛ در غیر این صورت، مدیون خواهد شد؛ زیرا تصرف در مال دیگران حرام است.

استفاده از پول های جعلی

چنانچه صندوق دار متوجه شود پول جعلی در اختیار وی قرار گرفته، حق ندارد با آن پول معامله، یا آن را به دیگری پرداخت کند؛ بلکه باید از مشتری (در صورت معلوم بودن) تقاضای تعویض نماید و در شرایطی، مسئولان صندوق را در جریان بگذارد.

در حکم مزبور، فرقی نیست بین این که پرداخت کننده را بشناسد یا نه؛ زیرا «پول های تقلبی» فاقد ارزش بوده و استفاده مبادلاتی از آنها حرام است. (1)

پول معیوب

چنانچه صندوق دار متوجه شود، پولی که دریافت نموده ناقص یا معیوب است، می تواند تعویض آن را درخواست کند و نمی تواند آن را دریافت یا پرداخت کند.

1- همان، ج 3، ص 201.

اما دریافت: زیرا صندوق دار، برای انجام دادن کار صحیح اجیر شده و یکی از مصادیق کار صحیح این است که پول سالم دریافت و به حساب صندوق قرض الحسنه واریز کند.

اما پرداخت: زیرا تحویل پول معیوب به دیگران، به معنای پرداخت چیزی کم ارزشتر از مقداری است که از مشتری دریافت نموده است و حال آن که مشتری، هنگام دریافت پول خود می خواهد تمام آن چه را پرداخت نموده است، تحویل گیرد.

حق باجه

در صندوق های قرض الحسنه، پول خاصی در اختیار صندوق دار قرار داده می شود به نام «حق باجه».

سؤال: صندوق های قرض الحسنه به کارمندی که متصدّی دریافت و پرداخت است، به جز حقوق ماهانه مبلغی به عنوان «حق باجه» پرداخت می کنند و در ازای آن این کارمند موظّف است اگر از دریافت ها و پرداخت ها، مبلغی کسر آورد، آن را جبران نماید و اگر زیاد آورد، باید به صندوق تحویل دهد؛ حکم شرعی این کار چیست؟

جواب: شرط کردن قرار مزبور در اجیر نمودن کارمند مانع

ص: 169

ندارد؛ ولی چنانچه مبلغی در نزد او زیاد آمد، اگر معلوم باشد که از غیر بانک است و مالک آن معلوم نیست، حکم «مجهول المالک» را دارد که باید از طرف صاحبش به فقیر صدقه داده شود. (1)

کسر و اضافه

یکی از مسائلی که به طور طبیعی برای صندوق دار پیش می آید، مسئله «کسر و اضافه» است:

سؤال: کار ما صندوق داری است و به علت کثرت دادوستد پول، بعضی روزها مبلغی پول اضافه می آید و گاهی کم و کسر دارد، کسری را جبران نمی کنیم؛ ولی اضافی را نمی دانیم، چه کنیم؛ البته بعضی از این زیادی ها را به علت نداشتن پول خرد از مشتری ها تقاضا می کنیم که حلال کنند و آنها نیز معمولا حلال می کنند؛ علاوه بر این، گاهی پس از بررسی و جمع بندی حساب ها، روزانه مبلغی زیاد می ماند که معلوم نیست از کجا است. قابل تذکر است که در بانک ها و مؤسّسات قرض الحسنه مبلغی به صندوق داران می دهند برای تأمین کسری ها، آنها نیز کسری ها را از این مبلغ جبران نموده و اضافات

1- استفتائات امام خمینی، ج 2، ص 613 .

را هم موظفند به حساب بانک یا مؤسّسه بریزند؛ آیا این کار صحیح است یا نه؟ تقاضا دارم که جواب را طوری بفرمایید که هم ما که حقّی به عنوان صندوق داری نمی گیریم و اختیار اضافات و کسری ها با خودمان است، تکلیفمان را بدانیم و هم تکلیف آنان که حق صندوق داری می گیرند و اختیار کسری ها و اضافات به عهده بانک یا مؤسّسه است؛ روشن شود.

جواب : صندوق دار اگر تعدی و تفریط نکرده و تعهّدی نسبت به جبران کسری نسپرده، ضامن کسری نیست و تأمین کسری از طرف بانک یا غیر آن اشکال ندارد و زیادی اگر معلوم نباشد از کجا پیدا شده، در حکم ملک صندوق است و در صورتی که معلوم باشد از صندوق نیست؛ اگر صاحب آن حلال کرده، تصرف برای کسی که برایش حلال شده، اشکال ندارد و اگر صاحب آن حلال نکرده، اگر صاحب آن معلوم است، باید به او برگردد و در صورتی که معلوم نباشد، باید از طرف او به فقرا صدقه بدهند .(1)

1- همان.

احکام کارمندان صندوق

اشاره

کارمندان صندوق های قرض الحسنه، اعم از مسئولان و سایر کسانی که مشغول به کار می باشند، دارای احکامی هستند:

جواب سلام

جواب سلام ارباب رجوع و غیر آنان واجب است؛ گرچه خود سلام کردن مستحب می باشد.

بر این اساس، چنانچه شخصی وارد شد و بر حاضرین سلام کرد، بر همه آنان واجب است جواب سلام او را بدهند البته:

الف) جواب سلام واجب کفایی است؛ بدین معنی که وقتی شخصی وارد شد و بر حاضرین سلام کرد، چنانچه

یک نفر از بین آنان پاسخ دهد، کافی است و جواب دادن از دیگران ساقط می شود.

ب) مستحب است پاسخ دهنده بهتر از سلام کننده جواب سلام را بدهد؛ قرآن مجید در این زمینه می فرماید :

«وَ إِذا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ كانَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ حَسيباً»؛(1) هر گاه به شما تحیّت گویند، پاسخ آن را بهتر بدهید؛ یا به همان گونه پاسخ گویید! خداوند حساب همه چیز را دارد.

لذا مراجع تقلید نوشته اند در غیر نماز، مستحب است جواب سلام را بهتر از سلام بگوید؛ مثلاً اگر کسی گفت: «سلام علیکم»؛ در جواب بگوید: «سلام علیکم و رحمت الله». (2)

تساوی با مشتریان

شایسته است کارمندان از هرگونه «پارتی بازی» و مقدم داشتن آشنایان، دوستان و اقوام، اجتناب و با مراجعه کنندگان به طور مساوی رفتار کنند.

لزوم تساوی در رفتار، از جانب کارمندان صندوق های

1- نساء: 86.
2- توضیح المسائل محشی، ج 1، ص 626.

قرض الحسنه، شامل این موارد می گردد:

الف) یکسان برخورد نمودن با همه مشتریان؛

ب) مساوات در اجرای در خواست قانونی ارباب رجوع؛

ج) رد کردن تقاضای غیر قانونی مشتریان؛

د) یکسان نگری در استفاده از اموال صندوق قرض الحسنه برای همه مراجعه کنندگان؛ مگر آن که از اموال شخصی استفاده شود، یا در این زمینه دارای اختیارات خاصی از طرف افراد ذی صلاح باشند.

ساعت ورود و خروج

از آن جا که با شاغلان در صندوق های قرض الحسنه قرارداد کاری بسته می شود و اصطلاحاً «اجیر» یا پیمانکار محسوب می شوند؛ آنان موظفند طبق ساعت مقرر در محل ساختمان صندوق قرض الحسنه حاضر و به ارائه خدمات محوله مشغول شوند.

بر این اساس، تأخیر کارمندان در اشتغال به وظایف یا خروج قبل از پایان یافتن زمان مقرر، کم کاری محسوب شده، به میزان عدم اشتغال به وظایف، شرعاً از اجرت محروم می شوند؛ مگر آن که از میزان مرخصی درج شده در

قرار داد استفاده کنند.

لزوم جبران خسارت

صدمه رساندن به اموال و دارایی های صندوق قرض الحسنه، سبب ضمان و مدیون شدن می گردد؛ اعم از اینکه مال به طور کلی از بین رود، یا اینکه معیوب شود و نیز اعم از اینکه وارد شدن خسارت از روی عمد باشد یا سهو. قاعده ضمان در فقه در این مورد حاکمیت می یابد. فقها این قاعده را این گونه عنوان کرده اند:

«مَن أتلَفَ مالَ غَیرِه فَهُوَ لَهُ ضامِن»؛ کسی که مال دیگری را تلف کند، ضامن و مدیون خواهد بود. (1)

بر این اساس، چنانچه یکی از کارمندان صندوق قرض الحسنه خسارتی بر مال متعلق به صندوق وارد سازد، ضامن است و باید ضرر و خسارت جبران نماید؛ گرچه ورود ضرر و خسارت، از روی سهو باشد.

تذکر: قانون مزبور، به کار مندان صندوق های قرض الحسنه منحصر نیست؛ بلکه همه اشخاص و از

1- قابل ذکر است که قاعده مزبور، در روایت خاصی وارد نشده؛ بلکه از ابواب مختلف فقهی جمع آوری گردیده مانند رهن، عاریه، مضاربه، اجاره، ودیعه و سایر موارد (مصباح الفقاهه، ج 3، ص 131)

جمله کارمندان دولت، چنانچه خسارتی بر مال دولت یا اشخاص وارد کنند، گرچه از روی سهو باشد، لازم است آن را جبران نمایند.

ص: 176

مراجعه کنندگان

اشاره

شایسته است مراجعه کنندگان به صندوق های قرض الحسنه (اعم از دارندگان حساب و غیر آنها) به مطالبی توجه نمایند:

افتتاح حساب

کسی که می خواهد حساب افتتاح کند، لازم است واجد شرایط قرض دهنده باشد.

پس اگر صاحب حساب، کودک، دیوانه یا سفیه باشد، «ولیّ» (پدر یا جد پدری) می تواند برای آنان حساب باز کند؛ مشروط به این که باز کردن حساب در صندوق قرض الحسنه به مصلحت افراد مزبور باشد.

ص: 177

دریافت اضافه

چنانچه اربابرجوع، هنگام دریافت پول از صندوق قرض الحسنه مشاهده کند صندوق دار اشتباه کرده و بیش از مقدار مقرر پول پرداخت کرده، موظف است مقدار اضافه را برگرداند؛ در غیر این صورت، گناه کرده و مدیون خواهد بود.

پول تقلبی و معیوب

پرداخت پول تقلبی و معیوب به دیگران و از جمله بانک و صندوق قرض الحسنه حرام، خدعه و فریب محسوب می گردد.

بر این اساس، مراجعه کننده نمی تواند پول تقلبی یا معیوب را لابه لای پول ها گذارده به اشخاص حقیقی یا حقوقی و از جمله صندوق قرض الحسنه تحویل دهد.

دریافت جوایز

دریافت جوایز از صندوق های قرض الحسنه اشکال ندارد؛ اما اگر مشتری گذاشتن پول خود را در صندوق قرض الحسنه به جایزه مشروط کند، دریافت جایزه حرام خواهد بود. (1)

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 887.

سرمایه گذاری

سپرده گذاران می توانند به وسیله آنچه در صندوق قرض الحسنه قرار داده اند، سرمایه گذاری کنند.

لازم است سرمایه گذاری، در ضمن یکی از عقود شرعی، مانند مضاربه یا و کالت انجام گیرد.

ممکن است در این زمینه دغدغه هایی برای سرمایه گذاران وجود داشته باشد که در ذیل هر یک را بررسی می کنیم:

وعده سود

سؤال: در عقد شرعی مضاربه، لازم است مالک و عامل در «سود» شریک باشند، و چنانچه سودی حاصل نشود، عامل و مالک هر دو از سود بی بهره خواهند بود و این مسئله از ابتدای امر مشخص نیست، بلکه در پایان زمانِ تجارت مشخص می گردد؛ در حالی که در سپرده گذاری هایی که در زمان ما وجود دارد، از همان ابتدای قرار داد، بانک یا قرض الحسنه فقط سود را مشخص، بلکه در صد آن را نیز تعیین می نماید.

جواب: وعده سود از سوی عامل در ابتدای قرار داد، در یک صورت اشکال ندارد و آن این که عامل به حصول سود

یقین داشته باشد.

به عبارت دیگر: ممکن است عامل، برای تجارت خود راهی در پیش گیرد که می داند سود آوری آن قطعی و تضمینی است؛ در این صورت، تضمین سود اشکالی ندارد؛(1) ولی اگر تجارت، به ضرر منجر شود؛ ضرر بر سود هر دو (مالک و عامل) وارد خواهد شد.

تعیین در صد

سؤال: در عقد مضاربه شرعی، درصدی وجود ندارد، بلکه عامل و مالک به طور مطلق در سود شریک می شوند و حال آن که آنچه امروزه در بانک ها و صندوق های قرض الحسنه رایج است، این گونه است که هنگام عقد مضاربه، در صد سود تعیین می گردد؛ آیا این کار جایز است؟

جواب: اشکال ندارد مالک یا عامل، از مقداری از سود حاصل شده، صرف نظر کند.(2) فرض کنیم عامل می داند که در تجارت خود 25% در صد سود به دست خواهد آورد؛ ولی با یکدیگر قرار می گذارند که مالک یا عامل، 15%

1- جامع المسائل، ج 1، ص 274.
2- استفتائات جدید، آیت الله تبریزی، ج 2، ص 279.

درصد سود تجارت را دریافت کند و طرف مقابل هم این قرار را می پذیرد؛ در این صورت، اشکالی مترتب نخواهد بود؛ چرا که رفع ید از حق و ملک جایز است.

شک در عمل

سؤال: چنانچه مالک (مشتری که به صندوق قرض الحسنه برای قرار داد مضاربه مراجعه می کند) شک کند در اینکه مسئولان صندوق در واقع روی سرمایه کار می کنند و سودحاصل شده بر اثر تجارت می باشد، یا این که پول را در صندوق گذاشته و سود پول را به وی پرداخت می کنند؛ در این صورت، وظیفه مالک چیست؟

جواب: از آن جا که قرار داد منعقد شده با صندوق قرض الحسنه است؛ یعنی قرار داد مضاربه با طرفی منعقد شده که مسؤلان آن، مسلمان هستند؛ در این صورت، مالک (سپرده گذار) می تواند کار مسلمان (مسئولان قرض الحسنه) را حمل بر صحت نموده، سود حاصل شده را حمل بر ربحی نماید که از تجارت به دست آمده است و تفحص نیز لازم نیست. (1)

1- قانون «حمل فعل مسلمان بر صحت » از قواعد مسلّم فقهی است که در همه موارد اعم از عبادات و معاملات کار برد دارد.

سود قبل از عمل

سؤال: در سرمایه گذاریهای موجود، صِرف سرمایه گذاری و پس از گذشت یک ماه، سود مشخص شده به حساب مشتری واریز می گردد؛ آیا این کار جایز است؟ زیرا این کار گویای آن است که سود حاصل شده، سود پول است، نه اینکه با کار بر روی سرمایه به دست آمده باشد.

دو پاسخ در این زمینه قابل ارائه است : اول، این که ممکن است تجارت و کاری که بر روی سرمایه صورت گرفته است، از نوع «زودبازده» باشد. پاسخ دیگر این که ممکن است آنچه واریز می شود «علی الحساب» باشد و محاسبه دقیق نرخ سود در زمان های بعد صورت پذیرد که در این دو صورت سود حاصل شده برای مشتری حلال و مباح است.

فوت صاحب حساب

در صورت فوت صاحب حساب، احکامی مترتب می گردد:

الف) پول هایی که از سپرده گذار در صندوق قرض الحسنه باقی مانده است، به«ورثه» وی مربوط

ص: 182

می باشد و صندوق قرض الحسنه یا دیگران، هیچ حقی در آن ندارند.

تنها در یک صورت صندوق قرض الحسنه حق دارد از پرداخت پول شخص فوت شده به ورثه امتناع ورزد و آن اینکه فرد مزبور، به صندوق قرض الحسنه مدیون باشد.

ب) چنانچه شخص فوت شده به صندوق قرض الحسنه مدیون باشد، بر ورثه واجب است در اولین فرصت، دیون میت را بپردازند؛ گرچه هنوز موعد اقساط فرا نرسیده باشد؛ زیرا قانون کلی این است که اگر کسی قرض مدت دار بگیرد با مردن وی، مدت از بین می رود و باید سریعا دین او را پرداخت نمود.

ج) پس از فوت صاحب حساب، صندوق قرض الحسنه نمی تواند پول باقی مانده از شخص فوت شده را به یک نفر از وراث پرداخت کند؛ مگر این که به وی اعتماد کامل داشته باشد که او ارث هر صاحب ارثی را پرداخت می نماید. (1)

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 438.

آسیب ها و آفت ها

اشاره

آسیب شناسی و زدودن آفت ها، شرط رشد و بالندگی صندوق های قرض الحسنه خواهد بود. ذیلاً به برخی از این آفت ها و آسیب ها اشاره می کنیم :

صندوق قرض الحسنه یا شرکت اقتصادی

اولین آسیب و آفتی که ممکن است فرا روی صندوق های قرض الحسنه ها قرار گیرد، این است که این صندوق ها هدف خود را فراموش کرده، به شرکت اقتصادی تبدیل گردند.

عمده ترین چیزی که می تواند سبب این انحراف شود، انباشته شدن پول ها و سپرده های مردم است.

البته ممکن است در این زمینه سوء نیتی در کار

نباشد؛ بلکه مسئولان صندوق قرض الحسنه برای زیاد شدن سرمایه صندوق و خدمات رسانی بیشتر به اشخاص بیبضاعت، وارد کارهای اقتصادی شوند.در عین حال باید مواظب بود آفت زیاده طلبی و طمع ورزی و در نهایت ورشکستگی، دامان این صندوق ها را نگیرد.

آنچه می تواند مانع آفت مزبور گردد، چند مطلب است:

الف) برگزاری نشست های جهت دهنده که پیوسته کارمندان و مسئولان صندوق های قرض الحسنه به هدف مقدسشان مقید باشند؛

ب) وجود مدیر و هیأت امنای مردم گرا و متدین و متخصص و کاردان که اندیشه ای جز ارائه خدمات هر چه بیشتر به مردم در سر نداشته باشند؛

ج) ارتباط مستمر با مردم و آشنایی هرچه کاملتر با مشکلات آنها؛

د) توجه به انتقادهای سازنده و هشدارهای بیدارکننده دلسوزان؛ اعم از مردم و مسئولان.

ریسک

اقدام به برخی از امور، بدون تضمین کامل، سبب

ص: 185

بی اعتباری صندوق های قرض الحسنه می گردد.

پیشنهاد می شود برای حفظ صندوق های قرض الحسنه از این آفت، به دو گزینه توجه شود:

الف) دور اندیشی: دوراندیشی به مسائل فردی منحصر نیست؛ بلکه در مسائل و نهادهای اجتماعی و از جمله در مدیریت صندوق های قرض الحسنه هم جای طرح دارد. این ویژگی می تواند جلو بسیاری از کجروی ها را بگیرد و در مقابل، عجله در تصمیم گیری و بدون تفکر، چه بسا سبب سقوط شود.

در حدیث می خوانیم شخصی نزد رسول خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم) آمد و تقاضای اندرز کرد. حضرت پس از آن که سه مرتبه از او قول گرفتند که واقعا درخواست کننده نصیحت باشد، و به آن عمل کند؛ فرمودند:

إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ یَکُ رُشْداً فَامْضِهِ وَ إِنْ یَکُ غَیّاً فَانْتَهِ عَنْهُ؛(1) وقتی به کاری تصمیم گرفتی؛ در عاقبت آن تدبر نما؛ چنانچه خوب است اقدام کن و اگر بد باشد، آن را ترک کن.

ب) مشاوره: مشاوره با متخصصان متعهد، می تواند

1- کافی، ج 8، ص 149.

راهنمای خوبی برای اشخاص حقیقی و حقوقی باشد و راه و چاه را به آنان نشان دهد؛ خداوند، مشورت را روش مؤمنان دانسته، می فرماید:

«وَ أَمْرُهُمْ شُوری بَیْنَهُمْ»(1)

قرآن مجید به پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم) نیز دستور «مشورت» داده و می فرماید:

«شاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ» (2)

بر این اساس، اصل مشورت، امری پسندیده و راه گشای مسائل فردی و اجتماعی است.

1- «وَ الَّذینَ اسْتَجابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقامُوا الصَّلاهَ وَ أَمْرُهُمْ شُوری بَیْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ»؛ و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می دارند و کارشان مشورت و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند. (شوری: 38).
2- «فَبِما رَحْمَهٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ کُنْتَ فَظًّا غَلِیظَ الْقَلْبِ لاَنْفَضُّوا مِنْ حَوْلِکَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُتَوَکِّلِینَ»؛ به[برکت] رحمت الهی، در برابر آنان نرم [و مهربان] شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس، آنها را ببخش و برای آنها آمرزش به طلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، [قاطع باش، و] بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد (آل عمران: 159).

عدم تخصص در محاسبات

عدم تخصص محاسباتی و نداشتن جمع بندی صحیح در برآورد اطلاعات آماری، یکی دیگر از آفات صندوق های قرض الحسنه و تهدیدی برای این مراکز به حساب می آید. آن چه می تواند مانع تحقق آفت مزبور گردد، چند نکته است:

الف) به روز بودن حساب ها و بررسی پی در پی ورودی و خروجی صندوق؛

ب) بهره مندی از سیستم های حسابگر و نرم افزارهای دقیق که مقدار موجودی را به طور شفاف بیان می کند؛

ج) استفاده از مشاوران متخصص در حسابرسی؛

د) ارتباط با سایر صندوق های قرض الحسنه و استفاده از تجربه های آنان؛ به خصوص صندوق هایی که از موفقیت بالایی برخوردارند.

ص: 188

ربا

اشاره

از مباحثی که اصولاً در حول و حوش «قرض» مطرح می شود، موضوع «ربا»ست. ذکر چند نکته در این مورد ضروری به نظر می رسد:

قرآن و ربا

قرآن مجید ربا را باطل و حرام دانسته و آن را خط قرمز معاملات محسوب کرده است؛ به این آیات دقت کنید:

کسانی که ربا می خورند، [در قیامت] برنمی خیزند، مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده است [و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می خورد و گاهی به پا می خیزد]. این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است

[و میان آن دو تفاوتی نیست]»؛ در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام؛ [زیرا میان این دو، فرق بسیار است] و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و [از رباخواری] خودداری کند؛ سودهایی که در سابق [و قبل از نزول حکم تحریم] به دست آورده، مال اوست؛ [و این حکم، گذشته را شامل نمی گردد؛] و کار او به خدا واگذار می شود؛ [و گذشته او را خواهد بخشید] امّا کسانی که بازگردند [و بار دیگر مرتکب این گناه شوند]، اهل آتشند؛ و همیشه در آن می مانند!(1)

خداوند، ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد! و خداوند، هیچ انسانِ ناسپاسِ گنهکاری را دوست نمی دارد.(2)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید، و آنچه از [مطالبات] ربا باقی مانده،

1- «الَّذینَ یَأْکُلُونَ الرِّبا لا یَقُومُونَ إِلاَّ کَما یَقُومُ الَّذی یَتَخَبَّطُهُ الشَّیْطانُ مِنَ الْمَسِّ ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا إِنَّمَا الْبَیْعُ مِثْلُ الرِّبا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَیْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبا فَمَنْ جاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهی فَلَهُ ما سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَی اللَّهِ وَ مَنْ عادَ فَأُولئِکَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فیها خالِدُونَ» (بقره: 275).
2- «یَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبا وَ یُرْبِی الصَّدَقاتِ وَ اللَّهُ لا یُحِبُّ کُلَّ کَفَّارٍ أَثیمٍ» (بقره: 276).

رها کنید؛ اگر ایمان دارید. (1)

اگر انجام ندهید [و از ربا دست برندارید]؛ بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید، سرمایه های شما [=اصل سرمایه، بدون سود] از آن شماست؛ نه ستم می کنید، و نه بر شما ستم وارد می شود . (2)

روایات و ربا

براساس روایات معصومین(علیهم السّلام) نیز گناه رباخواری بسیار بزرگ است مردم باید از آن برحذر باشند. در ذیل به ذکر چند روایت در این زمینه بسنده می نماییم:

پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم) فرمودند:

«شَرُّ الْمَکَاسِبِ کَسْبُ الرِّبَا؛(3) بدترین درآمدها ربا است».

پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم) ضمن سفارش هایی به امیر المؤمنین(علیه السّلام) فرمودند:

1- «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا ما بَقِیَ مِنَ الرِّبا إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ» (بقره: 278).
2- «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَکُمْ رُؤُسُ أَمْوالِکُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ» (بقره: 279).
3- من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 377 و وسائل الشیعه، ج 18، ص 122.

ای علی! ربا هفتاد جزء دارد؛ کمترین آنها مانند زنای با مادر در خانه خدا است. ای علی! گناه یک درهم ربا نزد خداوند عزّ وجل از هفتاد زنای با مَحرَم در بَیْتِ اللَّهِ الْحَرَام، بزرگ تر است. (1)

پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم) فرمودند:

هر کس ربا بخورد، خدا شکم او را به اندازه ربایی که خورده است، از آتش دوزخ پر می کند و اگر با مال ربا مال دیگری به دست آورد، خدا هیچ چیز از عمل او را قبول نمی کند و پیوسته تا زمانی که قیراطی از آن ربا با اوست، مورد لعنت خدا و فرشتگان خدا است! (2)

پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم) فرمودند:

در شب معراج که مرا به آسمان بردند، مردمی را دیدم که به علّت بزرگی شکمشان هر چه می کردند نمی توانستند از جای خود برخیزند! به جبرئیل گفتم:

1- «یَا عَلِیُّ الرِّبَا سَبْعُونَ جُزْءاً فَأَیْسَرُهَا مِثْلُ أَنْ یَنْکِحَ الرَّجُلُ أُمَّهُ فِی بَیْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ یَا عَلِیُّ دِرْهَمٌ رِباً أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ سَبْعِینَ زَنْیَةً کُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ فِی بَیْتِ اللَّهِ الْحَرَام» (من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 367).
2- وَ قَالَ(صلّی الله علیه و آله وسلّم): «مَنْ أَکَلَ الرِّبَا مَلَأَ اللَّهُ بَطْنَهُ نَارَ جَهَنَّمَ بِقَدْرِ مَا أَکَلَ فَإِنْ کَسَبَ مِنْهُ مَالًا لَمْ یَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَی شَیْئاً مِنْ عَمَلِهِ وَ لَمْ یَزَلْ فِی لَعْنَةِ اللَّهِ وَ مَلَائِکَتِهِ مَا دَامَ مَعَهُ قِیرَاطٌ».

اینان چه کسانی هستند؟ پاسخ داد: رباخوارانند.[(1)]

امام صادق(علیه السّلام) فرمودند:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ هَلَاکاً ظَهَرَ فِیهِمُ الرِّبَا؛[(2)] هرگاه خداوند بخواهد قومی را هلاک کند در میان ایشان ربا را آشکار می سازد. [(3)]

اقسام ربا

اشاره

در فقه، دو قسم ربا معرفی شده است : «ربای معاوضی» و «ربای قرضی».

الف) ربای معاوضی

«ربای معاوضی» موضوعاً به بحث ما ارتباطی ندارد؛ اما از باب آشنایی خوانندگان با آن و به دلیل طرح اصل بحث ربا و از باب آشنایی خوانندگان با آن، در ذیل به آن اشاره می شود.

«ربای معاوضی» آن است که دو چیز هم جنس با یکدیگر مبادله شود؛ در حالی که یک طرف از طرف مقابل

ص: 193

1- وسائل الشیعه، ج 18، ص 122.
2- همان، ص 123.
3- معنای حدیث این است که نشانه هلاکت ملتی، آشکار شدن ربا در میان آنان باشد (نه اینکه خداوند در میان ایشان ربا را پدید می آورد).

کم تر باشد. این گونه معاوضه باطل است، مشروط به اینکه آن جنس، وزن کردنی یا پیمانه ای باشد.

بنابراین، معیار در حرمت بیع ربوی عبارت است از وجود همزمان سه شرط:

مکیل (پیمانهای) یا موزون (کشیدنی) بودن هر دو جنس؛

اتحاد جنس (یکی بودن هر دو جنس، مانند گندم به گندم)؛

کم بودن وزن یا پیمانه یکی از دو جنس در مقابل دیگری. به عبارت بهتر یقین نداشتن به تساوی وزنی یا پیمانه ای دو جنس.

پس از روشن شدن تعریف ربای معاوضی، بیان چند مثال در این زمینه را مناسب می دانیم. بدیهی است به دلیل وجود ربای معاوضی در این معاملات، همه این معاملات باطل است:

فروش ده کیلو گندم به دوازده کیلو گندم یا جو،[1] یا به عکس؛

فروش یک مثقال طلا به یک مثقال و نیم، یا به عکس؛

1- گندم و جو در باب معاوضه یک چیز به حساب می آیند.

فروش یازده کیلو از مشتقات شیر در مقابل ده کیلو شیر،[(1)] یا به عکس؛

فروش ده کیلو گندم به یازده کیلو آرد، یا به عکس.

بر اساس آن چه بیان شد که حرمت ربای معاوضی مختص مکیل و موزون می باشد؛ مبادلات ذیل فاقد اشکال است:

فروش یک خانه به دو خانه، یا به عکس؛

فروش ده متر پارچه به یازده متر، یا به عکس؛[(2)]

فروش ده عدد تخم مرغ به یازده، عدد یا به عکس؛ [(3)]

فروش پول خارجی به پول ایرانی، یا به عکس.

فروش یازده هزار تومان پول نو به ده هزار تومان پول کهنه (مشروط بر این که نسیه نبوده و در مجلس بیع، مبادله کامل صورت پذیرد).

به این حدیث دقت کنید: عُبَیْدِ بْنِ زُرَارَهَ می گوید: «از امام صادق(علیه السّلام) شنیدم:

1- دو چیز که یکی اصل دیگری می باشد نیز در باب معاوضه یک چیز به شمار می رود.
2- البته در برخی مناطق، پارچه را وزن می فروشند، در این صورت جایز نیست.
3- مشروط بر اینکه عرف آن شهر، بر فروش عددی باشد نه وزنی.

لَا يَكُونُ الرِّبَا إِلَّا فِيمَا يُكَالُ أَوْ يُوزَنُ؛[(1)] ربایی وجود ندارد، مگر در مکیل و موزون».

نیز بر اساس اشتراط وحدت جنس (یکی بودن جنس فروخته شده و آن چه در مقابل دریافت می گردد)، معاملات ذیل اشکال ندارد :

فروش یک مثقال طلا به دو مثقال نقره، یا به عکس؛

فروش ده کیلو گندم به یازده کیلو لوبیا، یا به عکس؛

فروش ده کیلو قند به دوازده کیلو گندم.

ب) ربای قرضی

«ربای قرضی» آن است که شخصی به دیگری قرض دهد و شرط کند اضافه بر آن چه قرض داده است دریافت کند.

چنین قرضی مطلقا باطل و حرام است؛ بدون تفاوت بین اینکه جنس قرض داده شده وزن کردنی باشد، یا پیمانه ای یا شمارشی یا غیر این ها. نیز فرقی نمی کند که چیز قرض داده شده، پول باشد یا غیر پول. همچنین در

1- الکافی، ج 5، ص 146.

انواع پولها تفاوتی نیست (اعم از اینکه پول داخلی باشد یا خارجی).

حتی اگر چیزی که به عنوان اضافه شرط شده از جنس چیزی نباشد که قرض داده شده است؛ باز ربا و حرام خواهد بود؛ مثلا اگر پولی را به شخصی قرض دهد و شرط کند علاوه بر رد اصل پول، یک ساعت هم برای قرض دهنده کار کند، یا لباسی را برای او بدوزد، این قرار داد، ربا و حرام است.

قرض به شرط قرض

چنانچه مسئولان بانک یا صندوق قرض الحسنه برای مشتریان خود شرط گذاشته و بگویند در صورتی می توانید تقاضای وام کنید که مدتی پولتان را در بانک یا صندوق، به عنوان قرض بسپارید؛ به این مسئله، «قرض به شرط قرض » گفته می شود.

چنین چیزی باطل و حرام است و در حرمت و بطلان آن چه گفته شد، بین اشخاص حقیقی و حقوقی تفاوتی نیست.

سؤال: آیا قرض به شرط قرض، جایز است؟

جواب : خیر، جایز نیست. (1)

رهن و اجاره

ب) مشاوره: متعارف در رهن و اجاره، آن است که مستأجر پولی را به موجر قرض می دهد و در مقابل آن، موجر مقدار اجاره را کم می کند؛ اینک سؤال این است که عمل مزبور ربا است یا نه؟

پاسخ این است که قرار داد مزبور به دو نحو قابل تصور است:

اول: قرار داد، به صورت «اجاره» تنظیم گردد و ضمن عقد اجاره، شرط شود که مستأجر فلان مقدار به موجر قرض دهد؛ در این صورت، اشکالی وجود ندارد؛ زیرا این شرط مانند سایر شروط ضمن عقد خواهد بود.

دوم: قرار داد، به صورت «قرض» تنظیم شود و ضمن آن، شرط گردد که موجر، مال خود را به قرض گیرنده اجاره دهد؛ در این صورت، معامله باطل خواهد بود؛ زیرا مفاد چنین قرار دادی این است که قرض دهنده علاوه بر دریافت طلب خود، منفعت دیگری عایدش شود. (2)

1- استفتائات آیت الله بهجت، ج 3، ص 280.
2- برخی از فقها مانند آیت الله سیستانی در این زمینه نیز اشکال می کنند.

جنس نسیه گران تر از نقد

فروشنده می تواند جنس نسیه یا اقساطی را گران و نقد را ارزان بفروشد و این، ربا به حساب نمی آید، بلکه خرید و فروش به شمار می رود؛ علت حکم مزبور این است که از منظر فقها، زمان واجد ارزش در معامله است: «لِلأَجَلِ قِسطٌ مِنَ الثَّمَن؛ زمان، در مقام معامله ارزش دارد».

بر این اساس، فروشنده می تواند جنس نسیه ای یا اقساطی را گرانتر بفروشد؛ ولی تذکر مهم این است که فروشنده و مشتری نمی توانند معامله را «مبهم» گذارند؛ بلکه باید مشخص کنند که بنا دارند پول کالا نقدا پرداخت شود، یا نسیه یا اقساط. (1)

ضرر قرض دهنده

چنانچه عکس مسئله ربا شرط شود؛ یعنی قرض گیرنده شرط کند کمتر از مقدار قرض بپردازد؛ حکم مسئله چیست؟ تصور این مسئله جایی است که مثلاً:

مالی در معرض خطر دزدی یا فساد باشد و صاحب مال برای حفظ مال خود ناگزیر است آن را به دیگری قرض دهد؛ ولی قرض گیرنده در صورتی به قرض گرفتن حاضر

1- تحریر الوسیله، ج 1، ص 535.

می باشد که در هنگام پرداخت، کمتر بپردازد. (1)

پاسخ این است که چنین فرضی اشکال ندارد؛ علت مطلب این است که ادله حرمت ربا، ناظر به سود قرض دهنده است نه ضرر وی؛ چرا که اصولا مفهوم عرفی و لغوی «ربا» همین را می رساند.به عنوان نمونه در قرآن آمده است:

«وَ ما آتَیْتُمْ مِنْ رِباً لِیَرْبُوَا فی أَمْوالِ النَّاسِ فَلا یَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ ما آتَیْتُمْ مِنْ زَکاهٍ تُریدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولئِکَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ»؛(2) آنچه به عنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه به عنوان زکات می پردازید و تنها رضای خدا را می طلبید [مایه برکت است؛ و] کسانی که چنین می کنند، دارای پاداش مضاعفند.

در آیه مزبور و همه ادله حرمت ربا، سخن از سودی است که عاید به قرض دهنده می شود، نه قرض گیرنده.

1- مسأله مزبور، مورد اتفاق فقها می باشد. از جمله بنگرید (تحریر الوسیله، ج 1، ص 654 و منهاج الصالحین، ج 2، ص 171).
2- روم: 39.

آیا می توان پولی را به پول دیگر به صورت «نسیه» فروخته، مقدار بیشتری از طرف مقابل دریافت نمود؟

پاسخ این است که مسئله مزبور دارای دو صورت می باشد:

الف) فروش پول خارجی به قیمت بیش تر: در این صورت اشکالی وجود ندارد، مانند این که روپیه ای که مثلا قیمت آن 200 تومان است، به 220 تومان بفروشد و آن را یک ماه بعد دریافت کند.

استفتا از محضر آیت الله گلپایگانی (1): آیا خرید ارز، مثلا دلار که نقدی آن 144 تومان است، 30 روز به 151 تومان بخریم، ربا حساب می شود؟

جواب : در فرض مذکور ربا نیست و اشکال ندارد. (2)

شاید علت حکم مزبور این باشد که پول خارجی، «کالا» تلقّی شده، گران فروختن آن با تأخیر در پرداخت قیمت، فاقد اشکال است.

ب) فروش پول داخلی به قیمت بیش تر: در این صورت، نسیه یا به اقساط و در عین حال گران فروختن جایز نیست؛

ص: 201

1- آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، متوفای 1414 ه-، ق

2- مجمع المسائل، ج 5، ص 298.

بلکه باید به مساوی فروخته شود و یا اگر می خواهد گرانتر بفروشد، در همان مکان، تمام پول فروخته شده را به مشتری تحویل و تمام پول خریداری شده را دریافت کند. (1)

مثلا اگر فروشنده بخواهد صدتومان را به صد وبیست تومان بفروشد و آن را یک ماه بعد دریافت نماید، این معامله ربا و حرام می باشد؛ بلکه در این صورت یا باید به مساوی (صد تومان را به صد تومان) بفروشد؛ گرچه بعدا آن را از مشتری دریافت کند؛ یا این که اگر می خواهد گرانتر بفروشد (که این گونه معاملات، در خرید و فروش پول های «نو» و امثال آن، صورت می گیرد)؛ در همان مجلس، صد تومان از جانب فروشنده تحویل مشتری دهد و صد و بیست تومان از جانب مشتری تحویل فروشنده شود.

استفتا از محضر مرحوم آیت الله میرزا جواد تبریزی: خریدوفروش پول به قیمت کمتر یا بیشتر چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه پول معیّن را به پول معیّن دیگر به نقد بفروشد، مانعی ندارد، چه به مساوی باشد یا به کمتر و بیشتر، و چنانچه مبلغی از پول را به مبلغی بیش تر به

1- استفتائات جدید، ج 2، ص 263.

نسیه بفروشد، معامله مزبور قرض ربوی و حرام است؛ هرچند به اسم بیع و خریدوفروش انجام گیرد. (1)

امام خمینی می نویسند:

اسکناسها از آنجا که معدود (شمردنی) به حساب می آیند؛ فروش و مبادله آنها با تفاضل و کم و زیاد در صورتی که از یک جنس نباشند، به صورت نقدی و نسیه جایز است؛ لیکن اگر از یک جنس باشند، فروش آنها با تفاضل تنها به صورت نقدی جایز است و امّا فروش نسیه آنها همان طور که گذشت، خالی از اشکال نیست. (2)

اضافه بدون شرط

پرداخت اضافه بر مقدار قرض، چنانچه بدون قرار قبلی باشد، نه تنها اشکال ندارد؛ بلکه مستحب است؛ چرا که این عمل خود نوعی تشکر از قرض دهنده است. امام رضا(علیه السّلام) فرمودند:

مَنْ لَمْ یَشْکُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِینَ لَمْ یَشْکُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ؛(3)

1- همان.
2- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 890.
3- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 24؛ وسائلالشیعه، ج 16، ص 313 و بحار الانوار، ج 68، ص 44.

کسی که از مخلوق صاحب نعمت تشکر نکند از خدای عز وجل نیز تشکر نکرده است.

ربای حلال

فقها سه مورد را برای ربای قرضی حلال دانسته اند که البته همه آنها مورد اتفاق آن بزرگواران نیست. از این رو، هریک از مقلدین لازم است در موارد مزبور به رساله مرجع تقلید مراجعه کنند. آن سه مورد عبارت است از:

- بین زن و شوهر (محل اختلاف)؛

- بین پدر و فرزند (محل اختلاف)؛

- مسلمان از کافر حربی یا از کافری که در پناه اسلام است و ربا گرفتن در شریعتش جایز باشد (مورد اتفاق). (1)

فرار از ربا

برخی از فقها راه هایی برای فرار از ربای قرضی ذکر فرموده اند که از آنها به «حِیَل شرعیه» تعبیر می شود؛ و لکن مسئله مورد اختلاف فتاواست و لازم است هر یک از مقلدین به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنند.

در این زمینه به ذکر دو استفتا از مرحوم امام خمینی بسنده می کنیم:

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 216.

الف) راه تخلّص از نزول و ربا در پول های بانکی که اغلب تجار، بلکه دیگران هم مبتلا هستند؛ چیست؟

جواب: تخلّص از ربا نزد این جانب مشکل است، بلکه جایز نبودن آن قوی است. (1)

ب) ضمیمه کردن چیزی به مال به قصد فرار از ربا چه حکمی دارد؟

جواب : این کار در جواز قرض ربوی اثری ندارد و با ضمیمه کردن چیزی به آن حلال نمی شود. (2)

ص: 205

1- همان، ص 812.
2- همان، ص282.

حواله

اشاره

«حواله» از موضوعاتی است که در مقوله قرض مطرح می شود. نکاتی در این زمینه قابل طرح می باشد:

تعریف حواله

حواله عبارت است از اینکه بدهکار، طلبکارِ خود را به دیگری ارجاع دهد.

حکم حواله

بعد از تحقق حواله با شرایطش، بدهکار، کسی است که به او حواله شده و دیگر طلبکار نمی تواند طلب خود را از بدهکار اصلی مطالبه کند.

ص: 206

شرایط حواله

شرایط بدهکار، طلبکار و کسی که به او حواله داده شده است:

1-عاقل باشند؛

2- مکلّف باشند؛

3-کسی آنها را مجبور نکرده باشد؛

4-سفیه نباشند؛

5- مفلّس(1) نباشند؛

در مورد مفلس، این توضیح مورد نیاز است:

الف) نمی شود او را حواله دهند که طلب خود را از دیگری بگیرد؛ زیرا دریافت طلبه ای او باید با مدیریت حاکم شرع و در جهت پرداخت طلب طلبکاران وی صورت گیرد؛

ب) خودش هم نمی تواند به کسی حواله بدهد؛

ج) اگر به کسی حواله دهد که به او بدهکار نیست، اشکال ندارد. (2)

1- معنای سفیه و مفلس به طور مبسوط ذکر خواهد شد.
2- توضیح المسائل امام خمینی، ص 480.

شرایط کسی که به او حواله داده می شود

کسی که به او حواله داده شده، لازم است به حواله راضی باشد و نیز شرط است برای همان جنسی که بدهکار است حواله دهد. پس، اگر حواله برای جنس دیگر باشد، تا زمانی که او قبول نکند، حواله صحیح نیست.

بدهکار بودن حواله دهنده

شخص حواله دهنده، هنگام حواله دادن، باید بدهکار باشد. پس اگر بخواهد از کسی قرض کند تا وقتی از او قرض نکرده است، نمی تواند او را به کسی حواله دهد که آنچه را بعداً قرض می دهد، از آن شخص بگیرد. (1)

معلوم بودن مقدار و جنس حواله

مال مورد حواله باید برای حواله دهنده و طلبکار معیّن باشد. پس، اگر مثلاً ده من گندم و ده هزار تومان پول به یک نفر بدهکار باشد و به او بگوید یکی از دو طلب خود را از فلانی بگیر، و آنرا معیّن نکند؛ حواله درست نیست.

تذکر: اگر هنگام حواله مقدار و جنس بدهی معلوم نباشد، ولی مقدار بدهی در واقع معیّن باشد و بدهکار

1- همان، ص 481.

وطلبکار وقت حواله دادن، مقدار آن یا جنس آنرا ندانند، حواله صحیح است؛ مثلاً اگر طلب کسی را در دفتر نوشته باشد و قبل از دیدن دفتر، حواله بدهد و بعد دفتر را ببیند و به طلبکار مقدار طلبش را بگوید؛ حواله صحیح است. (1)

اختیار طلبکار در ردّ حواله

طلبکار می تواند حواله را قبول نکند؛ اگر چه کسی که به او حواله شده فقیر نباشد و در پرداختن حواله هم کوتاهی ننماید. (2)

بر هم زدن حواله

بعد از آن که حواله محقق شد، حواله دهنده و کسی که به او حواله شده است، نمی توانند حواله را به هم بزنند.

فقر شخصی که به او حواله شده

در مورد فقر شخصی که به او حواله شده است، به این نکات توجه شود:

الف) هر گاه کسی که به او حواله شده است، در موقع حواله فقیر نباشد؛ یعنی غیر از چیزهایی که در دَیْن مستثنا

1- همان.
2- همان.

است، مالی داشته باشد که بتواند حواله را بپردازد؛ اگر چه بعداً فقیر شود، طلبکار نمی تواند حواله را به هم بزند؛

ب) همچنین است اگر کسی که به او حواله شده است، در وقت حواله فقیر باشد و طلبکار بداند که او فقیر است؛

ج) اگر طلبکار نداند کسی که به او حواله شده است، فقیر است و بعد بفهمد؛ اگر چه در آن وقت مالدار شده باشد، طلبکار می تواند حواله را به هم بزند و طلب خود را از حواله دهنده بگیرد. (1)

قرار حق فسخ حواله

اگر بدهکار و طلبکار و کسی که به او حواله شده است، یا یکی از آنان برای خود حق به هم زدن حواله را قرار دهند، مطابق قراری که گذاشته اند، می توانند حواله را به هم بزنند. (2)

پرداخت حواله دهنده

اگر حواله دهنده خودش طلب طلبکار را بدهد، در اینکه آیا می تواند مقدار پرداختی را از شخصی که به حواله

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 410.
2- همان، ص 411.

داده شده بگیرد یا نه؛ مسئله دو صورت پیدا می کند:

الف) به درخواست کسی که به او حواله شده، پرداخت کرده است؛ در این صورت، می تواند چیزی را که داده، از او بگیرد؛

ب) بدون درخواست او، آن را داده است؛ در این صورت، نمی تواند چیزی را که داده، از او مطالبه نماید. (1)

1- توضیح المسائل امام خمینی، ص 482.

رهن

اشاره

در مباحث گذشته بیان کردیم که قرض دهنده می تواند از قرض گیرنده تقاضای «رهن» کند. در این زمینه نکاتی قابل طرح است:

تعریف قرار داد رهن

فقها «قرارداد رهن» را چنین تعریف کرده اند: «عقد شُرِّع للاستیثاق علی الدَین؛[1] رهن عقدی است که برای اطمینان سازی بر طلب، از جانب شارع مقرر گردیده است».

براین اساس، رهن، آن است که متقاضی وام، چیزی را به عنوان «گرو» در اختیار قرض دهنده بگذارد تا اگر او به

1- تحریرالوسیله، ج 2، ص 3.

بازپرداخت اقدام نکرد، قرض دهنده بتواند مال خود را از طریق گروی که در اختیار دارد، دریافت کند. در واقع مبنا و مقصود رهن، ایجاد اطمینان برای قرض دهنده در مورد وصول طلب او می باشد.

قرآن و رهن

قرآن مجید در زمینه رهن می فرماید:

«وَ إِنْ کُنْتُمْ عَلی سَفَرٍ وَ لَمْ تَجِدُوا کاتِباً فَرِهانٌ مَقْبُوضَهٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُکُمْ بَعْضاً فَلْیُؤَدِّ الَّذِی اؤْتُمِنَ أَمانَتَهُ وَ لْیَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لا تَکْتُمُوا الشَّهادَهَ وَ مَنْ یَکْتُمْها فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ عَلِیمٌ»؛(1) و اگر در سفر بودید، و نویسنده ای نیافتید، گرو بگیرید و اگر به یکدیگر اطمینان داشته باشید، [لازم نیست، و] باید کسی که امین شمرده شده[و بدون رهن چیزی از دیگری گرفته]، امانت[و بدهی خود را به موقع] بپردازد؛ و از خدایی که پروردگار اوست. بپرهیزد و شهادت را کتمان نکنید! و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است و خداوند، به آنچه

1- بقره: 283.

انجام می دهید، داناست.

اشکال و جواب

ممکن است اشکال شود که در آیه ذکر شده، جواز رهن مطلق نبوده، بلکه به سفر مشروط است.

پاسخ این است که قید «إِنْ کُنْتُمْ عَلی سَفَرٍ» از این جهت مطرح شده که غالباً در سفر نویسنده یافت نمی شده و جز گرفتن رهن چاره ای نبوده است. علاوه بر این، جمله «وَ لَمْ تَجِدُوا کاتِباً» بیان کننده این مطلب است. (1)

شرایط راهن و مرتهن

شرایط راهن و مرتهن به دو دسته تقسیم می گردد:

الف) شرایط مشترک بین آن دو که عبارت است از: بلوغ، عقل، قصد و اختیار؛

ب) شرایط مختص راهن که عبارت است از: محجور نبودن به سبب سفاهت و محجور نبودن به سبب افلاس. (2)

ص: 214

1- اصطلاح فقها در اینگونه قیود، «وارد مورد الغالب » می باشد. این قیود احترازی نبوده و برای تقیید وارد نشده است؛ مانند آیهای که در زمینه «ربیبه» وارد شده: «وَ رَبائِبُکُمُ اللاَّتی فی حُجُورِکُم» که قید، نقشی در حرمت نداشته، بلکه به لحاظ دیگری مطرح شده است.
2- تحریر الوسیله، ج 2، ص 3.

شرط مال مورد رهن

مالی که به عنوان گرو به طلبکار تحویل می شود، باید مِلک بدهکار باشد؛ به گونه ای که بتواند در آن تصرف کند یا اگر در تملک او نیست، صاحب مال اجازه بدهد تا «گرو» قرار گیرد. بر این اساس، رهن گذاشتن این موارد باطل است: مال غصبی، وقفی، شراب و مالی که در گرو دیگری است.

احکام مال رهن

آنچه به عنوان گرو در اختیار طلبکار قرار می گیرد، دارای احکامی است:

اول. عدم جواز تصرف: تا قبل از زمان بازپرداخت قرض، هیچ یک از راهن و مرتهن نمی تواند در مال رهنی تصرف کند، مگر با هماهنگی.

دوم. اختصاص منافع به راهن: چنانچه مال گرو گذاشته، دارای منافعی باشد، آن منافع مال گرو گذارنده (بدهکار) است؛ مثلا چنانچه مال گرو گذاشته شده مغازه ای است که در اجاره دیگری باشد؛ مال الاجاره مختص بدهکار می باشد؛ زیرا مِلک اوست.

سوم. عدم جواز انتقال: بدهکار حق ندارد مال رهنی را

به شخص ثالث بفروشد، مگر با اجازه طلبکار؛ البته اگر بدون اجازه او بفروشد و سپس وی راضی شود اشکال ندارد و همچنین است نسبت به بخشش یا هرگونه انتقال به شخص دیگر.

چهارم. جایگزینی پول: اگر طلبکار چیزی را که گرو برداشته با اجازه بدهکار بفروشد، پول آن هم مثل خود مال، گرو می باشد.(1) البته رجوع به رساله های عملیه در این زمینه لازم است.

پنجم. امتناع از باز پرداخت: اگر در وقتی که بدهکار باید بدهی خود را بدهد، طلبکار طلب خود را از او مطالبه کند؛ ولی بدهکار نپردازد، مسئله دارای دو صورت می باشد:

الف) طلبکار از مدیون «وکالت» در فروش گرفته است؛ که در این صورت، می تواند مال رهنی را بفروشد، طلب خود را برداشته، بقیه آن را به بدهکار بدهد؛

ب) طلبکار، از مدیون وکالت در فروش نگرفته است؛ که در این صورت، اگر به حاکم شرع دسترسی دارد، باید برای فروش آن از حاکم شرع اجازه بگیرد.

ششم. مستثنیات: اگر بدهکار غیر از خانه ای که

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 415

متناسب شأن اوست و در آن نشسته و چیزهایی که مانند اثاثیه خانه محل احتیاج او است، چیز دیگری نداشته باشد؛ طلبکار نمی تواند طلب خود را از او مطالبه کند؛ ولی اگر مالی را که گرو گذاشته، خانه و اثاثیه هم باشد، طلبکار می تواند آنها را بفروشد (1) و طلب خود را بردارد.

ص: 217

1- با ضوابطی که ذکر شد.

ضامن

اشاره

یکی از مباحث مرتبط با قرض الحسنه، بحث «ضامن» می باشد. در این زمینه نکاتی قابل طرح است:

تعریف ضمان

فُقَها «ضمان» را چنین تعریف کرده اند: «ضمان عبارت است از عهده دار شدن مالی که بر ذمه شخص دیگر می باشد». (1)

کیفیت ضمان

«کیفیت ضمان» بدین ترتیب است که شخصی به هر لفظی، به طلبکار بگوید: من ضامن شده ام طلب تو را بدهم و طلبکار هم رضایت خود را بفهماند؛ ولی راضی

1- زبده الاحکام، ص 171: «التعهد بمال ثابت فی ذمه شخص لآخر».

بودن بدهکار شرط نیست. [(1)](#)

شرایط ضامن و طلبکار

ضامن و طلبکار دارای شرایطی می باشند:

الف) مکلف باشند (به حد بلوغ شرعی رسیده باشند) بنابراین، لازم است هم ضامن به حد بلوغ شرعی رسیده باشد و هم طلبکار؛

ب) عاقل باشند؛

ج) اکراه و اجباری در مورد ضمانت صورت نگرفته باشد و هر دو (ضامن و طلبکار) از روی اختیار، قرار ضمانت بگذارند؛

د) سفیه نباشند؛[(2)](#)

ه-) مُفَلّس نباشند. [(3)](#)

البته این شرط ها در بدهکار معتبر نیست. بنابراین، اگر کسی ضامن شود که بدهی بچه یا دیوانه یا سفیه یا مفلس را بدهد، ضمانت او صحیح است. [(4)](#)

1- توضیح المسائل امام خمینی، ص 485.
2- تحریر الوسیله، ج 2، ص 25.
3- تذکر لازم اینکه در مورد برخی از این شروط، اختلاف اندکی بین فتاوا وجود دارد.
4- فقها حکم مزبور را قبول دارند.

انتقال بدهی

پس از تحقق ضمان شرعی، «بدهی» به ضامن منتقل می شود و طلبکار طلب خود را از ضامن وصول خواهد کرد.(1)

ضمان مشروط

اگر قرار ضمان بدین گونه باشد که ضامن بگوید چنانچه بدهکار نتوانست بدهی خود را بپردازد، من پرداخت بدهی را ضمانت می کنم؛ صحت چنین ضمانتی مورد بحث است و لازم است در این زمینه به رساله فقها مراجعه شود.

ضمانت شخص

ضمانتی که مورد اتفاق فقها قرار گرفته، در مورد «دَین» است؛ بدین صورت که شخصی بدهکار باشد و ضامن، دَین وی را به طلبکار بپردازد؛ اما ضمانت کردن در مورد «اشخاص»، محل اختلاف فتاواست؛ مثلاً شخصی به دیگری بگوید: فلان کارمند یا کارگر را استخدام کن، اگر خرابی یا خیانتی به بار آورد، من ضامن خسارت وارد شده هستم. (2)

1- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 423.
2- همان.

ضمانت قبل از قرض

ضمانتی که در فرهنگ فقها جاری است، عبارت است از اینکه قرضی صورت گیرد و سپس دیگری بدهی او را ضمانت کند؛ بدین معنی که به جای بدهکار، مقدار بدهی وی را بپردازد.

اما آنچه در زمان ما جاری است اینکه قبل از قرض، ضمانت صورت می پذیرد و شخص حقیقی یا حقوقی از متقاضی وام در خواست ضامن می کند. این ضمانت به نظر برخی فقها مورد قبول است؛ لکن اطمینان بیشتر، رجوع به رساله مرجع تقلید را می طلبد.

تعیین

از آن جا که در همه قرار داد ها، شفاف سازی لازم است، در بحث ضمانت، مشخص بودن سه امر ضروری است: 1. طلبکار، 2. ضامن، 3. مالی که مورد بدهی است.

بخشیدن طلب به ضامن

اگر طلبکار، همه طلب خود را به ضامن ببخشد، طبق فتوای بیشتر مراجع تقلید، ضامن نمی تواند از بدهکار چیزی بگیرد و نیز اگر مقداری از آن را ببخشد، نمی تواند

آن مقدار را مطالبه نماید. (1)

پشیمانی ضامن

اگر انسان ضامن شود که بدهی کسی را بدهد، نمی تواند از ضامن شدن خود برگردد؛ مگر این که طلبکار نیز به فسخ قرار داد ضمان راضی گردد. (2)

شرط بر هم زدن ضمان

در اینکه آیا می شود ضمن قرار داد ضمان، «شرط» کنند آن را بر هم زنند، مسئله مورد اختلاف فتاواست و لازم است هریک از مقلدین به رساله مرجع تقلید خود مراجعه نمایند. (3)

فقر ضامن

هرگاه انسان در موقع ضامن شدن، بتواند طلب طلبکار را بدهد؛ اگر چه بعد فقیر شود، طلبکار نمی تواند ضامن بودن او را به هم زند و طلب خود را از بدهکار اوّل مطالبه نماید. همچنین است اگر در آن موقع نتواند طلب

1- ولی فتوای آیت الله سیستانی این است که اگر همه یا بخشی از آن را هبه کند، یا از باب خمس یا زکات یا صدقات و امثال آن حساب کند؛ ضامن می تواند از بدهکار مطالبه نماید (توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 424).
2- توضیح المسائل محشی، ج 2، ص 424.
3- همان.

او را بدهد؛ ولی طلبکار بداند و به ضامن شدن او راضی شود. (1)

مطالبه بدهکار

در اینکه آیا مقداری را که ضامن ضمانت کرده است، می تواند از بدهکار بگیرد یا نه؛ فقها مسئله را به دو قسم تقسیم کرده اند:

الف) بدون اجازه بدهکار وی را ضمانت کرده است؛ در این صورت، حق مطالبه از وی را ندارد؛

ب) با اجازه بدهکار وی را ضمانت کرده است؛ در این صورت، حق مطالبه از وی را دارد. (2)

1- همان، ص 425.
2- همان، ص 426.

افلاس

اشاره

یکی از مباحث مرتبط با «دیون»، مسئله «افلاس» است. در این زمینه نکاتی ارائه می کنیم:

افلاس در لُغَت

لُغَت شناسان گفته اند: «مُفلِس»[(1)] به کسی گفته می شود که پول های عمده و درشت خود را از دست داده و برای او فقط فلوس (پول خرد) باقی مانده است و «مُفَلَّس» به همان شخص اطلاق می گردد و در صورتی که افلاس وی نزد حاکم ثابت شده از تصرف در اموالش منع شده باشد. [(2)]

1- به کسر لام.
2- شرائع الاسلام، ج 2، ص 77: «المفلس هو الفقير الذی ذهب خيار ماله و بقيت فلوسه؛ و المفلس هو الذی جعل مفلسا أی منع من التصرف فی أمواله».

افلاس در فقه

اما در عُرف فقه و شرع، «مُفلِس» به کسی گفته می شود که بیش از اموالش مدیون باشد و «مُفَلَّس» به شخصی اطلاق می گردد که افلاس وی نزد مجتهد جامع الشرایط ثابت شده و او به افلاس وی حکم کرده باشد.

شرایط منع از تصرف

هر مدیونی در اموالش ممنوع التصرف نیست، بلکه با چهار شرط، مدیون از تصرف در اموالش منع می شود :

الف) دیون وی نزد حاکم شرع، به وسیله مدارک معتبر ثابت شده باشد؛

ب) اموالش از دیونش کمتر باشد؛

ج) دیون، «حال» باشد؛ یعنی برای بازپرداخت، زمان خاصی مشخص نشده یا این که مشخص شده باشد؛ ولی زمان آن فرا رسیده باشد. بر این اساس، چنانچه موعد بازپرداخت نرسیده باشد، مدیون، در اموالش ممنوع التصرف نیست.

د) طلبکاران از حاکم شرعی در خواست کنند مدیون را از تصرف در اموالش باز دارد. بنابراین، چنانچه خود مدیون، ممنوع التصرف بودن را از حاکم شرع در خواست

کند، آن شخص ممنوع التصرف نیست. (1)

مفلس قبل از حکم

مادامی که حاکم شرع به افلاس شخصی حکم نکرده، برای مالک جایز است در اموال خود هرگونه تصرفی بکند؛ گرچه دیون او چند برابر اموالش باشد و نیز هرچند که همه را از ملک خودش مجانا یا در مقابل عوضی بیرون کند.

ولی اگر مثلاً صلح او در مورد اموال یا هبه آنها به خاطر فرار از ادای دیون باشد، صحت آن، خصوصا وقتی که امید پیدا شدن مال دیگر به کسب و مثل آن، برایش نباشد، اشکال دارد. (2)

مفلس بعد از حکم

بعد از تحقق شرایط و حکم به افلاس شخص، حق طلبکارها به اموال او تعلق می گیرد و برای او تصرف در آنها به عوض، مانند بیع و اجاره، و به غیر عوض مانند وقف و هبه جایز نیست، مگر اینکه طلبکارها اذن یا اجازه(3) دهند.

1- المختصر النافع، ج 1، ص 140.
2- تحریر الوسیله، ج 2، ص 18.
3- «فرق «اذن» و «اجازه» در این است که اذن به اجازه گرفتن قبل از انجام عمل گفته می شود؛ ولی اجازه این است که عملی انجام شود و سپس اجازه گرفته شود؛ مانند اینکه مال یگری بدون اذن او فروخته و سپس کسب رضایت شود، در این صورت اگر رخصت داد معامله درست است؛ و الاّ باطل می باشد.

تصرفات قبل از حکم

مفلّس فقط از تصرفات بعد از حکم، محجور می شود. پس، اگر قبلا چیزی را با اختیار فسخ خریده باشد، سپس محجور شود، اختیار او باقی است و حق دارد بیع را فسخ نموده یا اجازه دهد؛ ولی اگر قبلا حق مالی از دیگری داشته باشد، نمی تواند همه یا قسمتی از آن را اسقاط و تبرئه کند. (1)

املاک بعد از حکم

تصرف مفلّس فقط در اموالی که موقع حجر، موجود بوده، ممنوع است؛ امّا اموالی که بعد از حجر بدون اختیار او پیدا می شود، مانند ارث یا اموالی که به اختیار او وجود پیدا می کند، مانند جمع آوری هیزم و شکار و قبول وصیت و هبه و مانند این ها، در اینکه حجر شامل این گونه اموال شود، اشکال است. البته حاکم شرع می تواند او را از تصرف در این گونه اموال هم منع نماید. (2)

ص: 227

1- تحریر الوسیله، ج 2، ص 18.
2- همان، ص 19.

اقرار به دَین بعد از حکم

اگر بدهکار، بعد از حکم به ممنوع بودن تصرف وی از سوی حاکم شرع، به دینی اقرار کند، صحیح و نافذ است.

لیکن کسی که مفلّس برایش اقرار کرده است، بنابر اقوا با طلبکارها شریک نمی شود؛ چه اقرار به دین گذشته یا دین بعد از حجر باشد و چه آن دین را به سببی نسبت دهد که احتیاج به رضایت دو طرف نداشته باشد؛ مثل اتلاف و جنایت و مانند این ها یا به سببی نسبت دهد که محتاج آن است مانند قرض کردن و به ذمه خریدن و مانند این ها. (1)

اقرار به عین بعد از حکم

آنچه در فرض قبلی مطرح شد، اقرار به دَین کلی بود؛ اینک سخن این است که اگر مفلس در مورد عین (شیئی خاص) اقرار نماید، تکلیف چیست؟

پاسخ این است که نفوذ اقرارش در حق او اشکالی ندارد و مسئله دارای دو صورت می باشد:

الف) حق طلبکارها ساقط شده و حجر برطرف شود؛ در این صورت، بر او لازم است که به مقتضای اقرارش،

1- همان.

آن عین را به شخصی که برای او اقرار کرده است، تحویل دهد؛

ب) حق طلبکارها ساقط نشده و حجر او باقی باشد؛ در این صورت، در اینکه «مُقرّله» (شخصی که برای او اقرار شده) یکی از طلبکاران به حساب آید و سهمی به او داده شود، مشکل است و آن چه قوی تر به نظر می رسد، این است که او در شمار طلبکاران به شمار نمی رود. (1)

موارد استثنا

پس از آن که حاکم شرع به مفلس بودن شخص حکم نمود و او را از تصرف در اموالش ممنوع ساخت، فروختن اموال وی و تقسیم آنها بین طلبکارها بر اساس سهم ها و نسبت دَین شان می کند؛ ولی در این زمینه لازم است به دو مورد استثنا توجه شود:

الف) مستثنیات دَین: همان طور که قبلاً بیان شد، خانه مسکونی مدیون و لوازم زندگی مورد نیازش نباید فروخته شود. این مستثنیات در بحث افلاس نیز جریان داشته و حاکم یا نماینده وی حق ندارد این گونه چیزها را در معرض فروش بگذارند.

1- همان.

ب) اموال رهنی: مال هایی که نزد طلبکارها از سوی مفلس به عنوان «رهن» قرار داده شده است، نباید فروخته شود؛ بلکه مرتهن (طلبکاری که مالی را به عنوان رهن گرفته است) نسبت به آن اولویت داشته، می تواند حقش را از رهنی که نزد خودش است، بردارد و سایر طلبکارها در آن سهمی ندارند.

روش محاسبه

پرداخت طلب طلبکاران از طریق اموال یا فرو ش اموال مفلس (با استثنای آن چه ذکر کردیم) به دو دسته تقسیم می شود:

الف) اموال وی جواب گوی مقدار طلب طلبکاران است؛ در این صورت، سهام هریک به طور کامل پرداخت می شود؛

ب) اموال وی جواب گوی مقدار طلب طلبکاران نیست؛ در این صورت، باید سهمیه بندی شده و به هر طلبکاری به تناسب طلبی که دارد، پرداخت شود و طلبکاران برای مابقی آن باید صبر کنند تا وضع مالی مفلس بهتر شود. مثلاً یک نفر از دیگری 200 میلیون طلب دارد و دیگری 100 میلیون و شخص سوم 50 میلیون تومان

ص: 230

(مجموعاً 350 میلیون تومان)؛ ولی موجودی مفلس نصف این مقدار؛ یعنی 175میلیون تومان می باشد؛ در این صورت، لازم است به هریک از طلبکاران نصف طلبشان پرداخت شود؛ یعنی به ترتیب 100، 50 و 25 میلیون تومان و طلبکاران برای بقیه طلب خود باید انتظار بکشند که اگر مفلس مالی پیدا کرد طلب آنها در اولویت باشد.

حق فسخ

یکی از مجوّزات فسخ معامله، «حق فسخ تفلیس» است و آن عبارت است از این که اگر فروشنده پول را از مشتری دریافت نکرده و پس از معامله متوجه شود، مشتری مُفَلَّس شده است؛ در این صورت، او بین دو گزینه مخیر است:

الف) معامله را بر هم زده، جنس فروخته شده را از وی باز پس گیرد؛

ب) به معامله وفادار بماند و برای دریافت پول خود در کنار بقیه طلبکاران صبر کند، که در این صورت، یکی از طلبکاران محسوب می شود تا هروقت سهم طلبکاران پرداخت شود، سهم او نیز پرداخت گردد.

ص: 231

نکته قابل ذکر، اینکه مطلق قراردادها برای مفلس ممنوع نیست، بلکه محور در ممنوعیت تصرف، «نقل» اموال است.

بر این اساس، این گونه کارها برای مفلس فاقد اشکال است:

الف) قرار داد کاری که هیچ خسارتی در آن نیست؛ مثل اینکه برای شخصی کارگری کند؛ بلکه می شود گفت این کارها بر او واجب است؛ زیرا قبلا بیان داشتیم بر بدهکار واجب است تحصیل در آمد کند و طلب مردم را بپردازد؛

ب) انجام دادن کارهای تبرعی و رایگان برای دیگران؛ به شرط این که مانع کسب و کار وی نشود؛

ج) اشتغال به کارهایی که شرعاً بر او واجب است، از قبیل نماز و روزه واجب؛ و نیز اشتغال به مستحبات به مقدار متعارف که مانع کسب و کار وی نگردد؛

د) هر کاری که تصرف مال محسوب نشود، مانند ازدواج و طلاق؛

ه-) قرض گرفتن؛ نه قرض دادن؛

ص: 232

و) نسیه خریدن.

تذکر: چنانچه مفلس از دنیا برود، مخارج تکفین وی بر حق طلبکاران مقدم است.

مفلس روز قیامت

به مناسبت بحث مفلس، مناسب می نماید روایتی را که در مورد «مفلس روز قیامت» وارد شده بیان کنیم و آن اینکه پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم) از اصحاب، سؤال کردند: آیا می دانید مفلس کیست؟

اصحاب پاسخ دادند: مفلس در میان ما کسی است که دِرهَم و کالایی ندارد.

حضرت پاسخ دادند:

مفلس امت من کسی است که روز قیامت [به عرصه محشر] می آید، در حالی که نماز و روزه و زکات انجام داده است؛ ولی به شخصی فحش داده، به دیگری تهمت زده، مال شخصی را خورده است، خون کسی را ریخته است، دیگری را کت کزده؛ که در این صورت، از «حسنات» او برداشته شده و به آن افراد داده می شود. و چنانچه حسنات وی به پایان رسد، از گناهان دیگران برداشته و به او داده می شود؛ سپس

او را در آتش می اندازند! (1)

ص: 234

1- «أَ تَدْرُونَ مَا الْمُفْلِسُ فَقِيلَ الْمُفْلِسُ فِينَا مَنْ لَا دِرْهَمَ لَهُ وَ لَا مَتَاعَ لَهُ فَقَالَ الْمُفْلِسُ مِنْ أُمَّتِی مَنْ یَأْتِی یَوْمَ الْقِیَامَهِ بِصَلَاهٍ وَ صِیَامٍ وَ زَکَاهٍ وَ یَأْتِی قَدْ شَتَمَ وَ قَذَفَ هَذَا وَ أَکَلَ مَالَ هَذَا وَ سَفَکَ دَمَ هَذَا وَ ضَرَبَ هَذَا فَیُعْطَی هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ وَ هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ فَإِنْ فَنِیَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ یُقْضَی مَا عَلَیْهِ أُخِذَ مِنْ خَطَایَاهُمْ فَطُرِحَتْ عَلَیْهِ ثُمَّ طُرِحَ فِی النَّارِ» (بحار الانوار، ج 69، ص6).

فهرست منابع

اشاره

1. قرآن کریم.

2. نهج البلاغه، انتشارات دار الهجره قم.

3. إقبال الاعمال، سید بن طاوس (589- 664) دار الکتب الاسلامیه و مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1367 ه-. ش.

4. الإحتجاج، طبرسی (ابو منصور، احمد بن علی، قرن 6) نشر مرتضی، مشهد مقدس، 1403 ه-، ق.

5. إستفتائات امام خمینی (سید روح اللّٰه الموسوی، متوفای 1409) دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،1422 ه ق.

6. إستفتائات جدید مرحوم آیت الله تبریزی (جواد بن علی، متوفای 1427 ق).

7. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار(علیهم السّلام) ، علامه

ص: 235

مجلسی (1110-1037)، مؤسسه الوفاء .

8. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی (محمد بن حسن، متوفای 460، ه- ق) دار الکتب الإسلامیه تهران، 1365 ه-، ش.

9. التعلیقه الاستدلالیه علی تحریر الوسیله، مرحوم آیت الله تجلیل (ابوطالب، متوفای 1429 ق) مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(رحمه الله)، 1421 ه ق.

10. توضیح المسائل، امام خمینی (سید روح اللّٰه الموسوی، متوفای 1409) 1426ق.

11. توضیح المسائل محشی، امام خمینی (سید روح الله، متوفای 1409) ج 1، ص 76، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1424.

12. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم، دارالکتب الاسلامیه، 1374ش.

13. تحریر الوسیله، امام خمینی (سید روح اللّٰه الموسوی، متوفای 1409) مؤسسه دار العلم.

14. ثواب الاعمال، شیخ صدوق (محمد بن علی، متوفای 381ق) انتشارات شریف رضی، 1364ش.

15. جامع الاخبار، تاج الدین شعیری (قرن ششم) انتشارات شریف رضی، 1363 ش.

16. جامع المسائل، آیت الله فاضل لنکرانی(محمد موحدی، متوفای 1428 ق) انتشارات امیر قلم، 1425 ق.

ص: 236

17. جامع الاحکام، آیت الله صافی (لطف الله) انتشارات حضرت معصومه(علیهاالسّلام)، 1417ق.

18. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، نجفی (محمد حسن، متوفای 1266 ه-، ق) دار احیاء التراث العربی، 1404، لبنان

19. زبده الاحکام، امام خمینی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، 1404.

20. الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، شهید ثانی (زین الدین بن علی، شهید سال 966 ه-، ق) کتاب فروشی داوری، 1410 .

21. سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، شامی (محمد بن یوسف الصالحی الشامی متوفی 942 ق) تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ط الأولی، 1414/1993.

22. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، محقق حلّی (نجم الدین، جعفر بن حسن، متوفای 676 ه، ق) مؤسسه اسماعیلیان، 1408 ه ق.

23. عیون اخبار الرضا (علیه السّلام)، شیخ صدوق (محمد بن علی، متوفای381 ق) انتشارات جهان، 1378 ق.

24. الکافی، کلینی (محمد بن یعقوب، متوفای 329 ق) دار الاسلامیه.

ص: 237

25. کلیات سعدی، سعدی شیرازی (مصلح الدین ابو عبد الله، متوفای 691 ق) مؤسسه مطبوعاتی علمی.

26. لسان العرب، ابن منظور (ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، متوفای 711 ه ق) دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع- دار صادر، 1414 ه ق.

27. المختصر النافع فی فقه الإمامیه، محقق حلّی (نجم الدین جعفر بن حسن، متوفای 676 ه-، ق) مؤسسه المطبوعات الدینیه، 1418 .

28. المعرفه و التاریخ، بَسوی (أبو یوسف یعقوب بن سفیان البَسوی، متوفی 277ق) تحقیق اکرم ضیاء العمری، بیروت، مؤسسه الرساله، ط الثانیه، 1401/1981.

29. مناسک محشی، محمد رضا محمودی، نشر مشعر، 1429ق

30. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق (محمد بن علی، متوفای 381 ق) دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1413 ه ق.

31. مجمع المسائل، آیت الله گلپایگانی (سید محمد رضا موسوی، متوفای 1414 ه ق)، دار القرآن الکریم، 1409 ه ق.

32. معانی الاخبار، شیخ صدوق (محمد بن علی، متوفای 381 ق) دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1361 ش.

33. المسائل المنتخبه، آیت الله سیستانی (سید علی) دفتر آیت الله سیستانی، 1422 ق .

34. منهاج الصالحین، آیت الله حکیم (سید محسن طباطبایی، متوفای 1390 ه-، ق) دار التعارف للمطبوعات، 1410 ه ق.

35. منهاج الصالحین، آیت الله وحید خراسانی (حسین) مدرسه امام باقر(علیه السّلام)، 1428.

36. منهاج الصالحین، آیت الله تبریزی (جواد بن علی، متوفای 1427 ق) مجمع الامام المهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)، 1426ق.

37. منهاج الصالحین، آیت الله خویی (سید ابو القاسم، متوفای 1413 ق) مدینه العلم، 1410ق.

38. وسائل الشیعه، عاملی (شیخ حر 1033- 1104) مؤسسه آل البیت(علیهم السّلام) ، 1409 ه-، ق.

ص: 239

منابع سایت

http://way2pay.ir

http://asrebank.ir/news/19250

http://www.vanak.org/page.php?315

http://www.tasnimnews.com/fa/news / 1394 / 09 / 14/934324

http://bankemardom.ir/1394/09/14/9841

http://donya-e-eqtesad.com/news/504744

/http://bankemardom.ir/1394/09/14/9841

http://rc.majlis.ir/fa/news/show/94998941

http://rc.majlis.ir/fa/news/show/949989

http://www.khabaronline.ir/detail/485024/Economy/macroeconomics

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109